

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر امین امیریان فارسانی

مدیر داخلی: مهدی عبدی ابیانه

مدیر اجرایی: مصطفی اکبری

دبیر علمی: احمد امیریان فارسانی

اعضای هیئت تحریریه:

دکتر محمود المامیر (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان)

دکتر مسعود حیدری (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان)

دکتر کریم صالحی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد)

دکتر رشید قدیری (استادیار دانشگاه شهرکرد)

دکتر محمد رضا شادمان فر (استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی)

دکتر امین امیریان فارسانی (استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی)

دکتر راضیه قاسمی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تیران)

دکتر علی زلقی (دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان)

دکتر الهام حیدری (استادیار دانشگاه شهرکرد)

فصلنامه سراسری دادگران کیفری (حقوق تخصصی)

به شماره ثبت ۸۸۴۶۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.chaponashr.ir/dr-amirian

www.chaponashr.ir

وب سایت اختصاصی دکتر امین امیریان فارسانی

سازمان چاپ و نشر ایران

آماده سازی، تهیه و تنظیم و ویراستاری: سازمان چاپ و نشر ایران (www.chaponashr.ir)

نشانی: اصفهان، سپاهان شهر، دانشگاه شهید اشرفی

اصفهانی، گروه حقوق

صفحه آرا: پروانه مهاجر

☐ نقل مطالب مندرج در فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

☐ مسئولیت صحت اطلاعات مندرج در مقالات به عهده نویسندگان است.

فهرست مطالب

راهکارهای عملی و نظری در پیشگیری از تورم کیفری ۳

یاسین صعیدی

جایگاه جعل سنتی و سایبری در نظام کیفری ایران ۲۱

مصطفی اکبری، محسن شکرچی زاده

نقش رمزارزها در تسهیل ارتکاب جرایم سایبری ۵۵

امین امیریان فارسانی، میثم طهماسبی سرقلی نوترکی

تحلیل راهبردهای جامعوی و تقنینی پیشگیری از جرایم سایبری در اسناد بین المللی

..... ۸۳

علی زلّقی

تحلیل جرم شناختی قانون گریزی بین جوانان ۱۹ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان ۱۰۶

الهام کشوری، محمدرضا شادمان فر

راهکارهای عملی و نظری در پیشگیری از تورم کیفری

یاسین صعیدی*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۷	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۸	شماره صفحه: ۳-۲۰
-------------------	------------------------	-----------------------	------------------

در عصر حاضر و به دنبال توسعه جوامع در سایه تغییر و تحولات دائم در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قانونگذاران کشورها را اغلب با نوعی افراط گرایی در وضع قوانین کیفری و استفاده حداکثری از کارکرد سرکوبگرانه حقوق جزا واداشته، تا جایی که این عوامل حقوق کیفری را با پدیده ای بنام تورم کیفری؛ ناشی از افزایش بی رویه رفتارهای جرم انگاری شده به عنوان عمل مجرمانه و توسعه قلمرو حقوق کیفری مواجه ساخته است. که این تورم کیفری به دنبال خود نتایج سوء و ناکارآمدی در عرصه سیاست جنایی کشورها دنبال داشته، لذا لزوم مقابله با این پدیده به دنبال احترام به انسان و ارزشهایی چون آزادی، استقلال، خودمختاری و حق بر متفاوت بودن او از یک طرف و تاکید بر نقش حداقلی دولت در استفاده از ابزار حقوق جزا به عنوان آخرین راهکار از طرف دیگر باعث گردیده که کشورها با مطالعات و بررسی های گسترده و بهره گیری از دیدگاه ها، نظریات و یافته های جرم شناختی و حقوق کیفری در عمل و نظر درصدد ارائه راهکارهایی در مقابله با بحران تورم کیفری برآیند آنچه بطور معمول از این مطالعات بدست می آید اینکه تمامی سیستم های کیفری اغلب در دو زمینه نظری و عملی به مقابله با تورم کیفری می پردازند؛ یعنی در زمینه راهکارهای نظری با دخالت در تمام مراحل فرایند کیفری و متعاقبا در زمینه عملی نیز در مرحله وضع قوانین کیفری (سیاستهای تقنینی) و در مرحله رسیدگیهای قضایی در محاکم می توان گام های موثری در جهت پیشگیری از معضل تورم کیفری که امروزه دامنگیر اکثر نظام های کیفری در جهان است برداشت.

کلیدواژه: تورم کیفری، بحران سیاست جنایی، جرم زدایی، کیفرزدایی، قضازدایی.

* استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) اصفهان ، ایران

مقدمه

حقوق کیفری به لحاظ در اختیار داشتن ضمانت اجرای کیفری و ارتباطی که با آزادی اشخاص جامعه دارد در میان سایر رشته های حقوقی از اهمیت والایی برخوردار بوده و ضامن گسترش عدالت و امنیت در جوامع بشری می باشد. لذا پیشرفت هر جامعه منوط به آن است که قوانینی پویا و مناسب و در جهت تامین آزادی و امنیت وضع شود. این پویایی بدین معنی نیست که هر روز قانون تغییر پیدا کند، زیرا تغییر بدون برنامه و بی مطالعه نه تنها مشکلی را حل نخواهد نمود بلکه سبب سرگردانی قانونگذار در میان انبوه قوانین ناکارا و عدم آشنایی مردم از قوانین خواهد بود. امروزه دولتها با تصویب قوانین کیفری در مرحله جرم انگاری سعی در مشخص کردن محدوده ممنوعه افراد و جلوگیری یا حداقل، کاهش اعمال مجرمانه دارند منتها در این موقعیت ویژه نباید دست قانونگذار را در جرم انگاری اعمالی که واقعا مضر به حال اشخاص نیستند و هیچ فایده ای غیر از افزایش بار قوانین کیفری در پی ندارند باز گذاشت بلکه رویه اتخاذی قانونگذار زمانی در عمل موفق خواهد بود که ضمن احترام به آزادی های خصوصی فرد، جرم انگاری را مستند به اصول و مبانی نظری و عملی مورد پذیرش افکار عمومی جامعه و مجامع بین المللی نماید زیرا امروزه این مراجع بین المللی مانع از این هستند که دولتها بدون اصول و ضابطه خاصی، آزادی های اشخاص را که در کنواسیون های بین المللی و اسناد حقوق بشری و قوانین اساسی کشورها به رسمیت شناخته شده اند سلب نمایند. بنابراین قانونگذار باید بدون توجه به رویکرد ذهنی گرایانه صرف، به هنگام وضع قوانین کیفری بخصوص در جرم انگاریهای غیر ضرور و صرفا امنیت گرا و با هدف سرکوبی هر نوع بی هنجاری و به هنگام رسیدگی های قضایی در تبیین حدود اختیارات قضات در تعیین نوع مجازات از جهت تناسب با خود مرتکب و شرایط و مقتضیات زمانی و توجه به واقعیت های جرم شناختی به عمل آورد تا با آثار زیانبار ناشی از بی توجهی به این مسائل که عامل عمده در افزایش تورم کیفری است مواجه نگردد.

مبحث اول: راهکارهای نظری در پیشگیری از تورم کیفری

۱- پیشگیری از طریق ایجاد مدل جایگزین مقدم بر مداخله جزایی

با این نوع پیشگیری که یک مرحله قبل از وقوع جرم و مقدم بر مداخله کیفری است می توان با ایجاد مداخلات بسیار کلی در قبال جرم که شامل اقداماتی مبتنی بر تغییر اوضاع و احوال و

شرایط جرم زای محیط فیزیکی، اجتماعی تسلط بر محیط و شرایط پیرامونی جرم متمایل است و تدابیر پیشگیرانه ناظر به گروههای خاص (مثلا جوانان) و جلوگیری از تکرار جرم از طریق اقدامات فردی و سازگاری مجدد بزهکاران قدیمی که در این راستا نهادهای جامعه می بایست با ارگانهای دولتی در پیشگیری از جرم همکاری داشته و متعاقبا دولت نیز مردم عادی را در پیشگیری از جرم و اصلاح حال مجرمان سهیم بدانند زیرا دستیابی به اهداف پیشگیری از بزه و بزهکاری که خود زمینه کاهش تورم کیفری است بدون تدابیر فوق و مشارکت افراد غیر رسمی غیر ممکن است لذا ضروری است تا با همکاری افراد جامعه و دولت و نهادهای مرتبط و با تدوین و برنامه ریزی راهکاری مناسب؛ در این زمینه گامهای اساسی برداشته شود.

۲- پیشگیری از تورم کیفری از طریق تضییق قلمرو و مداخله کیفری

جوامع مختلف برای حمایت از ارزشهای حاکم به مداخله کیفری روی آورده اند زیرا امروزه حقوق کیفری همچون هسته اصلی یا محل قوی ترین فشار در سیاست جنایی حضوری بسیار محسوس دارد. بهر حال استفاده بی رویه از حقوق کیفری و جرم انگاری های افراطی کیفری، عواقب و پیامدهای جبران ناپذیری از جمله تورم کیفری است که سیستمهای مختلف حقوقی را با بحران مواجه کرده است حال آنکه بایستی در مرحله جرم انگاری با بازگشت به اصول بنیادین حقوق کیفری [۱] گستره قلمرو محدوده آن حفظ شده و در مرحله بعد جنبشی با هدف کنار گذاشتن حقوق جزای کلاسیک و جایگزینی برخوردهای غیر کیفری با پدیده جنایی (پرادل، ۱۳۸۸: ۵ و ۴) طی سه فرایند ۱- کیفرزدایی ۲- جرم زدایی [در جهت حذف تدریجی] و ۳- قضازدایی [در جهت حذف والای نظام کیفری] با که ذیلا به مفهوم آنها خواهیم پرداخت گام موثری در جهت تضییق قلمرو مداخله کیفری برداشته شود.

۲-۱- کیفرزدایی [۲]

ریشه های اولیه کیفر زدایی را باید در جنبش حبس زدایی و زندان زدایی [۳] جستجو کرد. بعدها با ظهور علوم کیفر شناسی و تاکید بر بازدارندگی مجازات ها به جای شدت آنها کیفر زدایی مورد توجه جرم شناسان قرار گرفت. امر مسلم این است که نهادهای غیر کیفری می توانند نقش ارزنده ای در جلوگیری از وقوع جرایم داشته باشند. سیاست جنایی در بعد مبارزه غیر کیفری، نیاز به ارتباط با نهادهای دیگر غیر کیفری دارد.

کیفر زدایی نوعی جرم زدایی ناقص می باشد. دراین حالت نوعی مداخله و تدبیر اجتماعی، جایگزین کیفر میشود ولی عنوان مجرمانه برای فعل یا ترک فعل حفظ می شود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۷۷) شورای اروپا درمعنا و مفهوم کیفر زدایی چنین بیان داشته است که: «مفهوم کیفرزدایی بیانگر همه شکل های تخفیف درنظام کیفری است. دراین معنا؛ تغییر وصف یک جرم از جنایت به جنحه را می توان کیفر زدایی تلقی کرد این مفهوم را می توان دربه کارگیری ضمانت اجراهای جانشین مجازات های سلب آزادی همچون جزای نقدی، تعلیق مراقبتی، دستورهای ویژه دادگاه و مانند آن که پیامدها و عوارض جانبی کمتری دارند نیز به کار برد» (گزارش جرم زدایی اروپا، ۱۳۸۴: ۱۵ و ۱۴).

کیفر زدایی از لحاظ نحوه اعمال به دو نوع تقسیم نمود: ۱- کیفر زدایی رسمی: آن زمانی است که خود قانونگذار به جرح و تعدیل در متون قانون برای حداقل بخشی نظام کیفری یا موزون سازی آن با ارزشهای و شرایط جامعه دست می زند. ۲- کیفر زدایی عملی: بدین صورت که علاوه بر قانونگذار، مراجع قضایی و مقامات مانند بازپرس و داستان می توانند از اختیاراتی مانند تعلیق تعقیب منع یا موقوفی تعقیب استفاده کرده و از درگیر شدن افراد در نظام عدالت قوانین جلوگیری کنند. دادرسان دادگاهها نیز در مرحله رسیدگیهای کیفری می توانند از اختیارات خود مبنی بر تخفیف، تعلیق مجازات و انتخاب مجازات های جایگزین حبس استفاده کنند همه این اقدامات منجر می شود تا افرادی که درگیر نظام عدالت کیفری می شوند به حداقل برسند و یا آثار آن به حداقل برسد.

امروزه یکی از راههای کیفر زدایی اولویت دادن به جایگزینها و قایم مقامهای کیفری است، «انریکوفری» یکی از بینانگذاران مکتب تحقیقی دراین مورد می گوید: «نظر به اینکه کیفرها از لحاظ دفاع اجتماعی وسیله ناچیزی است که نمی تواند جوابگوی این نیازمندی باشند باید به تدابیر پیشگیری متوسل شد که جایگزین کیفرها گردند و تمنییات اجتماعی را برآورند و این همان است که من آن را هم ارزشهای کیفرها و یا قایم مقام های کیفری نامیده ام» (گسن، ۱۳۷۰: ۷۰). این جایگزینها درابتدا به عناوین [جایگزینهای زندانهای کوتاه مدت] مطرح و وارد قلمرو نظام کیفری شد و حبس های کوتاه مدت را از فهرست کیفرهای قانونی در بیشتر کشورها حذف نمود چونکه فساد آنها بیشتر بود در گام بعدی جایگزینهای مذکور به تدریج توسعه یافت و بصورت مجازات های اجباری به قوانین جزایی کشورهای مختلف وارد شد. (آشوری، ۱۳۸۲: ۸)

النهايه نتیجه اینکه جایگزینهای یاد شده به تدریج گسترده و متنوع شده و امروزه طیف

وسیع‌تری دارند و علاوه بر جایگزین‌های سنتی یعنی: آزادی مشروط، تعلیق مراقبتی و جزای نقدی جایگزین‌های جدید شامل موارد (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۶۱): [تعویق تعقیب، تعلیق مراقبتی فشرده، کارعام المنفعه و خدمات اجتماعی، جریمه‌های روزانه، نظارت الکترونیکی، پادگانهای آموزشی و اصلاحی و میانجیگری کیفری] می‌شود که نظریه پردازان این قایم مقامها اهداف [۴] و دور نمایی را برای آن در نظر گرفته اند که در صورت اعمال صحیح این کیفرها به این اهداف و در مجموع کیفرزدایی دست خواهیم یافت.

۲-۲- جرم زدایی [۵]

جرم زدایی بعنوان یکی از جلوه‌های تحدید مداخله دامنه حقوق جزا و یکی از طرق مهم مهار نظام عدالت کیفری، برای نخستین بار در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی با هدف تورم زدایی کیفری یعنی تعدیل عناوین مجرمانه یا تعداد جرایم در قانون مجازات در قالب دیدگاههای دفاع اجتماعی نوین، مطرح شد اگر چه قبل از آن نیز اندیشمندانی چون بکاریا با تاکید بر تقلیل شمار جرایم و حذف برخی عناوین مجرمانه این بحث را پیش کشیده بودند.

در این میان تلاش طرفداران جنبش دفاع اجتماعی نوین بویژه مارک آنسل، که با آگاهی از تحولات جوامع اروپا و ضرورت انطباق قوانین کیفری ناشی از آن غیر قابل انکار است لذا بهره‌گیری از این الگو در سیاست جنایی می‌تواند رهیافتهایی چون حفظ توازن اجتماعی میان شهروندان و جلوگیری از گسترش بی‌اندازه حقوق کیفری و آثار سوء آن دست یافت.

بنابراین با توجه به موارد فوق در تعریف جرم زدایی می‌توان گفت: «جرم زدایی شامل آن فرایندهایی است که از طریق آن صلاحیت نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجراها، بعنوان واکنشی نسبت به بعضی از رفتارها یعنی برای رفتارهای مجرمانه خاصی سلب می‌شود» (مهرا، ۱۳۷۶: ۳۰۳) و در یک تعریف ساده تر می‌توان گفت «جرم زدایی یعنی فرایند زدودن برجسب، عنوان یا وصف مجرمانه از یک عمل یا از یک رفتار» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۹۰) در نتیجه در حال حاضر جرم زدایی یکی از راهکارهای عقب‌نشینی کیفری تلقی می‌شود که آن را قانونگذار به دو گونه اعمال می‌کند: ۱- جرم زدایی رسمی: یعنی قانونگذار بخاطر مشاهده نارسایی‌هایی موجود در اجرای قانون، عدم موفقیت آن در مبارزه با پدیده بزهکاری، هزینه‌های زیاد ناشی از اجرای قانون و تبعات منفی و تورم کیفری ناشی از عملی را که سابقا جرم بوده فاقد این وصف نمایند که این امر ممکن است به روشهای مختلفی چون به رسمیت شناختن عمل مزبور اتخاذ موضع

بی طرف و یا توسل به سایر تضمینات حقوقی صورت گیرد ۲- جرم زدایی عملی: که عبارت است از پدیده تدریجی کاهش فعالیت های نظام عدالت کیفری در قبال برخی رفتارها یا اوضاع و احوال هر چند رسماً و قانوناً در صلاحیت آن نظام تغییری حاصل نشده باشد.

البته جرم زدایی عملی به شیوه های بسیاری تحقق می پذیرد در وهله نخست از رهگذر دگرگونی در رفتار اشخاصی که بطور مستقیم درگیر آن عمل اند انجام می شود تا جایی که آنان ازاعلان گزارش رفتار مجرمانه به پلیس پرهیز می کنند در وهله دوم از رهگذر صلاحدید پلیس است که درموارد خاصی یا هیچ اقدامی انجام نمی دهند یا این که آنها را به نظام های اجتماعی دیگرارجاع می دهند. بنابراین آنچه مهم جلوه می دهد این است که جرم زدایی عملی که به معنی عملکرد محطاطانه و به نفع متهم، مراجع قضایی، پلیس و نهادهای مدنی و عموم شهروندان در قبال رفتار خاص می باشد می تواند بستر مناسبی را برای اعمال جرم زدایی قانونی ایجاد کند. لذا این وظیفه دولتمردان و مقامات مسئول مملکتی است، که با عنایت بر افکار عمومی و عملکرد تمامی نهادها و اشخاص که به نوعی درامر تعقیب، محاکمه و اجرای مجازات این قبیل اشخاص دخیل هستند ضمن شناخت نیازهای واقعی جامعه و مطلوب شهروندان، از این قبیل اعمال سلب عنوان مجرمانه نموده و از دخالت دراین حوزه خودداری نمایند، تا بدین وسیله راه را بر ابتکار و نوآوری، که محصول اراده آزاد و تفکر عاری از قید و بند می باشد باز کرده و درراستای پیشرفت همنوعان خویش گام بردارند.

در خصوص ضرورت اعمال جرم زدایی در جامعه باید این واقعیت را پذیرفت که مردم در جامعه از قانونی اطاعت می کنند که با روح عمومی عدالت درنزد آنها همخوانی داشته باشد و از بطن جامعه برخیزد و هر گونه جرم انگاری بدون توجه بر فرهنگ مردم و ریشه های اعتقادی آنها، نه تنها اجرایی در پی نخواهد داشت بلکه نوعی تضاد بین مردم و هیئت حاکمه ایجاد می کند لذا مقنن نباید جرم انگاری را به منزله ابزاری برای تحمیل عقاید اخلاقی، دینی و فلسفی خود قرار دهد؛ زیرا قوانینی که بدون توجه به نیازهای واقعی مردم و مقتضیات زمانی و مکانی به تصویب می رسند نه تنها باعث ایجاد تورم کیفری می شوند بلکه رفته رفته به قوانینی متروکه تبدیل میشوند که خود این امر موجب تحقیر حقوق کیفری و ایجاد تصور عدم توانایی حقوق کیفری درمقابله با بزهکاری در جامعه و سبب بی اعتقادی مردم به آداب و رسوم و قوانین و مقررات حاکم در جامعه و سنگینی بار نظام عدالت کیفری می شود، در این گونه موارد است که برای مبارزه با چنین مشکلاتی باید چنگ توسل به جرم زدایی زد. باید به این نکته نیز توجه

داشته باشیم که موضع کشورهای مختلف در برابر پدیده جرم زدایی یکسان نیست زیرا در عمل جرم زدایی با موانعی روبروست بطوریکه برخی دولتها مخالف جرم زدایی در برخی حوزه ها بوده و برخی دیگر ، موافق اتخاذ سیاست جرم زدایی هستند در هر حال هر یک از این دو دسته در توجیه گفته خود دلایلی را مطرح نموده اند که بدلیل اطاله بحث از پرداختن به آن خودداری می کنیم.

۲-۳- قضا زدایی [۶]

مفهوم قضا زدایی ، جلوگیری یا عدم ادامه رسیدگی های کیفری را در مواردی تعریف و مشخص می کند که سیستم عدالت کیفری صلاحیت رسیدگی به آنها را رسماً دارد (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۴: ۵۹-۵۵)

در قضا زدایی صلاحیت نهادهای دستگاه های قضایی به نفع سایر نهادها و روشهای رسیدگی سلب می شود و به جای آن نوعی مداخله و اقدام اجتماعی جایگزین آن و عمدتاً در ارتباط با استفاده مقامات تعقیب جرم از جانشین های کلاسیک کیفری در تعقیب و محاکمه جرایم است. بهره گیری از قضا زدایی جهت مبارزه با آثار تورم کیفری به ویژه در امور مرتبط با دادرسی ، از جمله تراکم پرونده ها ، تسریع رسیدگی ، هزینه رسیدگی، دقت در رسیدگی و ... بسیار مفید و ضروری است در قضا زدایی ، با تغییر مسیر تعداد زیادی از پرونده های کیفری از دادگستری به مقامات اداری و انتظامی ، به قاضی در مجال رسیدگی به جرایم را مهم یاری خواهد شد.

هر اندازه که جوامع به سمت پیشرفت و صنعتی شدن و دور شدن از سنتها و آداب و رسوم قومی و محلی حرکت نمودند مشارکت و مداخله مردم بیشتر رو به افول نهاده تا اینکه تداوم این وضعیت مسائل و مشکلات بغرنجی از قبیل افزایش لجام گسیخته قوانین کیفری و تورم ناشی از آن، افزایش هزینه های عدالت کیفری و بی اعتمادی و نارضایتی جامعه نسبت به عملکرد نظام عدالت کیفری رسمی پدید آورده که مجموعاً منجر به بحران ناکارآمدی این نظام گردید و موجب شد که در چند دهه اخیر مشارکت مردم به عنوان آخرین راهکار جنبه عملی به خود بگیرد (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۴۲) لذا امروزه سیاستگذاران قضایی در اغلب کشورها با اتخاذ رویکرد مشارکتی در سیاست جنایی به عنوان بارزترین جلوه قضا زدایی به مقابله با این بحران برخاسته اند برخواسته اند.

لذا مشارکت مردم در این فرایند شامل تمام مراحل کیفری از بدو وقوع جرم تا اجرای حکم می شود که اولین جنبه مشارکت مردم در فرایند قضا‌زدایی کیفری به موضوع کشف جرم و ضرورت تعقیب و تحقیق آن بر می گردد؛ اقامه شهادت توسط شهود در دادگاه جلو سنتی و متداول مشارکت مردم در این مرحله به شمار می رود که به عنوان یکی از ادله مهم اثبات دعوای کیفری می تواند دستگاه عدالت را در مرحله رسیدگی در کشف واقعیت جرم یاری نماید، اهمیت یافتن مشارکت مردم در این مرحله باعث شده است که در برخی کشورها مانند آمریکا رویکرد تعقیب اجتماعی یا مردمی مطرح و اجرا گردد که در واقع به امر تعقیب، ویژگی اجتماعی می دهد و براساس آن مقامهای تعقیب ضمن تماس فزاینده با مردم محل و همسایگان به شناسایی مسائل و موضوعات جرم زا و قابل تعقیب می پردازد در این راستا می توان به گروههای محلی و بررسی و پردازش بزهکاری در فرانسه اشاره کرد که به منظور تعریف اولویت های اقدام عمومی درباره اعمالی که باید سرکوب شوند و امکاناتی که باید برای برقراری نظم در محله های انتخاب شده تامین شوند ایجاد شده اند (کریستین، ۱۳۹۰: ۱۵۶-۱۵۵) همچنین می توان از هیات منصفه اتهامی ۱۲ نفری شهروند عادی در آمریکا و ۱۱ نفری در ژاپن نام برد که در مورد مناسب بودن یا نبودن موارد عدم تعقیب توسط دادستان تحقیق اظهار نظر می کنند که می توان آنرا از مصادیق مشارکت مردم در مرحله تحقیق دانست (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۴۴) دومین جنبه مشارکت مردم در فرایند قضا‌زدایی کیفری مربوط به مرحله رسیدگی و صدور حکم است امروزه مشارکت مردم در این مرحله در پرتو تحولات سیاست جنایی توسعه بیشتری یافته و روند رو به رشدی دارد به نحوی که در برخی موارد به مشارکت مستقیم و همه جانبه و جایگزین نظام عدالت کیفری منجر شده است. عدالت ترمیمی و الغا گرایی جلوه های مهم مشارکت مستقیم مردم در این مرحله به شمار می روند (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۴۹-۱۴۸).

تعریفی که از عدالت ترمیمی می توان داد عبارت است از فرایندی که بوسیله آن تمام اشخاصی که در حادثه مجرمانه دخیل هستند گرد هم می آیند تا با مشارکت یکدیگر در مورد آثار و نتایج عمل مجرمانه و آینده بزه دیده و بزهکار و جامعه بعد از وقوع جرم چاره اندیشی نمایند (عباسی، ۱۳۸۲: ۵۷) البته ارائه تعریفی جامع از عدالت ترمیمی ساده نیست، چون عدالت ترمیمی طرح ها و برنامه ها و اندیشه ها، توجه والتفات به نقش آفرینی سه عنصر و رکن اساسی عدالت ترمیمی یعنی [جامعه، بزه دیده و بزهکار] در مقابله با بزه و اثرات و نتایج آن با تکیه بر نیازها و قابلیت‌های این سه عنصر می باشد.

جلوه ها و شیوه های مرسوم اجرای عدالت ترمیمی در دنیا عبارتند از: میانجیگری کیفری، نشست های گروهی خانوادگی، محافل تعیین مجازات، هیات های جبران خسارت، شوراهای مردمی، برنامه های آشتی دهی، مصالحه و برنامه های ترمیمی تعلیق مراقبتی] از میان این شیوه های میانجیگری کیفری بین بزه دیده و بزه کار رایج ترین و پرکاربردترین جلوه عدالت ترمیمی محسوب می شود این شیوه با الهام از سابقه تاریخی خود به شکل جدید و نوسازی شده از اوایل دهه هشتاد قرن بیستم به عنوان شیوه جدیدی از حل و فصل اختلافات و دعاوی کیفری مطرح و نهادینه شد که بطور خلاصه به معنای وساطت شخص ثالث بین بزه دیده و بزه کار به عنوان اشخاص درگیر در دعوی و اختلاف کیفری به منظور به توافق رساندن، سازش یا مصالحه دادن آنها با هدف احیای هماهنگی و سپس ترمیم خسارات وارده بر بزه دیده می باشد که عمدتاً طی نشست بین طرفین انجام می شود و می تواند در طول فرایند عدالت کیفری و در هر زمانی تحت نظارت مقامهای قضایی و یا خارج از این نظام و مستقل از آن به صورت کاملاً مردمی به وقوع بپیوندد؛ به هر حال شرط موفقیت در آن به مهارت میانجیگر بستگی دارد که نماینده جامعه محسوب می شود. سومین جنبه مشارکت مردم در فرایند قضا دایی کیفری مربوط به مرحله اجرای حکم کیفری است مشارکت مردم در مرحله اجرای حکم امروزه جلوه نوینی برای این مرحله بوجود آورده است که از جمله آن اصلاحات بعمل آمده در چار چوب اجرای مجازات زندان می توان نام برد که اولین گام در مشارکت مردم در اجرای این نوع مجازات ها، روشهای محیط باز و نیمه آزادی به جای کیفر حبس است که به منظور دفع قسمتی از آثار زیانبار زندان و اصلاح آن در جهت باز پروری و اصلاح مجرمین با کمک و مشارکت مردم نمود پیدا کرده است. گام بعدی در جهت مشارکت در این مرحله به موضوع اولین نهادهای جایگزین زندان مربوط می شود که برای احتراز از زندانی کردن محکومین و در پی بروز اندیشه « حبس زادی یا زندان زدایی » بوجود آمده اند. که مهمترین نهاد در این زمینه نظام « پروبیشن » در کشورهای انگلوساکسون یا تعلیق مراقبتی در کشورهای اروپای قاره ای می باشد که با کمک و مشارکت مردم و در قالب مامورین تعلیق یا کمیته تعلیق و انجمن های مردمی اجرا می گردند این جایگزینها که از ابتدا با مشارکت و کمک مردم و جامعه مدنی شروع شده در مراحل بعدی با توسعه دامنه و موارد شمول آن موجبات مشارکت بیشتر و گسترده تر جامعه مدنی را فراهم ساخت. به نحوی که امروزه از آنها به عنوان « مجازات های اجتماعی » نام برده می شود تا توسل به نیروی معجزه گر اجتماع در اصلاح و درمان بزه کاران را بخوبی نمایان سازد و امکان جایگزین

شدن به سایر مجازات ها را نیز داشته باشد (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۶۲-۱۶۰) لذا امید است که با پر رنگ شدن حضور مردم در فرایند عدالت کیفری افق های روشنی برای دست اندرکاران سیاست جنایی در پیشگیری از تورم کیفری پدید آید.

مبحث دوم: راهکارهای عملی در پیشگیری از تورم کیفری

دستیابی به یک سیاست جنایی موفق و کارا در زمینه حل مسائل ومشکلات نظام کیفری ومهمتر از همه مشکل تورم کیفری صرفا با ارائه یک سری یافته های تئوری که ناشی از یک رویکرد ذهنی گرایانه صرف وحاصل دیدگاههای مختلف علمای کیفری به این موضوع است بدون مطالعات تجربی وعملی حاصل آزمایش وخطا به بن بست برخورد خواهد رسید لذا لازم است در کنار این راهکارهای نظری وبه عنوان مکمل اینها راهکارهای عملی موجود نیز مورد بررسی قرارگیرد تا بتوان حاصل نتایج بدست آمده در این زمینه به عنوان راهکاری جامع وفرایگیر مورد استفاده سیاستگذاران جنایی قرار گیرد لذا این مبحث اختصاص دارد به تورم زدایی دروضع قوانین ورسیدگیهای قضایی دارد که ذیلا به آنها می پردازیم:

۱- تورم زدایی در مرحله وضع قوانین کیفری

مراجع تقنینی کشورها نیز باید با برداشتهای موسع از سیاست جنایی درطی فرایند قانونگذاری با تلقی سیاست جنایی به عنوان بخشی از سیاستهای عمومی دولت وتاملی معرفت شناسانه برای درک وتحلیل ازبزهکاری وانحراف وراههای مبارزه با آنها درکنار دولت،جامعه مدنی ودرکنار کیفر، پاسخ های غیرکیفری را در این فرایند مدنظرقرار دهند.

لذا مجالس قانونگذاری در ضمن طرح ها ولوایحی که مربوط به مسایل وموضوعات کیفری می باشد طی مطالعات کارشناسی شده ودقیق، ودرمجموع وبا قطع نظر از برخی فراز وفرودها،با لحاظ عناصر ومولفه های تورم زدایی چون

۱- تمرکز بر مفهوم موسع از سیاست جنایی و راهبرد مشخص در فرایند قانونگذاری؛ با عدم تاثیرپذیری از التهابات ونوسانات سیاسی اجتماعی بیرونی و وجود برنامه های مشخص وهماهنگ میان مفاد طرح ها و دیدگاهها وبرداشتهای یکسان نمایندگان مجلس از مسائل کیفری در فرایند تدوین وتنظیم این طرح ها و ارائه راهبردی مشخص در جریان قانونگذاری .

۲- باعدم تمرکز برویکرد امنیت گرا که مبتنی است بر احساس ناامنی، طرفداری از سرکوب و شدت عمل کیفر، تقلیل اختیار دادگاه در انتخاب مجازات و فردی کردن ضمانت اجراها، اعطای اختیارات وسیع به پلیس و نهادهای امنیتی و برداشتهای سنتی از بزه و بزهکار؛ درجهت تورم زدایی، و در مرحله وضع قوانین کیفری موفق و کارا گامهای اساسی بردارند.

۲- تورم زدایی در مرحله رسیدگی های قضایی

حبس زدایی به عنوان مهمترین رویکرد در زمینه تورم زدایی کیفری در تمامی مراحل رسیدگی های کیفری قابل تصور است این فرایند در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط مقامات قضایی تعقیب [در دادسرا] با جرح و تعدیل و برخورد محتاطانه در صدور قرار بازداشت موقت محقق میگردد چرا که بر کسی پوشیده نیست که در وضعیت فعلی بخش اعظمی از ورودی های زندان کشورها (به خصوص در کشور ما) را متهمان تحت قرار بازداشت تشکیل می دهند در نتیجه لزوم رعایت حقوق شهروندی و حفظ کرامت انسانی ایجاب می کند با تعدیل و درموردی اجتناب از صدور بازداشت موقت؛

۱- از طریق استفاده صحیح و مطلوب از اهرم های جایگزین پیش از محاکمه به ویژه جانشین های بازداشت موقت

۲- لزوم دقت قضات محترم و با مستندات و دلایل قوی در صدور قرار بازداشت موقت قانونگذار را بر آن داشنه که عزم خود را به منظور مقابله با بحران انباشت جمعیت کیفری زندان ها و بازنگری جدی در قوانین و روش های مرسوم و نظارت دقیق در جریان صدور قرارهای بازداشت موقت جمعیت کیفری زندان ها و کاهش تعداد افراد تحت قراربیش از گذشته را جزو اولویت های سیاست های جنایی جدید دستگاه قضایی برای کاهش آمار زندانیان قرار دهد (میلکی، ۱۳۸۵: ۱۹)

پس از این مرحله و در مرحله رسیدگی و صدور حکم و در این راستا جایگزینیهایی برای کیفر حبس پیش بینی شده است. از جمله مهمترین آنها جزای نقدی است که بدلیل وجود محاسنی چون ۱- جلوگیری از انحراف و تباهی مجرمان اتفاقی در محیط جرم زای زندان است (صلاحی، ۱۳۵۴: ۱۵۲) و به تبع آن جلوگیری از تکرار جرم زیرا اثر تنبیهی جزای نقدی در اثر تکرار از بین نمی رود و هر چند بار هم اجرا شود همچنان آزار دهنده است (شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۳۶۸) ۲- امکان ایجاد تناسب میان جرم و مجازات نقدی ۳- محل عایدی دولت به شمار آمده و از

نظر اقتصادی برای دولت مقرون به صرفه است (ولیدی، ۱۳۷۵: ۷۳) مورد توجه قضات بوده، دوم اشتغال به کارهای عام المنفعه به عنوان جایگزین حبس که از جمله ضمانت اجرای جدید اجتماعی است به صورت مدون و برای نخستین بار وارد حقوق کیفری انگلستان و ولز شد و در اکثر کشورهای متمدنی جهان به دلیل محاسن زیادی که در فوق اشاره گردید علاوه اینکه کاهش جمعیت کیفری را نیز دنبال دارد به عنوان جایگزین زندان کوتاه مدت در قوانین کیفری پیش بینی شده و اعمال می گردد. سوم محرومیت‌های شغلی و حقوقی بعنوان جایگزین کیفر حبس؛ این تدبیر ماهیتاً اقدام تأمینی و تربیتی است که امروزه از مهم ترین جانشین‌های حبس محسوب می شود این تدابیر از امتزاج عوامل جرم زا جلوگیری می کنند که هدفش پیشگیری از تکرار جرم نیز می باشد و در اکثر کشورهای جهان به قضات این امکان داده شده است که این محرومیت‌ها و ممنوعیت‌ها را به جای کیفر حبس و به عنوان جانشین آن مورد حکم قرار دهند که در این صورت به عنوان مجازات اصلی جانشین کیفر به معنی اخص در حکم صادره قید و خصوصیات مجازات‌ها را دارا می باشند. با جایگزین کردن این اقدام تأمینی به جای کیفر حبس نه تنها هدف ترذیلی مجازات تأمین می شود بلکه مجرم این مجازات را هم از نظر مالی و هم از نظر حیثیتی لمس می کند یعنی از نظر مالی زیان می بیند و از نظر حیثیتی هم در اجتماع تا اندازه ای متزلزل می شود. لذا ترس از ضرر مالی و حیثیتی ناشی از اجرای این محکومیت عامل پیشگیری وضعی از جرم محسوب می شود. با اعمال این مجازات هدف دفاع اجتماعی نیز تأمین می شود زیرا، دور ساختن فرد از حرفه ای که بیم آن می رود با پرداخت به آن مرتکب جرم شود جامعه در مقابل ارتکاب این دسته از جرایم واکسینه می شود و با دور ساختن مجرم از حرفه ای که با آن مرتکب جرم شده هم در جامعه امنیت ایجاد می شود و هم باز پذیری اجتماعی مجرم تسهیل می گردد.

آخرین و مهمترین مرحله در بحث تورم زدایی در رسیدگی‌های قضایی مربوط است به مرحله اجرای مجازات؛ بر معایب و عوارض سوء ناشی از اجرای کیفر زندان همانطور که قبلاً نیز بیان شد واقف هستیم. اجرای مجازات حبس در غیر محیط بسته زندان و بغیر از طریق سنتی آن می تواند از معایب کیفر حبس و اثر احتمالی مترتب بر آن که تکرار جرم و افزایش جمعیت کیفری می باشد جلوگیری نماید حتی اگر در خصوص تعدادی از مجرمین به ناچار از محیط بسته استفاده کنیم با بهره بردن از:

۱- استفاده از رژیم‌های مختلف اجرای مجازات حبس است از جمله روش نیمه آزادی که مرحله ای بین زندان و برگشت به محیط آزاد و اجتماع است که دو نوع محکومیت بصورت بدون

مراقبت در خارج از زندان و محکومیت بصورت اعزام به خارج از زندان جهت کارآموزی یا آموزش علمی یا حرفه ای یا مداوای بیماری واعاده دوباره به زندان اجرا می گردد، و سایر روشها از جمله [نگهداری محکومین در موسسات باز، اعطای مرخصی به زندانی برای کارکردن در خارج از محیط زندان، کیفرهای پایان هفته ای، حبس در منزل و نظام نیمه بازداشت] که برای سهولت در اجرای مجازات حبس و اجتناب از اثرات زیانبار آن پیشنهاد وتوصیه شده است.

۲- جرح و تعدیل در اجرای مجازات حبس که در مواردی اجرای این مجازات طبق قانون به تعویق می افتد که این تعویق گاه در همان آغاز ضمن صدور حکم محکومیت با قرار تعلیق اجرای مجازات معلق ماند وگاه دراثنای اجرای حکم وقفه ای نه چندان طولانی اجرای آن را موقوف سازد و سرانجام ممکن است پس از مدتی که از اجرای آن گذشت دیگر اجرای آن ادامه پیدا نکند این نوع تعویق اجرای مجازات در قالب آزادی مشروط است.

دو شق تعویق فوق الاشعار هر یک موقت اند و اغلب مقید به قید و شرط می باشند و مقصود در هر دو نوع تعویق بازسازگاری اجتماعی محکوم علیه است. اگر نتایج بدست آمده در هر دو نوع تعویق با هدفهای تربیتی منطبق بود این عدم اجرای مجازات ممکن است قطعی و همیشگی گردد و به این نحو اجرای مجازات پایان یابد(اردبیلی، ۱۳۸۴: ۲۳۹) ودر انتها استفاده از عفو که موجب زایل شدن دایمی مجازات مجرمان است و اغلب به دو صورت عفو عمومی متعاقب انقلابها و بروز بحرانهای داخلی کشورها یا عفو خصوصی که در حال حاضر رویه ی معمول بسیاری از کشورهاست و محاسن عمده ای از جمله ، کاهش و تعدیل اشتباهات قضایی، تلاش زندانیان برای اصلاح و تغییر رفتار خود ومهمتر از همه کاهش جمعیت زندانیان وتورم زدایی را بدنبال دارد مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه گیری

حقوق کیفری که بلحاظ قدرت زیاد ، شمشیر قوانین نام گرفته است به عنوان وسیله ای برای تضمین اجرای واقعی وصحیح قوانین دیگر درجامعه عمل می کند و دراین فرایند می تواند بسته به نظام سیاسی حاکم در کشورها ،از جرم انگاری حداقل یا حداکثری (نظام های توتالیترا) استفاده نماید، در نظام هایی که ارزش کمی به افراد و آزادی های آنها قائل هستند جرم انگاریها در تمامی ابعاد زندگی بشر صورت گرفته و راه هرگونه پیشرفت را به نوع بشر مسدود می کند. باید دانست که اصل بر استفاده حداقلی وبه عنوان آخرین راهکار از حقوق جزاست در نتیجه

هرگونه جرم انگاری در جهت مبارزه با بزه بدون توجه به این اصل شاهد اثر معکوس از کارکرد پیشگیرانه حقوق جزا بلکه تورم و افزایش حجم قوانین بی استفاده و مقطعی خواهیم بود که در اکثر موارد عدم لحاظ این موارد از سوی سیاستگذاران کیفری کشورها این پدیده دامنگیر آنها شده است لذا باید برای مبارزه و پیشگیری، به فکر چاره بود که در مقابل با اتخاذ سیاست های معکوس در جهت رفع این بحران از قبیل جرم زدایی، کیفرزدایی، قضا زدایی، به عنوان جلوه های بارز این راهکارها در صدد این امر هستیم که جامعه ای عاری از جرم و بزهکاری را ایجاد نماییم درحالیکه اگر دولتها بخواهند با جرم انگاری های فراوان درصدد رسیدن به هدف فوق باشند نه تنها موفقیتی کسب نخواهند کرد بلکه همانطور که قبلا نیز گفته شد نتیجه معکوس بدست آورده و منشاء مشکلات زیاد و عواقبی چون تضعیف کارکرد ارزشی- اخلاقی حقوق جزا، ایجاد پدیده برچسب زنی و افزایش رقم سیاه جرم و تحدید حقوق فردی را بدنبال دارد که همگی باعث تخدیش وجهه بین المللی می شود.

لذا همه عوامل مذکور دست به دست هم می دهند و راه را برای کاهش مداخله حقوق کیفری از طریق پذیرش راهکار عدم مداخله یا عقب نشینی حقوق کیفری هموار می سازند که تاکید بر استفاده حداقلی از حقوق کیفری، به عنوان آخرین داروی این بیماری اجتماعی می باشد به این معنا که جز در مواردی که رویکردهای اجتماعی به پیشگیری از وقوع جرم در وضعیت پیش جنایی، جرم زدایی های رسمی و عملی، کیفرزدایی رسمی و عملی از طریق استفاده از قایم مقامهای جایگزین و کیفرهای اجتماع محور به جای حبس و بالاخره قضا زدایی از طریق گسترش هرچه بیشتر مشارکت مردم در فرایند دادرسی و غیر رسمی کردن رسیدگی های کیفری از طریق استفاده از پارادایم نوین عدالت ترمیمی و جلوه های متداول آن، در نگرش به فرایند پیشگیری، قادر به کنترل و مهار افزایش بزه و بزهکاری نباشد از کیفرآنها فقط به صورت حداقل و در موارد استثنایی استفاده گردد.

درکنار آن با تمرکز بر روی ارائه راهکارهای عملی به عنوان مکمل و درکنار راهکارهای نظری در فرایند کنترل تورم کیفری بر ابزار حبس زدایی و کاهش حجم زندانیان به این نتیجه می رسیم که قانونگذار در مرحله وضع قوانین کیفری می تواند با عدم تاکید بر امنیت محوری که بر حول محور حبس گرایی و شدت مجازاتها متمرکز است در سیستم کیفری خود و با اتکاء به مفهوم موسع از سیاست جنایی و درج ضمانت اجراهای حقوقی در ضمن ضمانت اجرای کیفری، نه تنها در مرحله جرم انگاری قادر به تورم زدایی خواهد بود، بلکه در مرحله رسیدگیهای کیفری

با تعیین کیفیت و نوع جایگزینهای کیفر حبس از طریق تعیین مبلغی وجه نقد و الزام به پرداخت آن به نفع صندوق دولت با عنوان جزای نقدی، با استفاده از نیروی کاری رایگان فرد مجرم در جهت خدمت به اجتماع با عنوان خدمات عام المنفعه، از طریق کاهش یا حذف حقوق مدنی سیاسی،... فرد مجرم در جامعه با عنوان محرومیت‌های شغلی و حقوقی، با استفاده از سیستمهای نیمه آزادی- موسسات باز- کیفرهای پایان هفته ای- حبس در منزل به عنوان رژیم های مختلف اجرای مجازات حبس و بالاخره با عدم اجرای کامل یا نصف مجازات حبس از طریق نهادهای تعلیق- آزادی مشروط و عفو که همگی این تدابیر موضوع مطالعه و بررسی قرار گرفت به درمان تورم در جمعیت زندانیان که خود از مولفه های مهم تورم کیفری بشمار می آید پرداخت زیرا هدف این است که باید کوشش کرد که در بین ضمانت اجرای کیفری از تکیه بر حبس به عنوان تنها ترین و موثر ترین مصداق واکنش کیفری به بزهکاری پرهیز شود.

بدیهی است که برای رسیدن به مقاصد فوق نیازمند مجالس قانونگذاری قوی و کارآمد که اعضای آن را متخصصین رشته های مختلف حقوقی تشکیل می دهد، یا دست کم تصویب قوانین مسبوق به مطالعات جامع و استفاده از دیدگاههای تخصصی و مشاوره با صاحب نظران حقوق کیفری انتظار تصویب قوانینی کم حجم و در عین حال کارا به واقعیت و عمل خواهد پیوست.

فهرست منابع:

۱. پرادل - ژان، «تاریخ اندیشه های کیفری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
۲. گروهی از نویسندگان شورای اروپا، «گزارش جرم زدایی اروپا»، ترجمه واحد ترجمه مرکز مطالعات توسعه قضایی، چاپ اول، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.
۳. نجفی ابرندآبادی - علی حسین، هاشم بیکی - حمید، «دانشنامه جرم شناسی (انگلیسی، فرانسه، فارسی)، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰.
۴. گسن - ریموند، «جرم شناسی کاربردی»، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات علامه طباطبائی، ۱۳۷۰.
۵. آشوری - محمد، «جایگزینهای زندان - مجازاتهای بینابین»، چاپ اول، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
۶. گودرزی بروجردی - محمدرضا، مقدادی - لیلا، «کیفرشناسی نوین یا کیفرهای اجتماعی»، چاپ اول، تهران، انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۴.
۷. کریستین - لازرژ، «درآمدی بر سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
۸. عباسی - مصطفی، «میانجیگری کیفری»، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشور، ۱۳۸۲.
۹. صلاحی - جاوید، «کیفر شناسی»، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه ملی سابق، ۱۳۵۴.
۱۰. شامبیاتی - هوشنگ، «حقوق جزای عمومی»، چاپ هفتم، تهران، انتشارات ژوبین، جلد دوم، ۱۳۷۵.
۱۱. ولیدی - محمد صالح، «حقوق جزای عمومی»، چاپ اول، تهران، نشر داد، جلد چهارم، ۱۳۷۵.
۱۲. اردبیلی - محمد علی، «حقوق جزای عمومی»، چاپ نهم، تهران، نشر میزان، جلد دوم، ۱۳۸۴.
۱۳. مهرا - نسرین، «درآمدی بر جرم زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی»، مجله تحقیقات حقوقی

- دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهبشتی، شماره ۲۲ و ۲۱، زمستان ۱۳۷۶ و تابستان ۱۳۷۷.
۱۴. رستمی- ولی، «مشارکت مردم در فرایند کیفری»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۳۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶.
۱۵. میلکی-ایوب، «حبس زدایی خردگرا؛ خروج از بحران تورم کیفری»، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۵۴، شهریور ۱۳۸۵.

[۱] - اصل حاکمیت قضایی دولت، اصل تساوی افراد در برابر قانون، منع افراد عادی از اجرای عدالت

Depenalisation- [۲]

Decarceration - [۳]

[۴] - کاهش جمعیت کیفری زندان و صرفه جویی در هزینه ها، باز پذیری اجتماعی و تقویت حس مسئولیت در بزهکار، مبارزه با افزایش تکرار جرم، جبران خسارت بزه دیده، ایجاد حس اعتماد عمومی نسبت به عملکرد نظام عدالت کیفری

Decriminalisation-[۵]

Diversion- [۶]

abstract

present age " (p and community development in the shadow of change in different aspects of the permanent and shifts in the political, economic, social and cultural reality and that lawmakers countries, often with a kind of extremism in criminal laws and the maximum of repressive functioning criminal law, causing so far as these elements of the criminal law with a phenomenon called penal inflation, due to the increase of indiscriminate behaviors of criminalisation, as a criminal act and criminal that the criminal inflation for the results of the hand and inefficiency in the political arena to seek criminal countries, so the necessity of dealing with this phenomenon called for respecting the human and values for freedom, independence, sovereignty and the right to be different from one side and emphasis on minimal role in government use the penal code as the solution of the other side of the leading countries to deal with it and widespread use of views, theories and the findings of cognitive and actually made a criminal offence and offer solutions to the anti - crisis criminal inflation cope with what is commonly comes from these studies that all of the penal systems in the two fields often theoretical and practical to deal with inflation pay criminal in the field of theoretical mechanisms of involvement in the entire process of the Penal Code and subsequently practical in the field in the penal laws, policies and legislative) in the stage of the judicial proceedings courts can be an effective steps to prevent inflation problem which has rocked the majority of the penal systems in today 's world .

جایگاه جعل سنتی و سایبری در نظام کیفری ایران

مصطفی اکبری* محسن شکرچی زاده**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۱۹	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۲۳	شماره صفحه: ۵۴-۲۱
-------------------	-------------------------	------------------------	-------------------

جعل یکی از مسائل مهم حقوق کیفری است و علاوه بر جنبه های ضرری آن به لحاظ اینکه جزء جرائم بر ضد آسایش عمومی است، آشنایی به چگونگی و علم و اطلاع از مشخصات آن برای تمامی افراد جامعه لازم و مفید می باشد مضافاً اینکه اقتضای اصل قانونی بودن جرم و مجازات این است که جرم جعل از حیث قانونی هم واجد تعریف باشد تا همگان بدانند چه اعمالی صدق عنوان جعل می نماید و مجازات ارتکاب این اعمال چیست تا از ارتکاب آن اعمال خودداری نمایند. غالب قوانین جزایی بدون اینکه تعریفی جامع از جعل ارائه و ارکان جرم جعل را دقیقاً تعیین نمایند، صرفاً به ذکر و احصاء شیوه ها و طرق مختلف ارتکاب جرم جعل و میزان مجازات بسنده کرده اند خلاء تقنینی و سکوت قوانین جزایی نسبت به تعریف جعل یکی از علل پیچیدگی تعریف جعل می باشد. مضافاً اینکه تعریف، بایستی جامع افراد و مانع اغیار باشد که این امر نیز مستلزم دقت فراوان در مرحله تدوین و قانونگذاری می باشد و از طرفی در عین جامع و مانع بودن، بایستی آنچنان قابل انعطاف باشد که شیوه های نوین و بسیار متنوع جعل اسناد امروزی را نیز شامل بشود.

واژه های کلیدی: جعل: عنصر مادی. قلب حقیقت. تزویر

* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

** استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

مقدمه

جرائم در یک تقسیم بندی کلی به جرائم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و مالکیت و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی تقسیم می شوند. جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی مستقیماً مصالح و منافع عمومی ملت و کشور را هدف قرار داده و ضرر و صدمه این جرایم متوجه تمامی افراد جامعه می باشد چه آنکه ارتکاب این جرایم، استقلال، امنیت و آسایش عمومی مردم را به مخاطره می اندازد. توسعه روزافزون روابط تجاری و سیاسی و علمی بین افراد و اجتماعات، موجب تنظیم و تبادل اسناد بی شماری شده است که تنظیم اسناد و نوشتجات در این راستا، خود به نوعی تجلی اعتماد عمومی است بدین توضیح که افراد جامعه برای این اسناد و نوشتجات ارزش و اعتبار قائل می شوند. جرم جعل و تزویر از این حیث یکی از جرایم علیه آسایش عمومی تلقی می شود که به این اعتماد عمومی لطمه وارد می آورد و اعتماد عمومی افراد جامعه را نسبت به ارزش و اعتبار اسناد و نوشتجات تنظیمی، خدشه دار، سست و کم رنگ می نماید. به لحاظ اهمیت و پیچیدگی جرم جعل و تزویر، قانون مجازات اسلامی نیز مواد ۵۲۳ الی ۵۴۲ خود را به این جرم اختصاص داده است.

تعریف جعل

لزوم ارائه تعریف جعل

اولین شرط در بررسی هر جرم این است که از آن جرم یک تعریف ارائه بدهیم. قانونگذار باید از جرم تعریف ارائه دهد و این تعریف هم روشن و صحیح باشد معمولاً قانونگذار از ارائه تعریف شانه خالی می کند چون ممکن است تعریف ابرازی جامع و

مانع نباشد و مصادیقی از این تعریف خارج شود و در نتیجه نظم عمومی با ارتکاب جرایم مشابه به هم بخورد و قانونگذار سلاخی برای مقابله با آن نداشته باشد از این رو قانونگذار تعریف جرم را برعهده رویه قضایی می گذارد چه آنکه رویه قضایی در طول زمان تغییر پیدا می کند و به راحتی می تواند خود را با مقتضیات زمان منطبق نماید. شایان ذکر است که در سیستم حقوق کیفری ایران از سال ۱۳۰۴ تاکنون قانونگذار از جرم جعل تعریفی به دست نداده است.

تعریف جعل در قانون مجازات عمومی

ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی در مقام توصیف جرم جعل مقرر می داشت : ((جعل و تزویر عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگری برخلاف حقیقت یا ساختن مهر یا امضاء اشخاص رسمی یا غیررسمی یا به قصد تقلب ، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تاخیر یا تقدیم تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق متقلبانه نوشته به نوشته دیگری یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر آن .

ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی ، بزه جعل و تزویر را تعریف نکرده است و فقط به احصاء شمه ای از مصادیق و طرق عملی ارتکاب این جرم اکتفا نموده است .

مزیت تعریف جعل در قانون ایران نسبت به قوانین اروپایی

مزیت قانون ایران در آن زمان نسبت به قوانین اروپایی این بود که قانونگذار برای اینکه تمامی مصادیق جرم جعل را در حکم کلی وارد نماید ماده به خصوصی برای تعریف جعل وضع نموده بود که این ماده در سایر قوانین دیده نمی شد .

تعریف جعل در قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی نیز به مانند قوانین قبلی تعریفی از جرم جعل ارائه ننموده و فقط به ذکر مصادیق آن اکتفا نموده است . ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی در همین راستا مقرر می دارد : ((جعل و تزویر عبارتند از ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی ، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب .

ایراد تعریف جعل در قانون مجازات اسلامی

جرم جعل یکی از جرایم بر علیه آسایش عمومی است و منظور از آسایش عمومی ، اعتماد عمومی است . بدین ترتیب جرم جعل ، موجب به هم خوردن اعتماد عمومی است . شرط جرم شناختن جعل ، علیه نظم عمومی بودن است قانونگذار که این قدر به نظم عمومی وسواس دارد جرم جعل را تعریف نکرده است در حالی که قانونگذار خوب آن است که جرم را تعریف کند و

ارکان آن را بگنجانند به نحوی که قاضی در تطبیق مورد با جرم دچار مشکل نشود. البته عدم تعریف جرم جعل از طرف قانونگذار به معنای این نیست که نتوان تعریف جرم جعل را از مواد مربوطه استخراج نمود.

تعریف جامع جرم جعل

جامع ترین تعریف در مورد جرم جعل و تزویر عبارت است از: ((ساختن هر چیز مثل سند به یکی از طرق پیش بینی شده در قانون برخلاف حقیقت و به ضرر دیگری)) . عبارت ساختن هر چیز مثل سند بیانگر وسعت موضوع می باشد جمله دوم مصادیق منعکسه در قانون را مد نظر قرار می دهد. عبارت برخلاف حقیقت بیانگر فقدان ما به ازاء در خارج یعنی فقدان حقیقت می باشد. عبارت به ضرر دیگری نیز در مقام بیان اثر نهایی جرم جعل می باشد. . (دکتر آزمایش - تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی - دانشگاه تهران - سال ۱۳۷۵)

عناصر تشکیل دهنده جرم جعل

۱- عنصر قانونی بودن جرم جعل

جرم جعل در حقوق فرانسه سابقه داشت ولی در حقوق ایران جرم جعل سابقه ای نداشت و مردم ذهناً نسبت به جرم جعل آشنا نبودند و قانون جابگوی معضلات جامعه نبود در نتیجه سوالاتی در باب جعل مطرح بود که در حقوق ایران هیچوقت به آن پاسخ داده نشد. مبحث جعل در قانون فعلی بدون تحول منعکس شده است. قانون مجازات عرفی ۱۲۹۵ از قانون ۱۸۱۰ ناپلئون رونویسی شده است. بنابراین امروزه قانون ۱۸۱۰ ناپلئون را اجرا می کنیم چون تحولی در جرم جعل در قوانین ایجاد نکرده ایم قبل از انقلاب بعضی از علماء مواد مربوط به جعل را تخطئه می کردند. این ایده در سال ۱۳۶۱ در قانون منعکس شد و مجازات تعزیری شلاق برای مرتکب جعل در نظر گرفته شد.

جعل در قانون جزای عرفی

قانون قبل از قانون ۱۳۰۴، قانون جزای عرفی ۱۲۹۵ می باشد بر طبق مقررات این قانون،

می توان جعل را چنین تعریف کرد : ((جعل عبارت است از ساختن نوشته یا شیء دیگر به طور کلی یا جزئی برخلاف قانون یا توافق یا واقع)) . برای کامل کردن این تعریف دو جزء دیگر باید به آن اضافه کرد . جزء اول که مربوط به عنصر مادی جرم جعل می باشد این است که فعل مرتکب باید مضر به منافع دیگری باشد . جزء دوم که مربوط به عنصر معنوی است ضرورت وجود قصد و نیت مجرمانه مرتکب می باشد . جزء دوم ظاهرا نیازی به انعکاس در قانون نداشته زیرا برحسب قاعده تنها اعمالی جنبه مجرمانه می یابند که به صورت عمدی یعنی با سوءنیت واقع شوند . با توجه به این مطالب می توان جرم جعل را چنین تعریف نمود : ((جعل عبارت است از ساختن عمدی نوشته یا شیء دیگر به طور کلی یا جزئی برخلاف واقع به ضرر دیگری)) .

جعل در قانون مجازات عمومی

قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ قانون آزمایشی بود که برای مدت ۵ سال تصویب شده بود . ولی تا زمان تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی یعنی تا سال ۱۳۶۱ همان مراحل آزمایشی را طی نمود . نفوذ و اعتبار قانون در این مدت ۵۷ سال را می توان از تغییراتی که پس از ۵ سال آزمایش در این قانون رخ داد اعم از نسخ یا اضافه کردن یا تغییر بعضی مواد استنتاج نمود ولی به هر حال با تصویب قانون حدود و قصاص و دیات و قانون راجع به مجازات اسلامی در سال ۶۱ و ۶۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ کلا از اعتبار افتاد و فقط در بعضی از موارد به لحاظ خلا موجود در قانون حاکم استثنائا به قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ استناد می شد .

جعل در قانون تعزیرات ۱۳۶۲

قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲ نیز با تاسی از قانون مجازات عمومی سابق مواد ۲۰ الی ۳۲ خود را به بحث جعل و تزویر اختصاص داده بود . ماده ۲۰ قانون تعزیرات سابق در مقام بیان جرم جعل و تزویر مقرر می داشت : ((جعل و

تزویر عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگری برخلاف حقیقت یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی یا به قصد تقلب خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تاخیر یا تقدیم تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق متقلبانه نوشته ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر آن .))

جعل در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ نیز مورد بازنگری قرار گرفت و باب پنجم تحت عنوان تعزیرات و مجازات های بازدارنده به آن اضافه گردید. مواد ۵۲۳ الی ۵۴۲ قانون مجازات اسلامی نیز به بحث جعل و تزویر اختصاص داده شده است.

جرم انگاری جعل و فلسفه آن

یک جامعه منظم و حفظ نظم در یک جامعه سازمان یافته نیاز به ضبط و ثبت سند دارد. وقتی مطالب در دفاتر ثبت می شود خیال مردم باید از جانب آن راحت باشد در یک جامعه منظم، معاملات بین افراد از طریق نوشته ای که ثبت و ضبط می شود باید صورت بگیرد تا قاضی در احراز قصد طرفین دچار شبهه نشود. در جامعه ای که بر این مبنا به ثبت و ضبط مطالب نگاه می کند مردم در اعتبار سند نباید دچار تردید باشند. تضمین اعتبار سند، ملازمه با مجازات کسی دارد که در سند دست می برد

پس فلسفه جرم شناختن جعل حفظ اعتماد مردم به اعتبار سند و نوشته است. اگر این فلسفه را در نظر داشته باشیم در طول زمان و با تحول جامعه آنچه که به آن عنوان سند دادیم تحول پیدا می کند زمانی سند عادی یا رسمی نوشته می شد و زمانی وسایل دیگر آمده که این اسناد را در برمی گیرد مثل فکس و ایمیل که در واقع تنها اینها تحول ثبت و ضبط مطالب است. اگر شناسایی جرم فلسفه داشته باشد با تحول وسیله بیان اراده، جرم جعل هم موضوعش تحول پیدا می کند. اما اگر فکر کنیم که فقط نوشته کتبی مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته است از تحول جامعه عقب می مانیم و در نتیجه جعل در ابعادی اتفاق می افتد که ما فاقد آمادگی برای مبارزه با آن هستیم. در واقع دست بردن در وسیله بیان اراده جرم است نه نوشته، مصداق بارز اعلام اراده نوشته است اما تنها معیار و تنها وسیله نیست.

مرکب بودن عنصر قانونی جرم جعل

عنصر قانونی ممکن است بسیط باشد یا مرکب. عنصر قانونی در صورتی بسیط است که جرم و ارکان متشکله و مجازات در یک ماده باشد ولی چنانچه تعریف، ارکان، مجازات و کیفیات مخففه و مشدده در مواد متعدد پراکنده باشد و قاضی مجبور باشد حداقل به دو ماده استناد کند عنصر قانونی مرکب است به عبارت دیگر قانونگذار تعریف جرم را در یک ماده قانونی می آورد

بدون آنکه برای آن جرم، مجازات تعیین نماید و مجازات آن را در ماده یا مواد دیگری تعیین می نماید. جرم جعل نیز از جرایمی است که عنصر قانونی آن مرکب است و از ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی و هر ماده دیگری تشکیل شده است چه آنکه اگر قانونگذار جرمی را تعریف کند اثری برای این تعریف مترتب باشد و آن اینکه در تطبیق عمل متهم با متن قانونی، مستند اولیه دادگاه همین تعریف باشد و پس از آن در مقام تعیین مجازات به سایر مواد قانونی استناد می کند بنابراین در تطبیق عمل متهم با جعل و تزویر به ماده ۵۲۳ و در تعیین مجازات به سایر مواد باید استناد نمود. تقسیم جعل به مادی و معنوی نیز از حیث عنصر قانونی بی تاثیر است چه آنکه در غیر این صورت در عنصر قانونی بعضی از مصادیق جعل، اختلال ایجاد می شود به عنوان نمونه جعل موضوع ماده ۵۳۶ جعل در اسناد و نوشته های غیر رسمی است و از طرفی مواد ۵۳۲ و ۵۳۴ نیز به ترتیب در مقام بیان مصادیق جعل مادی و معنوی می باشد

ایراد وارد بر عنصر قانونی جعل در قانون مجازات اسلامی

قانونگذار تمامی مصادیق و اجزاء ماده ۵۲۳ را در مواد ۵۲۴ الی ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی مورد حکم قرار نداده است و معلوم نیست تکلیف مواردی که حکم جزایی خاصی پیدا نکرده اند چه خواهد بود؟ اگر مقنن در انتهای ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مجازاتی ولو جزئی برای مطلق جرم جعل پیش بینی کرده بود این ایراد مرتفع می شد یعنی هرگونه تغییر حقیقت در هرچیز با توسل به یکی از طرق ماده ۵۲۳ فی حد نفسه جرم جعل بود و موارد خاص مذکور در مواد ۵۲۴ الی ۵۳۶ بدون ارتباط موضوعی مستقیم با ماده ۵۲۳ اعمال می شدند.

۲- عنصر مادی جرم جعل

یکی از عناصر اصلی و ارکان تشکیل دهنده جرم که در واقع پیکره جرم را تشکیل می دهد عنصر مادی جرم می باشد. فعل مرتکب که تظاهر خارجی فکر مرتکب است ممکن است به صور زیر باشد:

۱- فعل مثبت ۲- فعل منفی یا ترک فعل

۳- فعل ناشی از ترک فعل ۴- داشتن و نگهداری (۹) ۵- حالت و وضعیت

در تظاهر خارجی فعل مرتکب فعل و ترک فعل اساسی است. تظاهر خارجی فعل مجرمانه

اصولا به صورت فعل و ترک فعل است . فعل ناشی از ترک فعل استقلال ندارد و صور فعل به نحو داشتن و نگهداری ، حالت و وضعیت جنبه استثنایی دارند . صورت فعل در جرایم مختلف ، متفاوت است . در جرم قتل صورت فعل ، صدمه زدن به جسم مجنی علیه است . در قتل این بحث وجود دارد که آیا صدمه روحی می تواند عنصر مادی قتل باشد . صورت صحیح فعل در جرم قتل این است که صدمه به جسم باشد چون رابطه علیت شرط است و باید بتوان بین صدمه و قتل رابطه علیت برقرار کرد .

خصوصیت فعل ، جزء دیگری از عنصر مادی است مثلا در جرم قتل خصوصیت فعل ، قتاله بودن فعل است و صورت فعل ، قتاله بودن وسیله می باشد . صورت و خصوصیت از متفرعات فعل مرتکب می باشد .

اول - فعل مرتکب تظاهر خارجی فکر مرتکب در واقع بیانگر فعل مرتکب می باشد در این قسمت علاوه بر مصادیق تظاهر خارجی فکر مرتکب به صور این تظاهر خارجی (صورت فعل) و خصوصیت آن در مورد جرم جعل می پردازیم .

۱- تظاهر خارجی فعل مرتکب

اولین رکن از عنصر مادی جرم جعل ، تظاهر خارجی فکر مجرم است که عمدتا به صورت فعل مثبت است.

الف (فعل) قلب یا تغییر حقیقت (

اصولا جرم جعل با یک تغییر حقیقت تحقق پیدا می کند . این تغییر حقیقت :

۱- باید صورت گرفته باشد

۲- در یک نوشته واقع شده باشد .

۳- نوشته ای که قلب حقیقت در آن صورت گرفته باید سندیت داشته و دارای ارزش

حقوقی باشد . ۴- قلب و تغییر حقیقت به یکی از صور پیش بینی شده در قانون باشد .

اگر حقیقت تغییر نکند عنصر مادی جعل که همانا قلب حقیقت یا تغییر حقیقت است تحقق نیافته و عمل ارتكابی جعل نمی باشد . بنابراین شخصی که از طرف دیگری حق امضاء دارد چنانچه ذیل نوشته ای به ضرر موکل خود امضاء کند عمل وی به لحاظ عدم تغییر حقیقت،

جعل نیست اگرچه می تواند عنوان کیفری دیگری داشته باشد .

چنانچه قاضی اقدام به تهیه برگ صورت مجلسی که در پرونده قضایی مفقود شده است بنماید و مشابه آن را بنویسد و در پرونده قرار دهد عمل وی به لحاظ فقدان عنصر تغییر حقیقت، جعل نمی باشد .

قلب حقیقت

قلب حقیقت به معنای عوض کردن حقیقت است که معمولاً با یک حشو ذکر می شود که البته حشو زائد و قبیح نیست که عبارت از اضافه کردن واژه متقلبانه به عبارت قلب حقیقت می باشد یعنی اصطلاح ((قلب متقلبانه حقیقت)) .

متقلبانه به معنی با قصد تقلب و با قصد سوءاستفاده می باشد . ((تقلب)) دارای دو جنبه مادی و معنوی است که آن را از قلب متمایز می سازد وجهه مادی تقلب عبارت است از دست بردن در سند و تغییر حروف ، کلمه و یا شکل می باشد که این مفهوم همان است که در کلمه قلب نیز وجود دارد . جنبه معنوی تقلب ، ناظر بر قصد و عبارت از علم به حقیقت و خواست تغییر حقیقت می باشد . بدیهی است که علم به حقیقت و خواست تغییر آن ، زمانی صدق عنوان تقلب می کند که از ناحیه شخص غیرمجاز باشد . این وجهه از تقلب یعنی وجهه معنوی آن در قلب وجود ندارد و وجه تمایز تقلب از قلب می باشد .

تشخیص مجاز یا غیرمجاز بودن شخص به عواملی نظیر یک طرفه یا چنر طرفه بودن سند، عمومی یا خصوصی بودن سند ، توافق یا عدم توافق اطراف سند و بستگی دارد . چنانچه سند یک طرف داشته باشد آن شخص ، شخص مجاز است و عملش جعل محسوب نمی شود .

اگر سند چنر طرف داشته باشد در صورت وجود توافق بین آنها ، اطراف سند به عنوان شخص مجاز تلقی می شوند . بنابراین اگر یکی از آنها بدون توافق بقیه ، خط و امضای خود را تغییر دهد مرتکب جعل شده است . چنانچه سند ، خصوصی باشد هر نوع تغییر بدون توافق طرف دیگر ، جعل و قلب حقیقت می باشد . در سند عمومی یکی از طرفین سند ، جامعه است یعنی اعتماد عمومی بر صحت اسناد ، بنابراین نماینده جامعه (دادستان) نمی تواند بر تضييع حق جامعه توافق کند لذا قلب حقیقت در اسناد عمومی جعل است و در اسناد عادی اگر قابلیت اضرار برای غیر از طرفین وجود نداشته باشد جعل تحقق نمی یابد .

حقیقتی که مورد تقلب قرار می گیرد ممکن است مربوط به شکل یا محتوای سند باشد. حقیقت مربوط به شکل را حقیقت ثانویه و حقیقت مربوط به محتوا را حقیقت اولیه می نامند. تغییر در شکل و محتوا هر دو جعل است مشکل وقتی ایجاد می شود که قلب متقلبان به حقیقت فقط از نظر شکلی یا فقط از نظر محتوایی حاصل شود. (۱۲)

تغییر حقیقت اولیه

تغییر در حقیقت اولیه یعنی در محتوای سند چنانچه منطبق و موافق با واقع باشد جعل نیست چه آنکه در این صورت در واقع، حقیقت در محتوا تغییر نکرده است.

تغییر حقیقت ثانویه

تغییر در حقیقت ثانویه یعنی تغییر در شکل سند بدون تغییر در محتوای آن. تغییر حقیقت ثانویه اگر منطبق با حقیقت باشد رویه قضایی به صورت ارفاقی و مسامحتا آن را جرم ندانسته است ولی تغییر حقیقت ثانویه یا تغییر در شکل اسناد به لحاظ اینکه اعتماد عمومی را نسبت به اعتبار سند متزلزل می کند بایستی جرم محسوب شود.

۲- ساختن مهر یا امضاء اشخاص

منظور از ساختن مهر یا امضاء اشخاص، منقوش نمودن مهر یا امضاء دروغی و نادرست اشخاص ذیل نوشته می باشد. امضاء نام یا علامتی است که معمولا ذیل نوشته گذارده می شود و بیانگر این است که نوشته از شخص صاحب امضاء صادر شده یا مفاد یا مدلول نوشته مورد قبول و گواهی باشد. امضاء اعم است از امضاء کامل یا علامتی که به پاراف معروف است، اثر انگشت اشخاص بی سواد در حکم امضاء آنهاست اگر چه امضاء کردن به وسیله اثر انگشت کاشف از بی سوادی امضاء کننده و عدم تشخیص او نسبت به خصوصیات برگ امضاء شده می باشد.

اصولا چون سندیت اسناد یا قابلیت استناد نوشته ها غالبا با امضاء مشخص می شود مهمترین مصداق جعل در اسناد، جعل در امضاء است و جعل امضاء عبارت است از عمل جاعلی که سندی را به نام شخص دیگری یا به یک نام موهوم یا به نام شخصی خود ولی به جای کسی که باید سند را امضاء کند، امضاء می کند. در این موارد چون خودش به جای دیگری امضاء کرده است عملش جعل است و دفاع اینکه امضاء خودم است مسموع نمی باشد. منظور از مهر، وسیله

است از جنس فلز یا سنگ یا شی دیگر که نام یا امضاء یا سایر مشخصات صاحب مهر یا علامات دیگری روی آن حکاکی شده و اثر آن بر روی اوراق به جای امضاء مورد استفاده می باشد .

تحصیل غافلگیرانه امضاء واقعی تحصیل امضاء واقعی در ذیل یک سند به طور غافلگیرانه و توام با قصد تقلب ، جعل است زیرا به طور متقلبانه و غافلگیرانه از او امضاء گرفته شده است .

امضاء از طرف دیگری

امضاء از طرف دیگری معمولاً با گذاشتن عبارت ((از طرف)) زیر نامه یا نوشته ای که به نام دیگری است و امضاء در مقابل نام وی انجام می شود . در خصوص امضاء از طرف دیگری به صرف اینکه طرف مقابل اختیار امضاء کردن نوشته را به امضاء کننده نداده بوده است جعل امضاء از سوی امضاء کننده محقق نخواهد شد چه آنکه هیچ نقص و خدشه ای در خود امضاء وجود ندارد

ولی چنانچه از این طریق شخص یا اشخاصی متضرر شوند در صورت وجود جمیع شرایط ، جرم جعل تحقق یافته است و امضاء کننده مزبور قابل مجازات است چه آنکه امضای نوشته ای که به نام و منتسب به دیگری است بدون داشتن مجوز و حق امضاء از طرف وی ، خود نوعی تقلب و قلب حقیقت است که با حصول سایر شرایط ، قابلیت صدق عنوان جعل را دارد . مضافاً اینکه چنین نوشته ای عرفاً منتسب به کسی است که نام وی ذیل آن درج شده است هرچند ممضی به امضاء دیگری باشد .

ساختن مهر امضاء

مهر امضاء عبارت است از مهری که امضاء شخص معینی روی آن حک شده باشد . مهر امضاء را معمولاً اشخاص پرمشغله برای نوشته ها و نامه هایی که از حیث قابلیت انتساب به صاحب مهر ، از اهمیت چندانی برخوردار نیستند ، استفاده می کنند .

سوآلی که در اینجا مطرح می شود این است که جعل امضاء مشمول احکام جعل مهر می باشد یا احکام جعل امضاء ، به نظر می رسد جعل مهر امضاء مشمول احکام جعل مهر باشد چه آنکه مهر امضاء وقتی بر روی کاغذ درج می شود عرفاً به آثار باقیمانده از آن مهر تلقی می گردد نه امضاء از این رو ساختن مهر امضاء مشمول عنوان ساختن مهر می شود نه ساختن امضاء .

اثر انگشت

با توجه به آیین نامه دفاتر اسناد رسمی اثر انگشت اشخاص بی سواد نیز به منزله مهر و امضاء آنها شناخته شده است و لذا احکامی که در مورد جعل امضاء و مهر گفته شد درباره اثر انگشت نیز جاری است .

ب- دست بردن در سند موجود (مخدوش کردن)

اعتبار اسناد ایجاب می کند که اشخاص بدون مجوز قانونی در سند دخالت نکنند . تغییر دادن در هر جزء سند اعم از اینکه سند را از اعتبار ساقط کند یا نکند به نحوی که آن تغییر مخالف با واقعیت باشد ، جعل تلقی می شود ، از این رو مصادیق اعمال انواع دست بردن در سند ، غیر محصور است و این دادگاه است که حسب مورد تشخیص تحقق عمل مرتکب و تطبیق آن را با جعل می دهد . تنها ملاکی که دادگاه باید رعایت کند این است که احراز کند اولاً عمل مادی از مرتکب سرزده و ثانیاً این عمل فاقد مجوز است اما اینکه چه نوع عملی به مصادیق جدید پیدا خواهند شد وظیفه دادگاه ها می باشد که مورد ارزیابی قرار دهند .

حصری یا تمثیلی بودن مصادیق دست بردن

عبارت قانون نشان می دهد که قانونگذار صورت خارجی و شکل فعل را به دو نوع تقسیم کرده استاول اینکه قانونگذار به طور حصری صورت خاص از فعل را مد نظر داشته است مثل ساختن یا دست بردن یا به کار بردن مهر یعنی بزه جعل در بخش فعل مرتکب ضرورتاً باید به یکی از این صور تظاهر پیدا کند در حالی که در بخش دوم قصدحصر مصادیق ساختن یا مصادیق دست بردن را نداشته است یعنی ساختن ، دست بردن و به کار بردن مهر دیگری به ظاهر حصری است ولی مصادیق آنها حصری نیستند این مطلب با ظاهر مواد ۵۲۴ به بعد قانون مجازات اسلامی نیز هماهنگی دارد ولی با مفهوم جرم جعل هماهنگی ندارد چون جرم جعل معمولاً به معنی تغییر حقیقت است و تغییر حقیقت یک مفهوم کلی است که می تواند مصادیق متعددی از جمله ساختن یا دست بردن داشته باشد . عبارت ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی با ذکر عبارت ((و نظایر آنها)) در انتهای ماده این اجازه را می دهد که بگوییم مفهوم ، مورد نظر قانونگذار بوده یعنی تغییر حقیقت و شکل خارجی و مصادیق این حقیقت می تواند غیر از سه شکل ساختن و مخدوش کردن یا به کار بردن مهر باشد که در این صورت مصادیق ماده ۵۲۳ تمثیلی خواهد بود

البته در همین ماده عبارت این ماده استنباط خلاف این را ظاهراً ممکن می‌سازد. در خصوص اینکه عبارت ((و نظایر آنها)) به موضوع برمی‌گردد یا خیر تردید وجود دارد و تعیین تکلیف آن برعهده رویه قضایی می‌باشد.

تقدیم یا تاخیر تاریخ سند

منظور از تقدیم یا تاخیر سند، جلو یا عقب بردن تاریخ سند نسبت به تاریخ واقعی می‌باشد. آنچه ملاک است تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ واقعی است به هر ترتیبی مثل محو یا تراشیدن یا مثلاً ۸۱/۶/۱ را به ۸۲/۶/۱ تبدیل می‌کند.

این نوع تزویر فقط نسبت به تاریخ نوشته است مثل اینکه سند انتقالی، امروز نوشته می‌شود و تاریخ آن را دو روز جلوتر می‌گذارند. این نوع جعل، در واقع مصداقی از جعل مفادی (جعل معنوی) است زیرا اگر تاریخ موجود در نوشته یا سند، به وسایل دیگر تغییر داده شود، جعل مادی و از مصادیق موارد قبلی می‌باشد.

اثبات در نوشته

اثبات عطرین پات از اعتبار بخشیدن به سند یا نوشته باطل از طریق پاک کردن و از بین بردن علامت بطلان سند نظیر پاک کردن خط قرمز یا علامت ضربدر یا کلمه باطل از روی سند. قانون در این مورد که به چه ترتیبی آثار بطلان روی اسناد را از بین می‌برد ملاکی نیاورده است به هر وسیله ای که باشد اگر علائم بطلان از بین برود عنوان اثبات دارد.

ج (به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن

از آنجایی که جعل عبارت است از قلب یا تغییر متقلبانه حقیقت لذا استعمال و استفاده و به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب و ذینفع آن نیز جعل تلقی می‌گردد چه آنکه در این مورد حقیقت این است که صاحب مهر یا ذینفع مهر، اجازه استعمال مهر را نداده است و جاعل با استفاده و به کار بردن مهر وی، حقیقت مزبور زه صاحب آن است. به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن چنانچه به قصد تقلب و اضرار نباشد به لحاظ فقدان سوءنیت جعل محسوب نمی‌شود. به کار بردن مهر دیگری از سوءاستفاده از سفید مهر متمایز می‌باشد چه آنکه مورد اخیر از مصادیق خیانت در مانت و مشمول ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

بدیهی است که چنانچه سوءاستفاده از سفید مهر همراه با نوشتن مطالبی روی آن باشد به نحوی که موجب خسارت صاحب مهر باشد مانع از تحقق جرم جعل نمی باشد.

د) تزویر در نوشته یا سند (جعل معنوی یا مفادی)

تزویر عبارت است از جلوه دادن موضوع خلاف واقع به صورت حقیقت و جعل معنوی نیز عبارت است از از تغییر حقیقت از حیث معنی و مفهوم نوشته بدون اینکه ظاهراً در جملات و کلمات و عبارات سند تحریفی به عمل آمده باشد در حالی که موضوع سند و شرایط آن از حیث مفهوم و محتوا واقعا دستخوش تغییر قرار گرفته است. این جعل از طریق جعل در محتوا و ماهیت و موضوع سند محقق می شود و برخلاف جعل مادی هیچ اثر خدشه در نوشته به جا نمی گذارد. در جعل معنوی، واقعیت در ذهن جاعل، قلب و دگرگون می گردد و به صورت غیر واقع بر روی کاغذ می آید و اثبات آن خیلی مشکل است و از طرفی جاعل در جعل معنوی معمولاً وظیفه امانتداری دارد.

تفاوت جعل معنوی با جعل مفادی

تحقق جعل معنوی معمولاً در اسنادی است که نزد مامرین رسمی یا اشخاص صالح تنظیم می شوند در حالی که چنین خصوصیتی در مورد جعل مادی وجود ندارد. تحقیق در صحت و سقم محتوای سند در جعل معنوی لازم است زیرا تنها خلاف واقع بودن محتوای سند است که این جعل را محقق می سازد در حالی که در جعل مادی لازم نیست. از لحاظ شدت مجازات جعل معنوی بایستی واجد مجازات شدیدتر باشد چرا که از یک طرف به علت لزوم احراز تحقق جعل و وجود سوء نیت، اثبات جعل معنوی سخت تر است و از طرف دیگر تضییع حق از طریق جعل معنوی راحت تر و آسان تر انجام می گیرد ولی عملاً و قانوناً مجازات این دو نوع جعل یکی است و تفاوتی قائل نشده اند.

جعل رایانه ای

صحت و تمامیت داده ها و سامانه های رایانه ای در کنار محرمانگی داده ها و سامانه ها از سنجه های بنیادین امنیت رایانه است. برجستگی این سنجه حتی از محرمانگی نیز بیشتر است؛ زیرا صحت و تمامیت داده، نشانگر پیکره فضای سایبر و استواری آن است و نبود آن به آشفتگی و

پیشانی افزارهایی است که فضای سایبر را پدید آورده اند. به سخن دیگر، ارزش صحت و تمامیت برای خود داده و سامانه است ولی ارزش محرمانگی برای دارنده آنها؛ از این رو محرمانگی داده و سامانه، ارزشی پسینی در سنجش با صحت و تمامیت آنهاست. بنابراین اگر کنوانسیون بوداپست درباره بزه های فضای سایبر یا قانون جرایم رایانه ای ایران، در آغاز به بزه های ضد محرمانگی و سپس به بزه های ضد صحت و تمامیت پرداخته اند؛ برای ارزشگذاری آنها نبوده است، بلکه در هر دو مقرر (که البته دومی از یکمی الگو برداری کرده است). به زمان طولی انجام بزه های رایانه ای روی کرده اند. آنچه که سبب شکستن هنجارهای رایانه ای می گردد، در گام نخست با نقض محرمانگی مانند دسترسی غیرمجاز یا شنود غیر مجاز به دست می آید و سپس راه برای رخ دادن بزه های دیگر باز می گردد. از این رو در مقرر های پیش گفته، بزه انگاری از زمینه های هنجارشکنی در فضای سایبر، آغاز و سپس به رفتارهای سرزنش پذیر اصلی انجامیده است.

برجستگی دیگر اصل صحت و تمامیت داده ها و سامانه ها، در این است که اصل دسترس پذیری که سومین اصل از اصل های بنیادین امنیت رایانه به شمار می رود را در بر میگیرد. به راستی رفتارهایی که سبب میشود تا دارنده داده نتواند به طور قانونی به داده هایش دست یابد یا به سامانه اش دسترسی داشته باشد، گونه ای از اخلال در داده ها یا سامانه های رایانه ای است. از این رو قانون جرایم رایانه ای، بزه جلوگیری از دسترسی به داده یا سامانه را در زیر بزه های ضد صحت و تمامیت داده و سامانه آورده است.

صحت به معنای اصالت و داشتن هویت راستین است؛ صحت ویژگی داده و سامانه ای است که بتوان بر پایه آن، هم از جهت ظاهری و هم از جهت معنایی به درست بودن آن بی گمان بود. تمامیت به هستی و یکپارچگی داده و سامانه نگاه دارد و بر پایه بنده ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲، (تمامیت داده پیام) عبارت است از موجودیت کامل و بدون تغییر (داده پیام). اعمال ناشی از تصدی سیستم از قبیل ارسال ، ذخیره یا نمایش اطلاعات که به طور معمول انجام می شود خدشه ای به تمامیت (داده پیام) وارد نمی کند.

صحت و تمامیت، به اندازه ای با هم همسان هستند که با هم به عنوان یک اصل بنیادین برای امنیت رایانه، در کنار دو اصل دیگر یعنی محرمانگی و دسترس پذیری به کار می روند. با این حال این دو واژه یکی نیستند و اصل صحت برای پشتیبانی از ناهمندی (اصالت و قابلیت استناد) است ولی تمامیت برای هستمندی (موجودیت) و نیز صحت بیشتر ویژگی داده است ولی تمامیت هم بر داده روی می کند و هم بر سامانه. پس صحت داده را جعل رایانه ای تهدید می

کند و تمامیت داده یا سامانه را تخریب و اخلال. با این حال این جداسازی در قانون جرایم رایانه ای دیده نمی شود و حتی در کنار سه رفتار پیش گفته یعنی جعل، تخریب و اخلال، سه رفتار بزهکارانه دیگر نیز پیش بینی شده است که عبارتند از استفاده از داده مجعول که پیوند سراسر است با صحت داده ندارد و ممانعت از دسترسی به داده که این بزه نیز بر ضد اصل دسترس پذیری داده است. رفتار سوم نیز تروریسم سایبری است که گستره آن نیز همه رفتارهای پیش گفته را در بر می گیرد. به همین دلیل، قانونگذار ایران، بر آن شده تا همه این بزه ها را در زیر عنوان فصل دوم از بخش یکم قانون جرایم رایانه ای با عنوان "جرائم علیه صحت و تمامیت داده ها و سامانه های رایانه ای و مخابراتی" بیاورد که در دنباله به این رفتارها پرداخته می شود:

جعل رایانه ای و استفاده از داده های مجعول

جعل یا پدید آوردن دگرگونی در سندهای موجود یا ساختن سند به طور تقلب آمیز، بزه ای بر ضد اصالت و صحت اسناد و نوشته هاست. جعل و تزویر، یکی از بزه های چالش برانگیز حقوق کیفری ایران است. نخست اینکه این بزه در عنوان با این درنگ همراه است که آیا جعل و تزویر دو عنوان جداگانه اند یا قانونگذار آنها را یکی پنداشته است؟ هرچند این چالش در قانون جرایم رایانه ای برطرف شده ولی شاید بتوان از خواست نوین قانونگذار که در ماده ۶ این قانون (ماده ۷۳۴ قانون مجازات اسلامی) بازتاب یافته و تنها به جعل انگشت نهاده، جدا از ستیزهای گوناگون در این باره، در پایان گفت که جعل و تزویر دو عنوان جداگانه اند. ۱ افزون بر این، باید گفت که جعل و تزویر در عنوان فصل پنجم بخش تعزیرات، به جهت بودن برخی رفتارهای بزهکارانه است که تنها با رفتار فریبکارانه و مزورانه کس پیوند دارد نه تغییر یا ساخت سند؛ مانند بزه های پیش بینی شده در ماده های ۵۳۰، ۵۳۷، ۵۳۹ و ۵۴۱. همچنین به کار بردن جعل و تزویر به همراه هم در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی با توجه به پیش بینی رفتارهای نمونه ای (تمثیلی) نشان می دهد که هرچند رفتارهای پیش بینی شده در این ماده مگر رفتار "به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن" در زیر تغییر سند یا ساختن آن (جعل) جای می گیرند ولی باید از پیش بینی نمونه های رفتار در ماده ۵۲۳ پی برد که برخی رفتارها ممکن است در زیر جعل

۱. بر پایه نظریه ۷/۲۳۵۰-۱۳۷۸/۴/۲۶ اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه، با توجه به ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی جعل و تزویر مترادفند و از نظر قانونی فرقی بین آنها نیست.

جای نگیرند ولی در رسته رفتارهای مزورانه باشند.

دوم شیوه پشتیبانی قانونگذار از سندهای رسمی و عادی است. پیش از پرداختن به رویکرد قانونگذار ایران به سندهای رسمی و عادی، باید گفت که رویهم رفته، سه گونه از جعل در فصل پنجم پیش بینی شده است: یکم جعل به اعتبار مقام (ماده ۵۲۴ و بند ۱ ماده ۵۲۵)، دوم جعل به اعتبار اشخاص حقوقی که این گونه خود بر چهار مورد است: جعل اسناد دولتی مانند احکام دادگاه ها و اسکناسهای رایج (بند ۲ تا ۵ ماده ۵۲۵ و ماده ۵۲۶ و ۵۲۷)، جعل اسناد نهادهای عمومی غیردولتی انقلابی مانند بنیاد شهید (بند ۲ ماده ۵۲۵)، جعل اسناد نهادهای عمومی غیردولتی مانند شهرداری (ماده ۵۲۸) جعل اسناد نهادهای و شرکتهای خصوصی (ماده ۵۲۹). سوم جعل به اعتبار ارزش و اثر سند که بر دو دسته جعل اسناد عادی و جعل اسناد رسمی است. قانونگذار ایران به جهت جرم انگاری و تعیین شرایط انجام رفتار بزهکارانه، فرقی بین گونه های پیش گفته، نگذاشته و تنها اندازه کیفر را دگرگون کرده و بسته به ارزش سند از یک سو و رسمی بودن از سوی دیگر، کیفر را افزایش داده است.

پشتیبانی کیفری از اسناد دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی به جهت همگانی بودنشان، روشن و بی پرده است ولی در برابر، سندهای عادی و نوشته ها که بیشتر به اشخاص حقیقی وابستگی دارند، با چالش همراه هستند. درست آن می بود که قانونگذار ایران، میان سند رسمی و سند عادی جدایی انداخته و جعل سند رسمی را در هر حال و دومی را در صورت زیان زدن به دارنده آن بزه میانگاشت.

در بزه جعل، دو پوشیدگی برجسته هست که سبب شده تا کنون دیدگاه حقوقدانان و رویه دادرسان در این زمینه یکسان و یکنواخت نباشد. یکی درباره نتیجه بزه جعل و دیگری درباره رکن روانی آن. داستان نتیجه جعل در حقوق کیفری ایران شگفت است. برای نخستین بار که جعل در ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴۱ پیش بینی گردید، در این ماده و ماده های پسینی، شرط نتیجه به عنوان یکی از عنصرهای بنیاددهنده جعل پیش بینی نگردید و این بزه

۱. بر پایه ماده ۹۷، جعل و تزویر عبارت است از ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگری بر خلاف حقیقت یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی یا به قصد تقلب خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق متقلبانه نوشته به نوشته دیگری یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر آن. ماده ۲۰ قانون تعزیرات ۱۳۶۲، متن ماده ۹۷ را تکرار کرد.

به عنوان یکی از بزه های مطلق که بود نتیجه در آن نیاز نیست، پیش کشیده شد. با آنکه مطلق بودن بزه از ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی، هویدا بود ولی در رویه از دهه دوم سده چهاردهم خورشیدی و با محوریت دیدگاه های شعبه دوم و پنجم دیوانعالی کشور، از ماده پیش گفته کجروی آشکار پدید آمد بدین سو که در بزه بودن جعل، زیان بالقوه شرط است. چگونگی آن بود که در ماده ۹۷ در کنار سند به نوشته انگشت نهاده شده بود و نوشته، بسیار عام تر از سند بوده و هر متن نوشتاری را در بر می گرفت. با آنکه در بیشتر کشورها، برای پشتیبانی کیفری از نوشته ها، شرط زیان رسانی به دارنده سند یا استنادپذیری در نهادهای شایسته دادگاهی و اجرایی پیش بینی شده بود ولی ماده ۹۷ در هر حال و بدون شرط از نوشته های عادی پشتیبانی کیفری می کرد. این شیوه قانونگذاری، گستره جعل را بسیار میگستراند؛ چنانکه هر کس هر نوشته ای را بر خلاف حقیقت می ساخت ولو اینکه آن نوشته، ساده و کم اهمیت باشد، بزه جعل انجام می یافت. این چگونگی در تغییر به ویژه الصاق نوشته به نوشته دیگر نیز هست. بدین حال، انبوهی از پرونده ها باز گردید که برخی از شهروندان به جهت ساخت نوشته یا دگرگونی در آن از سوی دیگری، شکایت نامه به دادگاه داده بودند. رویه دادگاهی دیوانعالی کشور در پی آن بود تا هر ساختن یا تغییر نوشته ای را هرچند بر خلاف حقیقت یا به قصد تقلب باشد، بزه نداند و تنها راه چاره آن بود که از عنصر زیان بهره بجوید.

اگر قانونگذار، شرط زیان برای نوشته یا سندهای عادی پیش بینی می کرد، این چالش پدید نمی آمد ولی کجروی پیش آمده، تنها از قانون نبود بلکه با پیش کشیدن "ضرر بالقوه" از گزاره های پیگرد بزه نیز کجروی پیش آمد. از این رو روشن نبود که بزه جعل در نوشته های عادی در چه هنگام رخ می داد؛ زیرا بالقوگی زیان یا همان توانایی زیان رسانی از سوی رفتار مرتکب، با هیچ سنجه ای آشکار نمی شد. چالش دیگر، مقامی بود که باید بر زیان انگشت می گذاشت. آیا بالقوگی زیان باید از سوی دادرس به دست آید یا مرتکب یا بزه دیده یا عرف؟ چالش بزرگتر هنگامی است که برخی، زیان را افزون بر زیان مادی به زیان معنوی و اجتماعی نیز گستراندند و بدین حال، از این دریچه هر ساخت یا تغییر نوشته ای را می توان زیان آور دانست، یعنی با این گستردگی از معنای زیان، در عمل همان ماده ۹۷ در حالت اطلاق پدیدار شد. جدا از همه اینها، هنگامی که بزه ای یا مطلق است یا مقید؛ بزه ای که باید زیان بالقوه داشته باشد در کدام دسته جای می گیرد و از ریشه اگر قانون، بزه جعل را مطلق دانسته، در نظام حقوقی ایران که پیرو گزاره قانونی بودن بزه و کیفر است، به چه مجوزی می توان برای آن شرط زیان آن هم

بالقوه پیش بینی کرد؟

اکنون به ناروا، جعل با زیان بالقوه و حتی زیان آشکار همراه گشته و با آنکه از رویه قضایی این چشمداشت بود که جعل در نوشته های عادی را به شیوه بخردانه ضابطه مند سازد، آن را پوشیده تر ساخت. درست تر آن بود که بدون پافشاری بر نتیجه بزه، به همه شکایت ها بر پایه ظاهر ماده ۹۷ (واکنون بر پایه ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی) رسیدگی می شد، تا قانونگذار دلخوش به رویه دادگاهی نیرومند ولی ناروای کنونی نباشد و به اصلاح ماده های پیش بینی کننده جعل بکوشد. این آسیب در بخشی از بزه انگاری جعل رایانه ای در قانون جرایم رایانه ای با آوردن شرط "قابلیت استناد" برطرف شد.

درباره رکن روانی نیز، آسیب کار در خود ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱ بود. در ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی، برای رفتار "ساختن"، شرط خلاف حقیقت و برای رفتارهایی که همراه با "تغییر" نوشته یا سند بودند و نیز به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن، شرط قصد تقلب پیش بینی گردید. در ماده ۵۲۳، شرط "خلاف حقیقت" برداشته شد و به "قصد تقلب" برای همه رفتارهای جعل بسنده شد.

قصد تقلب که در پایان ماده ۵۲۳ آمده، دارای جایگاه نالاستواری در رکن روانی جعل است. از یک سو می توان گفت که قصد تقلب، قصد رفتاری برای جعل است، به این معنا که همه رفتارهای جعل باید با قصد تقلب یا همان دگرگون کردن حقیقت، انجام شوند، در حالی که قانونگذار نمی بایست به قصد رفتاری یا همان سوء نیت عام بپردازد؛ زیرا بر پایه گزاره های عمومی حقوق کیفری، قصد رفتاری دربردارنده خواست آزاد کس در انجام رفتار بزهکارانه است و نیازی به آوردن در ماده قانونی ندارد و قانونگذار نیز نسبت به بزه های گوناگون، قصد رفتاری را به روشنی نمی آورد.

از سوی دیگر، قصد تقلب، قصد غایی یا نتیجه ای (سوء نیت خاص) است و چون قصد غایی، ویژه هر بزه بوده و قانونگذار اگر می خواهد بزه ای با قصد خاص رخ دهد باید به آن بپردازد،

۱- ماده ۵۲۳: جعل و تزویر عبارتند از ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگر یا بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب.

در نتیجه " قصد تقلب " در ماده ۵۲۳، قصد خاص است و رویه نیز بر این است که جعل باید با قصد تقلب از دیگر رفتارهای روا یا ناروا شناخته شود. ولی چالش درباره معنای " تقلب " است. تقلب به معنای دگرگونی یا اقدام وارونه حقیقت است. همین که کسی بخواهد سندی بر خلاف حقیقت بسازد یا سند هستیافته را بتراشد یا بخراشد یا سندی دیگر به آن پیوست دهد، قصدش این است که سند یا نوشته را دگرگون سازد. پس قصد تقلب، همان قصد عام یا قصد رفتاری است. افزون بر این در قصد غایی یا نتیجه ای، مرتکب در پی نتیجه بزه خویش مانند به دست آوردن پول یا امتیاز یا خدمات است، در حالی که قصد تقلب، این ویژگی را نمی رساند. پس رکن روانی جعل نیز، خود بر پوشیدگی این بزه افزوده است.

چالش های دیگری نیز بر سر راه دانستن معنا و جایگاه جعل هست همچون شرط شباهت سازی، پیوند رفتار جعل و رفتار تزویر و مانند آن. ولی جایگاه پیش کشیدن این جستارها در اینجا نیست و همین اندازه به جعل سنتی پرداخته شد تا زمینه سخن گفتن از جعل رایانه ای فراهم گردد؛ زیرا چنان که خواهیم دید، جعل رایانه ای از حیث پوشیدگی و ناروشنی، از جعل سنتی پس نمانده است. در دنباله در زیر این گفتار، در آغاز به جعل و سپس به استفاده از داده مجعول پرداخته می شود:

بند یکم: جعل رایانه ای

جعل رایانه ای همچون جعل سنتی است که قانون های چندی به آن پرداخته اند ولی هیچ یک نتوانسته اند معنا و هویت روشن و شناخت پذیر از آن به دست بدهند و بی گمان، ناروشنی قانون های نوین نیز ناشی از پوشیدگی و سرگردانی قانون های پیش بینی کننده جعل سنتی است. نخستین قانونی که به جعل رایانه ای انگشت نهاده، قانون مجازات جرایم نیروهای

مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ است که در صدر ماده ۱۳۱ به آن می پردازد. بر پایه این ماده، هرگونه تغییر یا حذف اطلاعات، الحاق، تقدیم یا تاخیر تاریخ نسبت به تاریخ حقیقی و نظایر آن که به طور غیرمجاز توسط نظامیان در سیستم رایانه و نرم افزارهای مربوط صورت گیرد و ... جرم محسوب و حسب مورد مشمول مجازاتهای مندرج در مواد مربوط به این قانون می باشند. این مقرر نامی از جعل رایانه ای نمی برد و صدر ماده نیز همان شیوه نوشتاری ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی و نیز شیوه نگارش فصل دهم قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح درباره سوء استفاده و جعل و تزویر را به کار می گیرد. افزون بر این، ماده پیش گفته تنها برای نظامیان پیش بینی شده است.

پس از گذشت یک هفته از تصویب قانون پیش گفته، قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ گذارده شد که در مبحث دوم از باب چهارم، از عنوان "جعل کامپیوتری" سود جست. بر پایه ماده ۶۸ این قانون، هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی، از طریق ورود، تغییر، محو و توقف (داده پیام) و مداخله در پردازش (داده پیام) و سیستم های رایانه ای، و یا استفاده از وسایل کاربردی سیستم های رمزنگاری تولید امضاء - مثل کلید اختصاصی - بدون مجوز امضاءکننده و یا تولید امضای فاقد سابقه ثبت در فهرست دفاتر اسناد الکترونیکی و یا عدم انطباق آن وسایل با نام دارنده در فهرست مزبور و اخذ گواهی مجعول و نظایر آن اقدام به جعل (

۱- با وجود رایانه ای شدن شمارش آرای انتخاباتی، جعل رایانه ای می تواند به یکی از برجسته ترین بزه های انتخاباتی تبدیل شود که سرآغاز آن را می توان در قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رای مصوب ۱۳۷۹/۵/۳۰ دید. طبق این ماده واحده، به موجب این قانون، هریک از نامزدهای ریاست جمهوری به تنهایی و یا چند نامزد مشترکاً می توانند در هریک از شعب اخذ رای، اماکن استقرار دستگاه شمارشگر رایانه ای آراء و هیاتهای اجرایی شهرستانها و بخشها یک نفر نماینده داشته باشند. نمایندگان نامزدها می توانند در شعب اخذ رای (ثابت و سیار) و اماکن استقرار دستگاه شمارشگر آراء بدون دخالت در انجام وظایف آنها حضور داشته باشند و در صورت مشاهده تخلف، مراتب را کتباً به ناظرین شورای نگهبان و هیأت نظارت شهرستان و استان مربوطه و ستاد انتخابات وزارت کشور اعلام نمایند. حضور نمایندگان هریک از نامزدها تا پایان اخذ رای و شمارش و تنظیم صورت جلسات بلامانع است و ممانعت از حضور نمایندگان نامزدها در شعب اخذ رای، اماکن استقرار دستگاه شمارشگر ممنوع بوده و جرم محسوب می گردد و متخلف به مجازات مقرر شده در تبصره ماده (۹۳) قانون انتخابات ریاست جمهوری محکوم خواهد شد.

بر پایه ماده ۹۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵، در اجرای صحیح اصل ۹۹ قانون اساسی و حفظ بی طرفی کامل، ناظرین شورای نگهبان موظفند در طول مدت مسئولیت خود، بی طرفی کامل را حفظ نمایند و ابراز جانبداری ناظرین به هر طریقی از یکی از کاندیداها جرم محسوب می شود. بر طبق تبصره این ماده، مجازات تخلف از ماده فوق انفصال شش ماه تا یک سال از خدمات دولتی یا شش ماه تا یک سال زندان خواهد بود.

داده پیام) های دارای ارزش مالی و اثباتی نماید تا با ارائه آن به مراجع اداری، قضایی، مالی و غیره به عنوان (داده پیام) های معتبر استفاده نماید جاعل محسوب و به مجازات حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی به میزان پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم می شود. بر اساس تبصره ماده ۶۸، مجازات شروع به جعل کامپیوتری حداقل مجازات مقرر تعیین شد.

ماده ۶۸ هرچند در پیکره قانون تجارت الکترونیکی پیش بینی شد ولی عنوان کلی بزه و نیز تعبیر "بستر مبادلات الکترونیکی" که فراتر از تجارت الکترونیکی و دربردارنده همه رفتارهای الکترونیکی بود، سبب شد تا این ماده به عنوان دستاویز قانونی پیکار با جعل رایانه ای گردد. این چگونگی تا پیش بینی قانون جرایم رایانه ای در سال ۱۳۸۸ دنباله داشت. در مبحث یکم از فصل دوم بخش یکم قانون جرایم رایانه ای "جعل رایانه ای" یاد شد و پاره ها و ویژگی های این بزه در ماده ۶ قانون جرایم رایانه ای (ماده ۷۳۴ قانون مجازات اسلامی) جای گرفت. بر پایه این ماده، هر کس به طور غیرمجاز مرتکب اعمال زیر شود، جاعل محسوب و به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

الف) تغییر یا ایجاد داده های قابل استناد یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده به آنها.

ب) تغییر داده ها یا علائم موجود در کارتهای حافظه یا قابل پردازش در سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا تراشه ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده ها یا علائم به آنها.

الف: ویژگی های عمومی

جعل رایانه ای به گواهی ماده ۷۳۴، تنها بر ضد داده رخ می دهد و از این رو بر پایه قانون جرایم رایانه ای، صحت و اصالت از اصل های بنیادین امنیت داده است. پس رفتارهای پیش بینی شده در ماده ۷۳۴ اگر بر روی سامانه یا شبکه رخ دهد، چون از ریشه ویژگی اصالت و در نتیجه تقلب نسبت به آن در کار نخواهد بود، عنوان های بزهکارانه دیگر به ویژه اخلاف در سامانه بنیاد می گیرد. با آنکه موضوع جعل رایانه ای، داده است ولی در مبحث یکم از فصل دوم در بخش یکم قانون جرایم رایانه ای، از عنوان هایی مانند علامت، کارت حافظه و تراشه یاد شده است که یا خود داده هستند مانند علامت یا داده بر (حامل داده) یا جای انباشت داده مانند کارت حافظه. علائم جمع علامت که «در برنامه های کاربردی و ذخیره سازی داده ها به نماد یا وسیله

ای گفته می شود که برای تمایز یک چیز از دیگر چیزهای مشابه آن به کار می رود.»^۱ تعبیر "علائم موجود در کارت های حافظه" به معنای داده هایی است که در کارت حافظه انباشت شده است. کارت حافظه، «ماجول حافظه ای که برای افزایش گنجایش ذخیره سازی RAM و یا در کامپیوترهای قابل حملی چون کامپیوترهای روپایی، کتابی و دستی به جای دیسک سخت مورد استفاده قرار می گیرد. ماجول حافظه ۲ عبارت است از تخته مدار، کاتریج یا هر نوع بُرد قابل جابجایی دیگری که یک یا چند تراشه حافظه بر روی آن قرار میگیرد.»^۳ کارت هایی که داده ها در آن انباشت یا پردازش می شوند، گوناگون اند که کارت هوشمند و کارت اعتباری (بدهی) که بیشتر در مبادلات مالی به کار می آید در زمره آنها هستند.

در ماده ۷۳۵ قانون مجازات اسلامی، از تراشه نیز یاد شده است. تراشه یا مدار مجتمع^۴، وسیله ای متشکل از تعدادی عنصر مداری متصل به هم، همچون ترانزیستورها و مقاومتها که بر روی تراشه کریستال سیلیکان یا هر نوع ماده نیمه هادی دیگر قرار می گیرند. هرچند در ماده ۷۳۵ که به استفاده از داده مجعول می پردازد، به کارت و تراشه در عرض داده پرداخته شده است، ولی این دو بیرون از دو حالت نیستند یا داده بر و جای انباشت داده اند یا اینکه خود داده به شمار می آیند. از این رو پیش بینی تراشه و کارت از جهت غلبگی و پافشاری قانونگذار است نه از این جهت که چیستی جداگانه ای دارند.

بستر انجام بزه جعل رایانه ای، فضای سایبر است و این نکته را میتوان از تعبیر «... داده ها یا علائم موجود در کارتهای حافظه یا قابل پردازش در سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا تراشه ها...» که در بند ب ماده ۷۳۴ آمده، برداشت کرد. بنابراین همه رفتارهای پیش بینی شده در این ماده باید از رهگذر کنشهای رایانه ای و در بستر رایانه و مخابرات انجام شود. پس اگر کسی داده رایانه ای را چاپ کند یا از روی صفحه نمایشگر رایانه، عکس بگیرد و سپس بر روی کاغذ چاپ شده، دگرگونی پدید آورد، جعل رایانه ای نخواهد بود و بر حسب مورد و با گرد آمدن بایسته های قانونی، جعل سنتی بنیاد می گیرد. همچنین است اگر کسی به قصد تقلب سندی

۱. هیات مولفان و ویراستاران انتشارات مایکروسافت، پیشین، ص ۶۷۷

2. Memory module

۳. همان، ص ۴۷۶

4. Chip or Integrated Circuit

بسازد و سندی را تغییر دهد و سپس از آن روگرفت بردارد و آن را به داده رایانه ای تبدیل کرده و به نهاد یا سازمانی ارایه دهد، جعل انجام شده، سنتی خواهد بود.

بایسته است که انجام رفتارهای موضوع جعل رایانه ای، غیرمجاز باشد. غیرمجاز بودن هم در معنای نداشتن اجازه و هم در معنای رفتار برخلاف قانون و قرارداد است. ساختن و تغییر اگر با توافق و خوشنودی دارنده یا متصرف قانونی آن باشد، جعل رایانه ای نخواهد بود. بر پایه ماده ۵ قانون تجارت الکترونیکی هرگونه تغییر در تولید، ارسال، دریافت، ذخیره و یا پردازش داده پیام با توافق و قرارداد خاص طرفین معتبر است.

ویژگی غیرمجاز بودن، به سبب نبود خوشنودی دارنده داده است و دارنده داده با پدید آورنده آن فرق دارد؛ هرچند دگرگونی نسبت به داده های پدید آورنده، افزون بر جعل میتواند موضوع بزه های ضد مالکیت معنوی به ویژه حق نویسندگی و برگردانی (تالیف و ترجمه) گردد. به سخن دیگر، در جعل رایانه ای، محوریّت با دارا یا متصرف بودن داده و در نقض حق مالکیت فکری، محوریّت با پدیدآوردن اثر یا چیزی است.

ب: رفتار: تغییر، ایجاد و وارد کردن

در جعل موضوع ماده ۵۲۳، رفتارهای جعل به صورت نمونه‌های (تمثیلی) پیش بینی شده است که بر خلاف اصل قانونی بودن بزه‌ها و کیفرها است؛ زیرا روشن نمیسازد که چه رفتارهای در زیر جعل جای میگیرند. اگر تعبیر "بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن" در ماده ۵۲۳ نبود، چون همه رفتارهای پیش بینی شده از دو رفتار ساختن و تغییر بیرون نبود، رفتارهای تمثیلی را نیز بر دو رفتار پیشگفته بار میکردیم، ولی رفتار به کار بردن مهر دیگری با هیچ یک از این دو رفتار سازگاری نداشته و سبب میشود تا گستره جعل و تزویر، ناروشن باشد. این چالش در قانون جرایم رایانه‌ای برطرف گردیده و قانونگذار تنها به سه رفتار انگشت نهاده است: تغییر، ایجاد و وارد کردن.

تغییر به معنای پدید آوردن دگرگونی در داده است. تغییر نسبت به داده ای است که موجود است و محتوای آن دگرگون می شود. از این رو جدایی میان تخریب و جعل رایانه ای، جدا از خواست مرتکب در انجام جعل و تخریب، در این است که تخریب نسبت به کل یا جزء داده انجام می شود و جعل نسبت به جزء داده و نیز جعل برای دگرگونی در محتوای داده است

ولی تخریب جزئی برای دگرگونی در ظاهر یا پیکره داده.

ایجاد داده به معنای ساختن و پدید آوردن داده ای است که پیش از آن نبوده است. پس ایجاد داده، پدید آوردن یک متن دربردارنده داده های با معنا و هدف دار همچون نوشته و سند است و اگر کسی، به متن موجود، داده ای بیافزاید؛ رفتارش تغییر خواهد بود نه ایجاد.

وارد کردن، تنها رفتار ویژه جعل رایانه ای است که در جعل سنتی پیش بینی نشده است. برابر با آن الحاق یا الصاق نوشته است که متن به متن دیگر افزوده یا پیوست می گردد. به راستی وارد کردن، گونه ای از تغییر است؛ زیرا هرچند داده های به ظاهر درست بر داده ای دیگر وارد و افزوده می شود؛ ولی داده ای که به آن داده دیگر افزوده شده، از چگونگی پیشین بیرون رفته و تغییر یافته است.

در صدر ماده ۶۸ قانون تجارت الکترونیکی، به رفتارهای ورود، تغییر، محو و توقف داده پیام و مداخله در پردازش پرداخته شده و در دنباله ماده به طور ضمنی به تولید یا ایجاد داده نیز اشاره شده است. محو و توقف داده، رفتارهایی بر ضد تمامیت داده و سامانه اند و با جعل نزدیکی ندارند که در گفتار پسین به آنها پرداخته خواهد شد. افزون بر آن رفتار "مداخله در پردازش داده" نیز مفهوم عام و لگام گسیخته دارد که می تواند همه رفتارهای جعل را در برگیرد. در برابر، ماده ۷۳۴ با بومی سازی جعل رایانه ای، در اصل به همان رفتارهایی پرداخته که جایی پایی در جعل سنتی دارند.

در بند الف ماده ۷۳۴، دو بخش جداگانه در انجام رفتار جعل رایانه ای پیش بینی شده است: یکم، تغییر یا ایجاد داده های قابل استناد که در اینجا باید گفت تغییر باید در داده های استناد پذیر انجام شود و ایجاد نیز باید پدید آوردن داده ای باشد که توانایی استنادپذیری داشته باشد، هرچند از در اصل به جهت ساختگی بودن، استناد پذیر نباشد. به راستی نمی بایست قانونگذار، قابلیت استناد را به طور یکسان هم برای تغییر و هم برای ایجاد به کار می برد؛ چه در تغییر از داده قابل استناد پشتیبانی کیفری می شود ولی در ایجاد از داده های قابل استنادی که مرتکب با آنها کاری ندارد ولی شبیه آنها یا سازگار با کارکرد آنها می سازد.

دوم، ایجاد یا وارد کردن متقلبانۀ داده به آنها. در بخش دوم بند الف، نیازی به آوردن دوباره "واژه ایجاد" نبود، زیرا چنانکه گفتیم ایجاد داده به داده دیگر همان وارد کردن یا افزودن است که چهره دیگر تغییر است. شاید بتوان گفت که "ایجاد داده" به داده های قابل استناد، رفتاری

است که مرتکب خود به پدید آوردن داده و افزودن آن به داده اصلی و استنادپذیر می‌کوشد ولی وارد کردن به معنای آوردن داده‌ای که دیگری پدید آورده و سپس وارد کردن آن به داده‌های استنادپذیر. اگر کسی شرطی به یک قرارداد الکترونیکی بیافزاید، از رهگذر "ایجاد کردن" به داده قابل استناد و اگر عکس یا علامتی از جایی برداشته و به یک تعهد الزام آور الکترونیکی پیوست دهد از رهگذر "وارد کردن" به داده قابل استناد، مرتکب جعل رایانه‌ای شده است.

هم ایجاد و هم وارد کردن به داده قابل استناد باید متقلبانه باشد. ویژگی متقلبانه بودن در اینجا به عمد مرتکب در پدید آوردن دگرگونی در داده‌های قابل استناد است. از این حیث در هر حال، تغییر در داده خواهد بود که عمد در تغییر خود به معنای تقلب خواهد بود و نیازی به آوردن ویژگی "متقلبانه" در بخش دوم بند الف و نیز بند ب ماده ۷۳۴ نبود. این قید یا باید در صدر ماده آورده می‌شد یا اینکه از ریشه از ماده برداشته می‌شد. پس می‌توان گفت که ماده ۷۳۴ در به کارگیری شرط "تقلب" از قانون مجازات اسلامی آشفتگی را عمل کرده است؛ زیرا ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی، دست کم "تقلب" را در حوزه قصد آورده ولی ماده ۷۳۴ با آوردن واژه "متقلبانه" روشن نکرده که این ویژگی در قصد مرتکب است یا از عنصرهای رکن مادی.

بند ب ماده ۷۳۴ به «تغییر داده‌ها یا علائم موجود در کارتهای حافظه یا قابل پردازش در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا تراشه‌ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده‌ها یا علائم به آنها» پرداخته است. رفتارهای این بند هیچ جدایی یا ناهمسانی با بند الف ندارد و در نتیجه نیازی به آوردن بند ب نبود. در این بند به جعل کارت‌های حافظه و تراشه تنها به جهت گستردگی و زیان باری چنین رفتاری انگشت نهاده شده است و از همین رو قانونگذار به محل انباشت یا پردازش داده روی کرده است تا به خود داده و هرگاه جعلی انجام بگیرد، باید گفته شود جعل کارت حافظه یا جعل تراشه. به جهت اعتبار و استنادپذیری کارت‌های حافظه و نیز تراشه‌ها، قانونگذار شرط استنادپذیری را برای بند ب بیان نکرده است.

تغییر داده‌ها یا نشانه‌های موجود در کارت‌ها یا تراشه‌ها باید در مقام دستکاری در آنها باشد؛ مانند دستکاری در داده‌های کارت‌های هوشمند یا اعتباری. ولی اگر کسی با دستکاری سیم‌های دستگاه تلفن بتواند از گفت و شنید تلفنی رایگان بهره بگیرد، به گونه‌ای که بودن کارت تلفن تنها برای پر کردن جایگاهی بوده است که می‌بایست کارت در آن جای بگیرد و در اطلاعات کارت دست کاری نشود، جعل رایانه‌ای نیست.

رفتارهای سه گانه جعل رایانه ای، همگی ساده و آنی اند.

ج: شرط قابلیت استناد

داده های موضوع جعل رایانه ای باید قابلیت استناد داشته باشند و به جهت همین شرط بنیادین است که دیگر نیازی به پیش کشیدن زیان چه بالقوه و چه بالفعل نیست. از این رو جعل رایانه ای، یک بزه مطلق است که زیان رسانی در آن مطلقاً شرط نیست، هرچند به دست آید و اگر زیانی به دست آید بر حسب مورد می تواند سببی برای افزایش کیفر آن هم بر خواست دادرس باشد. در ماده ۷ کنوانسیون بزه های محیط سایبر پیش بینی شده که هر یک از اعضا باید به گونه ای اقدام به وضع قوانین و سایر تدابیر کنند که در صورت لزوم بر اساس حقوق داخلی خود، هر نوع وارد کردن، تغییر دادن، حذف کردن یا متوقف کردن عمدی و بدون حق داده های رایانه ای را که منجر به ایجاد داده های غیرمعتبر می شود و با این قصد که آن داده ها در راستای اهداف قانونی به عنوان داده های معتبر مورد توجه قرار گیرند یا بر مبنای آنها عمل شود، جرم انگاری کنند. اعضا می توانند مقرر دارند که وجود قصد فریب یا قصد ناروای مشابه آن برای اتصاف مسؤولیت کیفری ضروری است. در این ماده افزون بر قصد خاص، بی اعتباری داده ای که با یکی از رفتارهای وارد کردن، تغییر، حذف و متوقف کردن، جعل گردیده است، گویی به عنوان نتیجه پیش بینی شده است. این شرط، به معنای آن است که اگر رفتارهای جعل انجام بگیرد ولی داده های معتبر، بی اعتبار نشود، جعلی در کار نیست که به نظر می رسد نه به چنین شرطی نیاز است و نه اینکه پس از انجام جعل، داده معتبری وجود دارد که بتوان میان داده ها، دو گونه از اعتبارمندی و بی اعتباری تشخیص داد. بدین حال باید گفت، بی اعتباری، نشانه بیرونی جعل است هرچند که در اصل مرتکب به عنوان یک داده معتبر در نهادهای مرتبط از آن بهره بجوید.

در نگاه نخست می توان گفت که استنادپذیری باید در هر نهاد دولتی و خصوصی به ویژه دادگاه ها، پذیرفته شود. ولی با خاموشی قانونگذار، سنجه استناد داده باید همان معیار استناد سند است و از آنجا که ماده ۷۳۴ درباره گستره و بایسته های استنادپذیری داده، خاموش است باید به دیگر قانونها رجوع کرد. بر پایه ماده ۶ قانون تجارت الکترونیکی هرگاه وجود یک نوشته از

نظر قانون لازم باشد، داده پیام در حکم نوشته است. ۱. نوشته نیز عام تر از سند است ولی هرگاه نوشته ای استنادپذیر باشد، عنوان سند (سند عادی و سند رسمی) را به خود می گیرد. طبق ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی، سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. از این رو داده استنادپذیر نیز به داده ای گفته می شود که در مقام دعوی یا دفاع، استناد پذیر باشد. این دو سنجه یعنی دعوی و دفاع، نشانگر این است که تنها در نهادهای دولتی به ویژه دادگاه ها که بتوان از دفاع یا دعوی سخن گفت، میتوان از معنای استنادپذیری سراغ گرفت؛ در حالی که استنادپذیری داده باید در پیوندهای خصوصی و حتی نزد نهادهای خصوصی نیز پذیرفته شود که نیاز است تا قانونگذار در این زمینه، دست به روزآمد کردن قانون های گذشته و یا ویرایش آنها بنماید.

نگاه سندگونه و نوشته مدار قانون تجارت الکترونیکی نسبت به داده سبب شده تا در ماده ۱۵ این قانون پیش بینی گردد که نسبت به داده پیام مطمئن ، سوابق الکترونیکی مطمئن و امضای الکترونیکی مطمئن انکار و تردید مسموع نیست و تنها میتوان ادعای جعلیت به داده پیام مزبور وارد و یا ثابت نمود که داده پیام مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است. گفته شده که « علت عدم ذکر "سند رسمی" در ماده ۱۵ ظاهراً احتیاط بیش از حد قانونگذار است که در عین اینکه در اطلاق سند رسمی بر داده پیام مطمئن یا سایر دلایل اثباتی در تجارت الکترونیکی احتیاط به خرج داده، احکام سند رسمی را بر آن بار کرده است. به نظر می رسد که علت اصلی در نام سند رسمی است که در حقوق ایران تعریف معینی دارد که در ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی به کار رفته است: اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مامورین رسمی، در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند، رسمی است. شاید قانونگذار به علت فقدان این تشریفات در خصوص دلایل تجارت الکترونیکی در اطلاق سند رسمی بر آنها احتیاط کرده است. ولی ارزش اثباتی آنها را در عمل در ماده ۱۵

۱. ماده ۶: هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد ، (داده پیام) در حکم نوشته است مگر در موارد زیر:

الف - اسناد مالکیت اموال غیرمنقول.

ب - فروش مواد داروئی به مصرف کنندگان نهایی.

ج - اعلام ، اخطار ، هشدار و یا عبارات مشابهی که دستور خاصی برای استفاده کالا صادر می کند و یا از بکارگیری روشهای خاصی به صورت فعل یا ترک فعل منع می کند.

به عنوان سند رسمی مطابق ماده ۱۲۹۲ ق.م. پذیرفته است که در نوع خود نوآوری محسوب میشود.^۱

در ماده ۶۸ قانون تجارت الکترونیکی، دو شرط برای داده پیش بینی شده بود: ارزش مالی داشتن و ارزش اثباتی داشتن. طبق این بخش از ماده ۶۸، ...داده پیام های دارای ارزش مالی و اثباتی نماید تا با ارائه آن به مراجع اداری، قضایی، مالی و غیره به عنوان (داده پیام) های معتبر استفاده نماید... نهاد مورد استناد داده، به طور نمونه ای (تمثیلی) پیش بینی گردیده که مراجع اداری، قضایی و مالی از جمله آنها هستند. با این حال این مراجع همگی دولتی و عمومی اند؛ زیرا نهادهای خصوصی از سنخ تمثیل بیرون اند. هرچند در نگاه نخست، ماده ۶۸ قانون تجارت الکترونیکی از ماده ۷۳۴ کاملتر است، ولی باید روی کرد که در جعل رایانه ای، ارزش مالی داشتن داده، برجستگی ندارد؛ زیرا نه به این شرط برای استناد پذیری نیاز هست و نه جعل رایانه ای، بزه‌ی بر ضد مال یا ارزش مالی داده است، بلکه این رفتار بر روی داده هایی رخ می دهد که همچون سند یا نوشته، به اندازه ای اهمیت دارند که بتوان از آنها برای استناد در نهادهای عمومی و دولتی بهره جست. (چنانکه در بخش پایانی کتاب درباره جایگاه قانون جرایم رایانه ای خواهیم گفت، ماده ۶ قانون جرایم رایانه ای، ماده ۶۸ قانون تجارت الکترونیکی را نسخ کرده است.)

یکی از برجسته ترین داده های استنادپذیر، امضای دیجیتال است که نشانگر هویت کس در فضای سایبر است. بر پایه بندی ماده یک قانون تجارت الکترونیکی، امضای الکترونیکی عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به داده پیام است که برای شناسائی امضاءکننده (داده پیام) مورد استفاده قرار میگیرد. امضای الکترونیکی در شکل ساده، همان امضای محیط کاغذی است که از رهگذر روگرفت (اسکن)، در فضای سایبر نیز به کار می آید و در این حالت، برای کسان نیاز نیست تا همچون سپهر بیرونی، برای هر بار گواهی دهی یا پاسخدهی، کاغذی را دستینه کنند، بلکه امضای الکترونیکی را با کمک فرمان ها و برنامه های رایانه ای، بر روی متنی که آن را داده می نامیم، می گذارد. امضای الکترونیکی، خود داده به شمار می آید و هر کس که آن را دگرگون کند، جعل رایانه ای انجام داده است. امضای الکترونیکی می تواند هر گونه نشانه یا علامتی باشد که شناساننده دارنده آن باشد.

۱. پورسید، بهزاد؛ قانون تجارت الکترونیک و نوآوری های آن، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و یکم، شماره ۵۹، تابستان ۱۳۸۶، ص ۵۶

در فضای بیرونی، اعتبار امضای کس، یکی به دلیل بودن دارنده امضا در هنگام بهره گیری از آن است (حضور دستینه زن در هنگام امضا) و دیگری سازگاری امضای پدیده آمده با همان امضایی که از یک شخص وجود داشته یا به آن شناخته شده باشد. از این رو، امضا در محیط فیزیکی، همواره دارای اعتبار است ولی در فضای سایبر، چون دو شرط پیش گفته، یا بایسته نیست یا ممکن است همراه با پویایی و هم پوشانی داده ها و یا دگرگونی در آنها باشد، نیاز است تا امضای الکترونیکی، مطمئن و اصیل باشد. بر پایه ماده ۱۰ قانون تجارت الکترونیکی، امضای الکترونیکی مطمئن باید دارای شرایط زیر باشد:

الف - نسبت به امضاءکننده منحصر به فرد باشد.

ب - هویت امضاءکننده داده پیام را معلوم نماید.

ج - به وسیله امضاءکننده و یا تحت اراده انحصاری وی صادر شده باشد.

د - به نحوی به یک داده پیام متصل شود که هر تغییری در آن داده پیام قابل تشخیص و کشف باشد.

در بخشی از ماده ۶۸ قانون تجارت الکترونیکی تعبیر ... یا استفاده از وسایل کاربردی سیستم های رمزنگاری تولید امضاء - مثل کلید اختصاصی - بدون مجوز امضاءکننده و یا تولید امضای فاقد سابقه ثبت در فهرست دفاتر اسناد الکترونیکی و یا عدم انطباق آن وسایل با نام دارنده در فهرست مزبور و اخذ گواهی معجول... به کار رفته که واژه "یا" نشان می دهد در این بخش از ماده به سه رفتار پرداخته شده است. یکم، استفاده از وسایل کاربردی سیستم های رمزنگاری تولید امضا که از جهت چپستی، جعل رایانه ای نیست و همسان با حالت "استفاده از مهر دیگری بدون اجازه دارنده آن" که در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی است، می باشد؛ زیرا بهره گیری از افزارهای رمزنگاری تولید امضا، به تنهایی سبب جعل نمی گردد مگر اینکه رفتارهایی مانند وارد کردن یا پدید آوردن داده، انجام شود. دوم، تولید امضای فاقد سابقه ثبت در فهرست دفاتر اسناد الکترونیکی که این مورد نیز نباید جعل باشد، زیرا سابقه ثبت الکترونیکی امضا تنها درباره رفتارهای مشخص مانند تجارت الکترونیکی که دارندگان آنها در پی شناخته شدن و اطمینان از طرف قرارداد هستند، سازگاری دارد. از این رو این بخش از ماده ۶۸ قانون تجارت الکترونیکی، تنها بر برخی مبادلات الکترونیکی یعنی تجارت الکترونیکی گواهی می دهد وگرنه در مقام پشتیبانی کیفری از امضای شهروندان، نیازی به پیشینه ثبت نیست. سوم، عدم انطباق آن وسایل

با نام دارنده در فهرست مزبور و اخذ گواهی مجعول که این حالت نیز دنباله حالت نخست است و نمی بایست با واژه "یا" جدا می شد، بلکه در اینجا چون عدم انطباق و اخذ گواهی مجعول دنباله همان حالت یکم، یعنی استفاده از وسایل کاربردی سیستم های رمزنگاری تولید امضا است، باید از نشانه "و" بهره گرفته می شد.

بحث و نتیجه گیری

جعل اسناد در روزگار ما به ویژه در سالهای اخیر به دلیل نابسامانی اقتصادی کشور یکی از مسائل مهم دستگاه قضائی و سازمان ثبت اسناد و املاک به عنوان زیر مجموعه ای از آن دستگاه - می باشد. زیرا در روابط مردم به هر کیفیت تعداد بی شماری اسناد به انحاء مختلف تنظیم می شود که مفاد آن باید رعایت شود. برای اینکه فعالیتهای مختلف اجتماع راه عادی خود را طی کند لازم است اسناد تنظیمی وسیله مطمئنی برای حفظ روابط افراد بوده و اولین شرط استحکام آنها این است که عاری از تقلب و تزویر باشند. بی شک اسنادی که دستخوش جعل و تزویر قرار می گیرند، طبعاً موجب اخلال روابط اجتماع و هم موجب لطمه به منافع افراد است و همین آثار ضرر مادی و معنوی و اجتماعی جعل است که مداخله قانون مجازات را ایجاب نموده است به همین دلیل در اکثر قانون گزاری ها با مجازات نسبتاً شدیدی همراه است. لذا برای تامین و تضمین روابط حقوقی افراد و اعتماد آنها به اسناد رسمی قانونگذار در ماده ۱۰۰ و ۱۰۳ قانون ثبت اسناد مواردی را که اصطلاحاً جعل نیستند به عنوان جعل در اسناد رسمی آورده و مرتکبین آنها را جاعل در اسناد رسمی دانسته است و صادر کننده گواهی خلاف واقع را در حکم جاعل در اسناد رسمی می داند

جرم جعل نیز به مانند جرایم علیه اموال مقید به نتیجه می باشد و نتیجه جرم جعل ضرر است و ضرر شرط تحقق جرم جعل می باشد. ضرر مربوط، مستقل از عمل مرتکب نیست بلکه در نفس عمل مرتکب مستتر می باشد از این رو به جاعل اجازه داده نمی شود که اثبات کند از عمل وی ضرری متوجه منتفع از سند نشده است. از آنجایی که جرم جعل از جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی است نتیجه آن، بر هم خوردن اعتماد عمومی است. در جرایم بر ضد آسایش عمومی، عنصر ضرر مفروض است. ضرورتی ندارد که مدعی جعل، ثابت کند که ضرر هم وارد شده است. بار دلیل از عهده مدعی خصوصی یا دادستان برداشته شده و برعهده مدعی علیه یا متهم بار می شود. این ضرر اولاً اجتماعی است ثانیاً شخصی است. طبع مضر بودن سند برای

تحقق عنصر ضرر کافی است. تحقق ضرر لازم نیست بلکه احتمال ضرر نیز کفایت می کند. وقوع یا احتمال ضرر به مساله انتفاع جاعل ربطی ندارد.

فهرست منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۱). مفهوم تروریسم؛ گزیده مقالات همایش تروریسم از دیدگاه اسلام و حقوق بین الملل، چاپ اول. تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۵۴ صفحه.
۲. اسکندی، حمید. (۱۳۹۰). دفاع سایبری و امنیت رایانه (۱): کلیات امنیت در فناوری اطلاعات، چاپ اول. تهران: بوستان حمید. ۱۰۴ صفحه.
۳. اصلانی، حمیدرضا، ۱۳۸۴ حقوق فن آوری اطلاعات، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
۴. انصاری، باقر، ۱۳۸۷، بررسی و نقد لایحه آزادی اطلاعات، فصل نامه معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۱۳
۵. انوری، حسن. (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن، جلد دوم. چاپ اول. تهران: سخن. ۱۷۰۸ صفحه.
۶. آخوندی، محمد. (۱۳۸۳). قرار بازداشت موقت. علوم جنایی: (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، چاپ اول. تهران: سمت. ۸۴۰ صفحه.
۷. آریا، ناصر، ۱۳۷۲ فرهنگ اصطلاحات رایانه و شبکه رایانه مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، تهران.
۸. آقای، بهمن. (۱۳۸۶). فرهنگ حقوقی بهمن، چاپ سوم. تهران: کتابخانه گنج دانش. ۱۱۱۸ صفحه.
۹. البوعلی، امیر، ۱۳۸۸ صلاحیت مراجع قضایی در رسیدگی به جرایم ارتكابی در فضای سایبر، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و بزه شناسی، دانشگاه شیراز،
۱۰. آل محمد، فاطمه، ۱۳۹۰ پایان نامه سیاست جنایی ایران در قبال جرایم رایانه ای، دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.

۱۱. آرم، منصور. (۱۳۸۸). گزارش آشنایی با واحد اقدام ضد تروریسم سازمان امنیت و همکاری اروپا، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره دو، صفحه ۶۰۸-۵۷۱.
۱۲. بابایی، محمدعلی و نجیبیان، علی. (۱۳۹۰). چالش های پیشگیری وضعی از جرم، حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۵، پاییز. صفحه ۱۷۲-۱۴۷.
۱۳. باستانی، برومند. (۱۳۹۰). جرائم کامپیوتری و اینترنتی جلوه‌ای نوین از بزهکاری. چاپ سوم. تهران: بهنامی. ۱۶۰ صفحه.
۱۴. باستانی، برومند، ۱۳۸۸، جرایم کامپیوتری و اینترنتی جلوه‌ای نوین از بزهکاری، تهران، انتشارات بهنامی، چاپ دوم
۱۵. باستانی، برومند، ۱۳۸۳ جرائم رایانه‌ای و اینترنتی جلوه‌ای نوین از بزهکاری، چاپ اول، انتشارات بهنامی.
۱۶. باطنی، زهره و یارچی آبادی، افسانه. (۱۳۹۰). امنیت در تجارت الکترونیک و راهکارهای ارتقای آن. اولین همایش منطقه‌ای رویکردهای نوین در مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات. رودسر.
۱۷. بای، حسنعلی و پورقهرمانی، بابک، ۱۳۹۲، بررسی فقهی حقوق جرائم رایانه‌ای، چاپ اول قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۸. بخشی زاده، امین، ۱۳۹۱، تحولات رویکرد های نوین لایحه قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات چراغ دانش، چاپ اول
۱۹. بزرگمهری، مجید. (۱۳۸۷). تعریف سازمان ملل متحد از پدیده تروریسم؛ مروری بر اسناد مصوب و دیدگاه های صاحب نظران، فصلنامه مطالعات سیاسی، پیش شماره ۲. صفحه ۱۹-۳۲.
۲۰. بطروس غالی، بطروس، ترجمه: زمانی، قاسم، (۱۳۸۰)، سازمان ملل متحد و اقدامات حقوقی جامع در مبارزه با تروریسم، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲. صفحه ۱۱۵-۱۴۶.
۲۱. پاکزاد، بتول، ۱۳۹۰، تروریسم سایبری؛ تهدیدی نوین علیه امنیت ملی، چاپ اول،

تهران، نشر دفتر گسترش تولید علم

۲۲. پاکزاد، بتول، ۱۳۸۸ تروریسم سایبری، رساله دکترای رشته حقوق کیفری و بزه شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، سال.

۲۳. پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ناجا. (۱۳۹۱). معرفی پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ناجا (فتا)، تهران: پنجمین نمایشگاه بین المللی رسانه های دیجیتال. ۱۲ صفحه. قابل دسترس در آدرس: <http://www.cyberpolice.ir/publication/7001>، مشاهده در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۲.

۲۴. پیمانی، ضیاءالدین، ۱۳۷۵ جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ دوم.

۲۵. تاج الدین اشکفتگی، اصغر. (۱۳۸۳). افزایش مقاومت عوامل امنیتی شبکه های کامپیوتری. پایان نامه کارشناسی ارشد نرم افزار. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده فنی و مهندسی. ۱۰۶ صفحه.

۲۶. تاجمیری، امیرتیمور. (۱۳۷۵). حقوق مدنی ۴، چاپ اول. تهران: مؤسسه فرهنگی آفرینه. ۱۶۵ صفحه.

۲۷. تبریزی، مرتضی. (۱۳۸۷). امنیت اطلاعات؛ مسئله این است!، فناوری و بانکداری، شماره ۳۰ و ۲۹. اردیبهشت و خرداد ماه. صفحه ۶۷-۶۴.

۲۸. تحیری، فرزاد، ۱۳۸۳، دسترسی غیر مجاز به سیستم های رایانه ای در حقوق ایران و اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، دانشگاه مفیدقم

۲۹. تقی زاده انصاری، مصطفی. (۱۳۸۸). سازمان جهانی پلیس جهانی اینترپل، چاپ اول، تهران: خرسندی. ۱۹۴ صفحه.

۳۰. جاویدنیا، جواد، ۱۳۸۶ مقاله نقد و بررسی بزه مندرج، در قانون تجارت الکترونیکی، مجله حقوقی دادگستری،

نقش رمزارزها در تسهیل ارتکاب جرایم سایبری

امین امیریان فارسانی* میثم طهماسبی سرقلی نو ترکی**

نوع مقاله : پژوهشی	تاریخ دریافت : ۱۴۰۴/۲/۱۹	تاریخ پذیرش : ۱۴۰۴/۲/۲۳	شماره صفحه : ۸۲-۵۵
--------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------

زمینه و هدف : پیشرفت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات هر روز باعث افزایش سرعت در امور مختلف جامعه می‌گردد. این سرعت شامل ارتکاب جرایم نیز می‌گردد. فضای سایبر، رمزارزها و جرایم سایبری از پدیده‌های نیم قرن اخیر محسوب می‌شوند که سرعت ظهور و تحول آنها آنقدر زیاد بوده است که جوامع، دولتها و سازمانهایی از جمله بانک‌ها فرصت سازگاری و هماهنگ شدن با آنها را نیافته‌اند.

روش تحقیق : در این پژوهش، با استفاده روش و نوع پژوهش کیفی-نظری، پس از بیان یک سری از مباحث مقدماتی، به سؤال مزبور پاسخ داده شده است.

یافته ها و نتایج: رمزارزها که بر پایه فن‌آوری بلاک‌چین به جامعه معرفی می‌شوند، ارزیابی‌اند که قابلیت تبدیل شدن به پول و برعکس آن را دارند. بعضی از سازمانها و به خصوص مجرمان سایبری از آن به عنوان روش پرداخت استفاده می‌کنند. این امر در کنار محبوبیت روزافزون رمزارزها، در بعد مجرمانه و غیرمجرمانه، باعث شد تا یک سری از ناهنجاری‌ها ظهور کند. بعضی از کشورها رمزارزها را پذیرفته، بعضی دیگر یا نپذیرفته یا سکوت کرده‌اند. النهایه در فعالیت پژوهشی نتیجه گرفته شده است که رمزارزها با در نظر داشت مزایای که دارند، تسهیل

۱. نویسنده مسئول () استادیار گروه حقوق، مجتمع آموزش عالی گناباد، گناباد، ایران

Amirian.amin@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران

meysamtahmasebi57@gmail.com

کننده جرایم سایبری هستند که البته مبارزه با نقش تسهیل کنندگی رمزارزها منوط به اراده دولتها مبنی بر قانونگذاری و مقررات گذاری سازمانها است. در پایان کار، به منظور خنثی کردن این تسهیل کنندگی، پیشنهاداتی ضمن نتیجه گیری ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: رمزارزها، جرایم سایبری، بلاک چین، فضای سایبر، ایران

مقدمه

از ابعاد مختلف: حقوقی، جامعه‌شناسی، جرم شناسی، روان شناسی و ... می‌توان به رفتار مجرمانه نگاه کرد؛ و از هر بعد می‌توان تعریف خاصی از آن ارائه کرد. در این پژوهش از دیدگاه حقوقی به جرم نگاه می‌شود که بر مبنای آن: جرم، محصولی از رفتار انسانها است که برضد نظم اجتماعی مبتنی بر قانون ارتکاب می‌یابد و ضمانت اجرای کیفری را به دنبال دارد. فرایند پیچیده شدن روزافزون جوامع؛ و نیازمندی آنها به قانونگذاری پویا را می‌توان از تقسیم بندی جرایم بر حسب موضوع نتیجه گرفت که بر اساس آن جرایم به: (۱) جرایم علیه اشخاص، (۲) جرایم علیه اموال و (۳) جرایم علیه دولتها، تقسیم می‌شود. واضح است که قانون جزا ارزش‌محور^۱ است؛^۲ و به همین خاطر تا نیم قرن پیش که فضای سایبر^۳ و جرایم سایبری^۴ وجود نداشت، قوانینی نیز وجود نداشت تا بعضی از رفتارها را در فضای سایبر قانونگذاری و جرم‌انگاری کند. بدیهی است که جرم محصول روابط اجتماعی است؛ این روابط وارد فضای مزبور شد و باعث ظهور جرایم سایبری گردید که این امر ضرورت قانونگذاری در این فضا را برجسته کرد. از آثار ظهور جرایم سایبری، ارائه دسته بندی کلی جدید از جرایم ارائه است که بر مبنای آن جرایم به دو دسته: جرایم سنتی^۵ و جرایم سایبری تقسیم می‌گردند (Gheraouti, 2016, p. 2). جرایم سایبری، از ابعاد مختلف به دسته‌های مختلف، مثل جرایم سنتی، تقسیم شده اند.

1. Value-driven

۲. ارزش‌محوری قانون جزا از بدیهیات؛ و تکامل جرایم بر حسب موضوع جلوه‌ای از آن است.

3. Cyberspace

4. Cybercrime

5. Classic crimes

تا دهه ۱۹۹۰ [میلادی] بیشتر از اصطلاح «جرایم کامپیوتری» برای اشاره به جرایمی استفاده می‌شد که توسط فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات ارتکاب می‌یافت اما بعد از این دهه، سرعت پیشرفت در این حوزه شتاب گرفت و دانشمندانی چون دیوید وال^۱ اصطلاح جرایم سایبری را برای اشاره به این جرایم به کار بردند (Holt et al., 2017, p. 6). امروز، این اصطلاح در قوانین، آثار علمی و ... جا افتاده و مورد پذیرش واقع شده است. با این حال، تعریفی از جرایم سایبری وجود ندارد که مورد توافق همگان باشد؛ و در این زمینه اختلاف نظرات وجود دارد (Gordon & Shinder, 2002, p. 9; Ford, 2006, p. 14). به صورت کلی، جرایم سایبری، جرایمی هستند که در فضای سایبر ارتکاب می‌یابند یا با استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (موبایل هوشمند، کامپیوتر و ...) ارتکاب می‌یابند^۲.

میان جرایم سایبری و سنتی تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد. در مقایسه با جرایم سنتی، جرایم سایبری هزینه بسیار پایین اما منفعت بسیار بالای دارند. جرایم سایبری با ابزار و وسایلی ارتکاب می‌یابند که نمی‌توان حمل و کاربرد آنها را همانند سلاح گرم، سلاح سرد و ... جرم‌انگاری یا حتی ممنوع اعلام کرد. جرایم سایبری بدون در نظر داشت فاصله جغرافیایی و محدودیت زمانی، در ورای مرزها باعث بزه‌دیدگی گسترده می‌شود، در حالیکه جرایم سنتی فاقد چنین خصوصیات است و ...

برای مبارزه با جرایم سایبری که در واقع نه تنها تهدیدی علیه نظم داخلی کشورها بلکه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین الملل نیز محسوب می‌شود، ضرورت است تا کشورها با هم همکاری کنند. همکاری بعضی از کشورها باعث ایجاد کنوانسیون بوداپست^۳ شد. بر اساس گزارش به روز کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد در حال حاضر ۸۰ درصد کشورها جرایم سایبری را جرم‌انگاری کرده‌اند، ۵ درصد کشورها پیش نویس قانون جرایم سایبری را تهیه کرده‌اند، ۱۳ درصد کشورها جرایم سایبری را جرم‌انگاری نکرده‌اند و در مورد ۲ درصد باقی مانده اطلاعاتی در دست نیست (Cybercrime Legislation Worldwide | UNCTAD, n.d). تلاش

1. David Wall

۲. به عنوان مثال، در حالی که تخریب فیزیکی یک کامپیوتر جزو جرایم سنتی علیه اموال محسوب می‌شود، تخریب همان کامپیوتر اما توسط ویروس جزو جرایم سایبری علیه اموال محسوب می‌شود. بنابراین، مشخص است که در جرایم سایبری، ابزار ارتکاب جرم و فضای ارتکاب جرم نقش تعیین کننده دارد.

3. European Convention of Cybercrime (Budapest)

برای قانونگذاری جرایم سایبری از آن جهت اهمیت دارد که اولین گام جهت مبارزه با جرایم سایبری محسوب می‌شود. در ایران نیز قانونگذاری جرایم سایبری انجام شده و نتیجه آن تدوین «قانون جرایم رایانه‌ای» است که در سال ۱۳۸۲ (ه‌ش) تصویب شده گردیده است.

سرعت پیشرفت بشر در چند دهه اخیر (به‌ویژه در عرصه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات) با هیچ زمانی قابل مقایسه نیست. یکی از مهمترین دست‌آوردهای این دوره، فن‌آوری بلاک‌چین^۱ است. این فن‌آوری در مقابل اصل عدم ثبات داده‌ها و اطلاعات الکترونیکی یا رایانه‌ای ابداع شد تا باعث افزایش امنیت سامانه‌های رایانه‌ای گردد. توقع می‌رود از این فن‌آوری در بخش‌های مختلف مربوط به فن‌آوری و امنیت سایبری استفاده گردد؛ البته، یکی از استفاده‌های که از آن صورت گرفته مربوط به رمزارزها^۲ است. رمزارزها که به نام پول دیجیتال یا ارز دیجیتال نیز معروف هستند؛ مبتنی بر فن‌رمزنگاری^۳ و فن‌آوری بلاک‌چین ایجاد شده اند تا از جعل مصون باشند و امنیت بالایی داشته باشند. به‌خاطر یک سری ویژگی‌های که رمزارزها دارند؛ در مرکز توجه آن عده از مجرمان سایبری قرار گرفته‌اند که جرم سایبری را به عنوان پیشه خود قرار داده و بر اساس درآمد ناشی از آن زندگی می‌کنند. ریشه‌هایی از این توجه را می‌توان در استفاده از رمزارزها به عنوان روش پرداخت پول برای بدافزارهای باج‌گیر^۴ که در نهایت به حساب مجرمان سایبری واریز می‌شود، مشاهده کرد. با استناد به یافته‌های مارش^۵ یکی از شرکت‌های بیمه و مشاوره در حوزه خطرات^۶، در ۹۸ درصد از بدافزارهایی شناخته شده جهت واریز کردن پول به حساب مجرمان سایبری از بیت‌کوین^۷ (یکی از رمزارزها) استفاده گردیده است؛ به علاوه، استفاده از این رمزارز در بدافزارها در سال ۲۰۲۰ [میلادی] به رقم ۶۰ درصد افزایش داشته است (Ransomware:).

1. Blockchain technology
2. Cryptocurrencies
3. Cryptography
4. Ransomware
5. Marsh (Available on: www.marsh.com)
6. Risks
7. Bitcoin

۸. - بیت‌کوین اولین رمزارزی بود که معرفی شد. موفقیت این رمزارز باعث شد تا رمزارزهای دیگری از جمله: لایت‌کوین (Litecoin)، بیننس‌کوین (Binance Coin)، دوج‌کوین (Dodgecoin)، ایت‌ریم (Ethereum)، ریپل (Ripple)، ترون (TRON) و ... نیز عرض وجود کنند.

(Paying Cyber Extortion Demands in Cryptocurrency, n.d). بدافزارها یکی از مواردی است که ظهور رمزارزها بر آن تأثیر گذاشته است.

عمومی و آزاد بودن رمزارزها، قرارگرفتن آنها در مرکز توجه مجرمان سایبری و افزایش نرخ آنها در بازارهای مالی جهانی، به نظر می‌رسد رابطه‌ای رمزارزها و جرایم سایبری را برجسته کرده است؛ بنابراین، در این پژوهش به دنبال پاسخ این سؤال‌ها هستیم که رمزارزها چگونه باعث تسهیل ارتکاب جرایم سایبری می‌گردند؟ مطالعاتی در این زمینه انجام شده (e.g., Bray, 2016; Higbee, 2018) تا به این سؤال مزبور پاسخ داده شود. اما پاسخ ارائه شده پاسخ‌گوی مسأله این پژوهش نیست. چون، در این پژوهش با دیدگاه کل‌نگر به مسأله نگاه می‌شود؛ و در کنار آن جایگاه رمزارزها در ایران نیز مورد توجه است. ضرورت این پژوهش و پژوهش‌های دیگری که مربوط به جرایم سایبری و امنیت سایبری است، با قانونگذاری پویا همبسته است؛ این در حالی‌ست که قانونگذار ایران در امر قانونگذاری جرایم سایبری و پویان نگهداشتن قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۲) عملکرد ضعیفی از خود نشان داده است؛ و کمتر به به آن توجه دارد. در باره اهمیت این پژوهش می‌توان به بومی‌سازی دانش مربوط به فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، حقوق سایبر، جرایم سایبری، امنیت سایبر و ... اشاره کرد که در جامعه علمی آنچنان که باید جا می‌افتاد جا نیفتاده است. امروز، در ایران در درس‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی هنوز از جرایم سایبری و کشف و تحقیق آنها حتی در سطح کارشناسی ارشد خبری نیست. جست‌وجوی نویسنده نشان می‌دهد در چندسال اخیر پژوهش‌هایی در سطح جهانی در باره ارتباط جرایم سایبری و رمزارزها انجام شده اما در ایران ضمن افزایش توجه‌ها به رمزارزها پژوهشی در این باره با محوریت عنوان این پژوهش صورت نگرفته یا در پرتو جست‌وجوی نویسنده قرارنگرفته است. بنابراین، آنچه در نتیجه بررسی جهت یافتن پیشینه موضوع در ایران و جهان آمده به شرح زیر است:

مقاله‌ای تحت عنوان «نقش رمزارز در جرایم سایبر» (Higbee, 2018) بسیار محدود و در حد سه صفحه نوشته شده است. این مقاله فشرده است؛ از اینرو، تفاوت پژوهش حاضر با مقاله‌ای مزبور: (۱) بیان مطالب در سطح گسترده و (۲) تبیین جایگاه رمزارزها در ایران با تأکید بر نقش آنها در تسهیل ارتکاب جرایم سایبری است. پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «ناشناختی، جرایم سایبری و رابطه آنها با رمزارز» (Bray, 2016) است که نقش ناشناختگی [Anonymity] (مجرمان سایبری) را در رابطه‌ای جرایم سایبری و رمزارز بررسی کرده است. این پژوهش جزئی است، و متمرکز بر عنصر ناشناختگی؛ در حالی که پژوهش حاضر در پی نگرش کلی‌تر نسبت به آن است؛

و عناصری بیش از ناشناختگی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این ادعا محصول تجربه نویسنده به عنوان دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی است.

از آنجا که نرخ جرایم سایبری و همینطور خسارت ناشی از آنها روزافزون در کشورهای مختلف (به‌ویژه در کشورهای توسعه یافته)^۱ در حال افزایش است؛ اتخاذ تدابیر و سازوکارهای پیشگیرانه نقش مهمی در دفاع از نظم اجتماعی و حقوق و آزادی‌های مردم دارد. این ممکن نیست مگر اینکه ابتدا دانش نظری در این زمینه تولید شود. به همین خاطر، اولین هدف این پژوهش تولید دانش نظری در این باره نقش رمزارزها و جرایم سایبری است. با حاصل کردن این دانش نظری، می‌توان زمینه انجام پژوهش تجربی را فراهم کرد. از اینرو، دومین هدف این پژوهش، زمینه سازی برای تولید پژوهش تجربی در باره رمزارزها و نقش آنها در تسهیل ارتکاب جرایم سایبری است. سومین هدف، جلب توجه به رمزارزها است که توقع می‌رود جایگزین بانک‌نوت‌ها شود؛ همینطور، جلب توجه به جرایم سایبری نیز به عنوان معضل قرن بیست و یک است. چهارمین هدف این پژوهش، برجسته کردن ضرورت قانونگذاری پویا در حوزه جرایم سایبری است؛ چون، این جرایم، برعکس جرایم سنتی، در گذر زمان با سرعت تحول می‌کنند، به همین خاطر نیاز است تا قانونگذار توجه خاصی به آنها داشته باشد. دسترسی به این اهداف مهم، هرچند ممکن نیست با انجام این پژوهش برآورده شود؛ اما می‌توان گفت که این پژوهش حداقل می‌تواند در خدمت این اهداف مفید واقع شود.

همانطور که از عنوان این پژوهش پیداست؛ در آن نقش رمزارزها در تسهیل ارتکاب جرایم سایبری با نگاه کل‌نگر برجسته می‌شود. به همین منظور، این پژوهش در دو بخش انجام می‌شود. در بخش نخست (فن‌آوری بلاک‌چین و رمزارزها) یک سری مباحث مقدماتی بیان می‌شود. در

۱. در آمریکا به عنوان یکی از کشورهای توسعه یافته و پیشرفته در عرصه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، بر اساس گزارش سالانه مرکز شکایت جرایم اینترنتی که یکی از بخش‌های سازمان اف‌بی‌آی است؛ آمده است که هر روز به‌طور متوسط بیش از ۲,۰۰۰ شکایت ناشی از ارتکاب جرم سایبری گزارش داده می‌شود. به علاوه، در سال ۲۰۲۰ [میلادی] خسارت ناشی از ارتکاب جرایم سایبری ۴,۲ میلیارد دلار بیان شده است. عمده جرایم سایبری گزارش شده، مالی (منفعت طلبی مادی) است. در این گزارش به‌صورت حاشیه‌ای برجسته شده که (به ترتیب) آمریکا بیشترین بزه دیده سایبری را در سطح جهان دارد؛ و به تعقیب آن؛ کانادا، هند، یونان، استرالیا، آفریقای جنوبی، فرانسه، آلمان، مکزیکو، بلجیم، برازیل، فیلیپین، ایتالیا، اسپانیا، هالند، نیجریه، پاکستان، چین، کلمبیا و هانگ‌کانگ بیشترین بزه دیده سایبری را در سطح جهان دارند (Internet Crime Complaint Center (IC3 | Annual Reports, n.d).

مبحث اول این بخش، فن آوری بلاک چین مورد مفهوم شناسی قرار می گیرد، عملکرد و کاربرد آن؛ به علاوه ارتباط آن با رمزارزها بیان می شود. در مبحث دوم این بخش، رمزارزها مورد مفهوم شناسی قرار می گیرد، عملکرد و کاربرد آنها؛ به علاوه جایگاه آنها در ایران بیان می شود. ضرورت در نظر گرفتن این بخش از این جهت است که پیوند عمیقی میان فن آوری بلاک چین و رمزارزها است؛ از جهت دیگر، این امر در پژوهش مرسوم است که در صورت بدیع بودن محور پژوهش، یک سری مباحث مقدماتی باید بیان شود تا خواننده متوجه آنچه در پژوهش آمده، شود. بنابراین، پس از آماده سازی ذهن خواننده برای درک علل و عوامل مؤثر در تسهیل ارتکاب جرایم سایبری که از رمزارزها ناشی می شود؛ در بخش دوم، نقش رمزارزها در دو سطح (عمومی و اختصاصی) بیان گردیده است.

۱- فن آوری بلاک چین^۱ و رمزارزها

بحث از فن آوری های نوین در رشته ای حقوق و به ویژه در حقوق جزا و جرم شناسی لزوم آن را به همراه دارد تا یک سری مباحث مقدماتی راجع به موضوع اصلی طرح شود. این روش در دادگاه ها نیز کاربرد دارد که در آن عده ای از متخصص های فن آوری در قضیه های مربوطه مباحث مقدماتی را جهت ایجاد درک برای هیأت قضایی و حضار دادگاه ارائه می کنند. لزوم طرح چنین مقدمات در هر بحث، به خاطر تخصصی شدن هر چه بیشتر مشاغل، نیاز به توجیه ندارد. حتی در رشته حقوق، از اهالی یک گرایش توقع نمی رود تا بر گرایش دیگری تسلط داشته باشد؛ و چنین توقع راه را به جایی نمی برد. بنابراین، در این پژوهش نیز لازم است تا یک سری از مباحث مربوط به فن آوری بلاک چین و رمزارزها توضیح داده شود تا مباحثی مربوط به نقش رمزارزها در تسهیل ارتکاب جرایم سایبری، به طور باید آن درک شود.

۱-۱- ظهور و مفهوم^۲

یکی از مسائلی که در عرصه فن آوری اطلاعات و ارتباطات مزایا و معایبی را به همراه دارد، عدم قطعیت داده ها و اطلاعات یا به عبارت دیگر، اصل تغییر پذیری داده ها و اطلاعات الکترونیکی

1. Blockchain technology

2. Emergence and concept

است. این اصل به مردم امکان ایجاد، ویرایش، تغییر، رونوشت، حذف و ... داده‌ها و اطلاعات الکترونیکی را فراهم می‌کند که بر مبنای آن می‌توانند به عنوان مثال یک فایل متن را در نرم افزار ورد^۱ بارها و بارها بازنویسی کنند. از طرف دیگر، بر اساس همین اصل تغییرپذیری داده‌ها و اطلاعات کامپیوتری است که میلیاردها کامپیوتر در سراسر جهان به ویروس آلوده می‌شوند. بدافزارهای باج‌گیر که کامپیوترهای مردم را قفل می‌کنند و تنها در صورت ارسال پول به مجرمان سایبری باز می‌شوند، نیز از این اصل بهره می‌برند. برای مبارزه با ویروس، بدافزار و ... برنامه‌های ضدویروس^۲ عرضه شده است. اما اهالی فن آوری اطلاعات و ارتباطات به دنبال راه بهتری برای تأمین امنیت داده‌ها و اطلاعات کامپیوتری رفتند که نتیجه آن اختراع فن آوری بلاک‌چین بوده است. فن آوری بلاک‌چین در سال ۲۰۰۸ [میلادی] توسط سنتوشی ناکاموتو^۳ اختراع شد (Gupta et al., 2020, p. 1) تا معاملات مربوط به رمزارز بیت‌کوین^۴ و تاریخچه آن، از تغییر در امان باشد. این فن آوری باعث شد تا رمزارزها در جامعه و بازارهای مالی برای خود جا باز کنند و توجه کشورها، سازمانها، تجار و افراد را به خود جلب کنند. در این مرحله از بحث ممکن است پرسیده شود که مفهوم بلاک‌چین را چگونه می‌توان درک کرد؟ بلاک‌چین در زبان انگلیسی از دو واژه ترکیب شده است. بنابراین، باید معنای آنها را در زبان انگلیسی جست‌وجو کرد. واژه اولی بلاک [Block] است و بر اساس آنچه در فرهنگ لغت برخط میریم ویبستر^۵ آمده، عمدتاً به دو معنا به کار می‌رود: (۱) مانع، (۲) قطعه‌ای مکعبی که از چیزی پر می‌شود (Block | Definition of Block by Merriam-Webster, n.d). واژه دومی [Chain] است که بر اساس فرهنگ لغت مزبور به معنای زنجیر آمده است. با ترکیب این دو واژه می‌توان مفهوم ابتدایی بلاک‌چین را درک کرد که از منظور از آن مکعب‌های است که به صورت زنجیری اطلاعات را در خود جا می‌دهند. بلاک‌چین در فرهنگ لغت ویبستر چنین تعریف شده است: «یک پایگاه داده دیجیتالی حاوی اطلاعات (مانند سوابق معاملات مالی) که می‌تواند همزمان در یک شبکه بزرگ غیرمتمرکز و در دسترس عموم استفاده و به اشتراک گذاشته شود» (Blockchain | Definition of Blockchain by Mer-)

1. Microsoft Office Word

2. Antivirus

3. Santoshi Nakamoto

4. Bitcoin

5. Merriam-Webster online dictionary

(.riam-Webster, n.d). همانطور که پیداست آنچه به داده‌ها امنیت می‌دهد، غیرمتمرکز بودن آنها به عبارت دیگر همگانی بودن آنها است. هیچ نهاد مرکزی مثل وجود ندارد تا بتواند در سوابق داده‌ها تغییری ایجاد کند. رمزارزها از این فن‌آوری برای ضبط و حفظ سوابق معاملات استفاده می‌کنند که نه تنها قابل تغییر نیستند؛ بلکه برای همگان آشکار هستند.

۱-۲-: عملکرد و کاربرد^۱

در فضای سایبر، همه چیز در شکل الکترونیکی قرار دارد؛ از کتاب، مقاله، مجله، اخبار تا موسیقی، سینما و ... که در واقع در قالب عدد صفر و یک خلاصه و در پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی ذخیره می‌وند. صفر و یک زبان کامپیوتر است و هر فرمانی را که به آن ترجمه شود، اجرا می‌کند. زبان‌های مختلف برنامه‌نویسی در آخرین مرحله جهت اجرا به صفر و یک ترجمه می‌شوند. بنابراین، مشخص است که عوض کردن اندکی از داده‌ها چه تغییر بزرگی می‌تواند در عملکرد شبکه‌های کامپیوتری در سراسر جهان ایجاد کند.

در بدترین وضعیت می‌توان رخنه‌گری^۲ را مثال زد که به شبکه کامپیوتری یکی از بیمارستان‌ها حمله می‌کند و به‌طور تصادفی تغییراتی را در داده‌ها و اطلاعات سیستم کامپیوترهای بیمارستان ایجاد می‌کند؛ در نتیجه این تغییر ممکن است سوابق پزشکی بیماران عوض شود و در مواردی باعث تجویز داروی اشتباه به آنان شود و یا مقدار داروی تجویز شده کم و زیاد شود و ... این مثال به خوبی واضح می‌سازد که امنیت داده‌ها و اطلاعات در فضای سایبر چقدر اهمیت دارد. این اهمیت وقتی برجسته می‌شود که هرروز زندگی انسانها بیش و بیشتر به فضای سایبر و پایگاه‌های اطلاعاتی وابسته می‌شود. از اینرو، فن‌آوری بلاک‌چین ابزاری است که می‌تواند این چنین خطرات را در بدترین وضعیت کنترل کند.

توصیف عملکرد فن‌آوری بلاک‌چین به زبان فن‌آوری پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را به‌صورت کامل و با جزئیات ارائه کرد؛ البته، حجم این پژوهش نیز برای ارائه همچنین اطلاعاتی یاری نمی‌کند. اما به زبان ساده می‌توان گفت که بلاک‌چین نوعی از پایگاه اطلاعاتی چندلایه است که داده‌ها و اطلاعات را در لایه‌های مختلف می‌پیچاند، خرد می‌کند و در بلاک‌ها

1. Operating and usage

2. Hacker

(ذخیره‌گاه‌های داده‌ها) می‌تواند جابجا می‌کند؛ و در نهایت به کاربرانی که در شبکه آن پایگاه حضور دارند، می‌فرستد. وقتی یک بلاک پر از اطلاعات شد، به زنجیره وصل می‌شود و تغییر، حذف، ویرایش و... آن غیرممکن می‌شود (Gupta et al., 2020, p. 2)). در مثالی که زده شد، این فن‌آوری به بیمارستان‌ها کمک می‌کند تا مانع رخنه‌گرها از ایجاد تغییر در سوابق پزشکی بیماران شوند.

فن‌آوری بلاک‌چین در بخش‌های مختلف کاربرد دارد. در حال حاضر مهمترین کاربرد آن در حوزه رمزارزها قابل توجه است که باعث می‌شود تا داده‌ها و اطلاعات مربوط به معاملات و انتقالات رمزارزی از تغییر، حذف و ... در امان باشد. بشر می‌تواند از این فن‌آوری در بخش‌های مالی، درمانی، علمی و صنایع مختلف از جمله سیستم‌های هوشمند و نیمه هوشمند خودکار استفاده کند. یکی از مسائل جدی امروزی که مربوط به حقوق محیط زیست است؛ گرمایش زمین و حرکت به سمت خودکارسازی خودرو و هواپیما است. برای اینکه سیستم خودکارسازی ایمن از رخنه‌گری و خرابکاری اهالی فن‌آوری و مجرمان سایبری باشد، نیاز است تا از فن‌آوری بلاک‌چین استفاده شود. با استفاده از این فن‌آوری امنیت به سطحی بلند می‌رود که مسافران خودروها، هواپیماها، قطارها و ... خود را ایمن احساس می‌کنند. البته، در مورد اینکه در آینده فن‌آوری بلاک‌چین چقدر پیشرفت خواهد کرد و در چه زمینه‌های آن استفاده خواهد شد، نمی‌توان پیش‌بینی کرد. همچنین نمی‌توان گفت که این فن‌آوری چه نقاط ضعفی دارد؛ تنها زمان پاسخ این سؤال را می‌تواند ارائه کند.

۳-۱- رابطه فن‌آوری بلاک‌چین و رمزارزها

در مباحث قبلی در مورد فن‌آوری بلاک‌چین توضیحات لازم ارائه گردید. اما در اینجا به این سؤال پاسخ داده می‌شود که این فن‌آوری با رمزارزها چه ارتباطی دارد؟ بیان شد که فن‌آوری بلاک‌چین، در واقع، به مفهوم دقیق کلمه یک پایگاه اطلاعاتی الکترونیکی است. امروزه، پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی در سراسر دنیا وجود دارد و برای بهره‌برداری در فضای سایبر در دسترس همه شبکه‌وندان قرار گرفته‌اند. در پایگاه‌های اطلاعاتی، داده‌های مختلفی جا داده می‌شود؛ از داده‌های پزشکی تا داده‌های هویتی و ...

آنچه باعث ایجاد ارتباط میان بلاک چین و رمزارزها گردیده است؛ ضرورت رمزارزها به پایگاه اطلاعاتی امن است. پول‌های مروج امروزی از جمله: تومان، دلار، یورو و ... همه معتبر هستند و ارزشها آنها متغیر است. چون، دولت‌های پشتیبان آنها از قدرت و اعتماد یکسان در سطح بین الملل برخوردار نیستند. فلسفه جرم‌انگاری جعل پول و ارزش پول با هم مرتبط هستند. پولی که جعل شود، اعتماد عمومی به آن و همینطور به تبع آن ارزش آن پول را در بازارهای جهان کاهش می‌دهد. برای جلوگیری از این وضعیت، دولت‌ها مجازات شدیدی را برای جعل پول وضع می‌کنند؛ در واقع، به معنی دقیق کلمه با وضع مجازات شدید و اعمال قدرت، اعتماد عمومی و ارزش پول خود را بلند می‌برند.

رمزارزها به عنوان پول دیجیتال، الکترونیک هستند، و متعلق به هیچ دولت و ملتی نیستند تا وجود و امنیت آن را تأمین کند بلکه به وجود کاربران وابسته هستند. همین الکترونیک بودن آنها باعث می‌شود تا به ماشین‌های محاسبه کننده از جمله کامپیوترها وابستگی داشته باشند. چون، کامپیوترها تأمین کننده امنیت رمزارزها هستند. یکی از دلایل گرایش اشخاص حقوقی و حقیقی به استفاده از رمزارزها امنیت بالای آنها است. همچنین، از آنجا که برخلاف بانک‌نوت‌ها ماهیت فیزیکی ندارند، برای حضور خود نیاز به پایگاهی دارند تا در آن خود را جا بدهند.

بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان به سادگی فهمید که وجود رمزارزها مشروط به وجود پایگاه‌های اطلاعاتی امثال فن‌آوری بلاک چین است. این رابطه یک‌طرفه است. به این معنا که بلاک چین بخشی از رمزارزها نیست اما رمزارزها به عنوان ارز دیجیتال که الکترونیک هستند، به بلاک چین وابسته هستند. در کل، می‌توان گفت که وجود رمزارزها را بدون وابستگی به پایگاه اطلاعاتی، برخلاف بانک‌نوت‌ها، نمی‌توان تصور کرد. بنابراین، رمزارزها از فن‌آوری بلاک چین به چندمنظور استفاده می‌کنند که مهمترین آنها عرض حضور، ضبط داده‌ها و اطلاعات مربوط کاربران، ضبط داده‌ها و اطلاعات مربوط به انتقال ارز و ضبط داده‌ها و اطلاعات مربوط به محاسبات (استخراج) است.

۲- رمزارزها

در جوامع پیچیده‌ای امروزی، پول نقش اساسی دارد. پول، اشخاص را در طبقه‌های مختلف اجتماعی (فقیر، متوسط و ثروتمند) قرار می‌دهد و ... بنابراین، نمی‌توان نقش آن را نادیده گرفت. در این مبحث، نخست به موضوع ظهور و مفهوم رمزارزها پرداخته می‌شود؛ سپس، عملکرد

و کاربرد آنها شرح داده می‌شود و در نهایت جایگاه رمزارزها در ایران نشان داده می‌شود.

۲-۱- ظهور و مفهوم

در گذشته وابستگی انسانها به یکدیگر برجسته بود؛ چون، با تبادل محصولات و خدمات، به اقتصاد جامعه رنگ می‌دادند. در این دوره، اخلاق و اعتماد نقش مهمی داشته است؛ پزشک به دهقانی که بیمار بود، به این خاطر کمک می‌کرد تا در زمان برداشت محصول، به او گندم بدهد. کفاش به این خاطر به چوپان کفش می‌ساخت که چوپان از گوسفندهای او نگهبانی کند و... تا اینکه پول اختراع شد. با در نظر داشت پول‌های ملی که متعلق به هر دولت-ملت‌ها است؛ این ادعا که پول توانسته اعتماد انسانهای با دین، زبان، قوم، ملت و ... مختلف را جلب کند؛ ادعای در خور توجه و تأمل است. چون، امروزه، رمزارزها برخلاف سایر انواع پول، متعلق به هیچ دولت و ملتی نیستند. اگر اقتصاد به‌طور خلاصه تعریف شود؛ می‌توان گفت که «منطق بهره‌گیری از منابع محدود» (Bailey et al., 1995, p. 34) است؛ بنابراین، مصارف و هزینه‌های مربوط به بانک‌نوت‌ها، خود نقصی در اقتصاد فعلی به‌شمار می‌رود که باید برطرف شود. رمزارزها به مفهوم واقعی آن، توانسته‌اند از هزینه‌های مربوط به بانک‌نوت‌ها جلوگیری و حتی مرزهای سیاسی را که در پول کاغذی برجسته است، پاک کنند. وقتی تاجری دلار می‌خرد، قطعاً نگران قدرت و امنیت ایالات متحده آمریکا می‌شود. چون، ضعف آمریکا باعث کاهش ارزش دلار و در نهایت وارد شدن ضرر به تاجر می‌گردد. در نقطه‌ای مقابل، رمزارزها چون به هیچ دولت و ملتی وابسته نیستند، وابستگی تاجر به سیاست‌مدارها و دولت‌ها را کاهش می‌دهند. به عبارت دیگر، رمزارزها، پولی هستند که توان ایجاد اتحاد و اعتماد جهانی را دارند.

رمزارزها^۱ که تحت عنوان ارز دیجیتال نیز معروف هستند، شکل نوینی از پول محسوب می‌شوند. اصطلاح «رمزارز» برگردان اصطلاح انگلیسی [Cryptocurrency] است. واژه انگلیسی مزبور در فرهنگ لغت انگلیسی ویبستر به معنای «شکلی از ارز که به‌صورت دیجیتال وجود داشته باشد...» (Cryptocurrency | Definition of Cryptocurrency by Merriam-Webster, n.d) آمده است. اگر اصطلاح مزبور از بعد ترکیبی تعریف شود؛ می‌توان نخست آن را به «رمز» و «ارز» تقسیم کرد. فلسفهٔ چسپاندن واژه رمز به ارز، در واقع، اشاره به ساختار و امنیت آن

دارد. یعنی، رمزارزها، ارزهای دیجیتال یا الکترونیکی مبتنی بر رمزنگاری هستند. رمزنگاری^۱ فن حفاظت از اطلاعات است. تاریخ آن به گذشته‌های دور بر می‌گردد ولی در عصر حاضر بیشتر مبتنی بر فن‌آوری است. علت چسپاندن واژه «رمز» به «ارز» در واقع ناشی از آن است که رمزارزها از آنجا که حامی ندارد، از رمزنگاری استفاده می‌کند تا از تقلب، فریب و ... در امان باشد. همین امنیت آن است که باعث شده تا روزافزون صاحبان شرکت‌های بزرگی از جمله تسلا^۲ که ایلن ماسک^۳ است، هوادار آن شود. از زمان ایجاد رمزارز بیت‌کوین توسط ساتوشی ناکاموتو، انبوهی از رمزارزهای دیگر ظهور کرده است که از میان آنها بیت‌کوین پرکاربردترین رمزارز است (Reddy & Minnaar, 2018, p. 72).

۲-۲- عملکرد و کاربرد

نظام بانکداری که ابزار و محصول مهم آن بانک‌نوت است؛ به‌صورت نظام متمرکز و کنترل شده عمل می‌کند. همچنین، تابع سیاست دولتها است. ارزش پول سنتی مبتنی بر قدرت دولتها؛ و درخواست بانک‌نوت آنها در بازارهای مالی جهان است. جرم جعل پول بیش از آنکه جرم اقتصادی باشد، جرم سیاسی‌ست؛ چون، به قدرت دولتها آسیب می‌زند. به همین خاطر، یکی از عناصر تعیین ارزش پول هر کشور، میزان قدرت سیاسی آن در سطح بین‌الملل است اما رمزارزها نه‌تنها تابع قدرت دولتها نیستند بلکه متأثر از آنها نیز نیستند. به عبارت دیگر، رمزارزها هیچ قدرت سیاسی را پشت سر خود ندارند تا از ارزش آنها دفاع کند بلکه مبتنی بر فن‌آوری بلاک‌چین اند که امکان جعل آنها را به میزان قابل توجهی در حد صفر می‌رساند و همین امر باعث می‌شود تا از قدرت سیاسی دولتها بی‌نیاز باشند.

رمزارزها سوابق خود را با ایجاد یک دفتر کار برخط و یک دفتر معاملات برخط با استفاده از بلاک‌چین حفظ می‌کنند. بلاک‌چین ضبط‌های دیجیتالی ایجاد می‌کند - از معاملات، گواهینامه‌ها یا قراردادهای - که فقط می‌تواند به آنها اضافه شود، نه اینکه تغییر کند یا حذف شود. تبدیل کنندگان رمزنگاری ادعا دارند این روش ثبت تراکنش^۴ مستقل بسیار ایمن‌تر از سوابق

1. Cryptography

2. Tesla

3. Elon Musk; CEO of Tesla and SpaceX company

4. Transaction

کاغذی یا حساب‌های دیجیتال سازمانی است که می‌تواند هک شود. برخلاف ارزهای سنتی، رمزارزها فقط به عنوان سابقه مالکیت دیجیتالی مشترک ذخیره شده در بلاکچین وجود دارد. وقتی کاربری می‌خواهد رمزارز را برای کاربر دیگری ارسال کند، آن را به کیف پول دیجیتال آن کاربر ارسال می‌کند. این معامله تا زمانی که تأیید نشود و از طریق فرایندی به نام استخراج به زنجیره بلوک اضافه نشود، نهایی شناخته نمی‌شود. همچنین به همین ترتیب نشانه‌های رمزارز جدید ایجاد می‌شود.

رمزارزها در حال حاضر دو کاربرد دارد؛ (۱) به عنوان سرمایه مطرح است؛ (۲) به عنوان روش پرداخت مطرح است. بعضی از مردم رمزارزها را خرید می‌کنند تا با بلند رفتن قیمت آن را بفروشند و سود کسب کنند؛ بعضی دیگر، از آن به عنوان روش پرداخت جهت خرید و فروش استفاده می‌کنند. توقع می‌رود، در آینده نه چندان دور، به لحاظ اقتصادی این رمزارزها جانشین بانک‌نوت‌ها شود.

۲-۳- جایگاه رمزارزها در ایران

از مهمترین آورده‌های فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، «سرعت» است. امروز، از فرهنگ تا اقتصاد و سیاست؛ همه متأثر از سرعتی‌اند که فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات به وجود آورده است. در حوزه جرم‌شناسی این سرعت آنچنان تأثیرگذار بوده است که می‌تواند در کمترین زمان یک رفتار نابهنجار را در جامعه (حتی در سطح جهانی) به رفتار به‌هنگار تبدیل کند. نمونه این تأثیر را می‌توان در فضای سایبر (به ویژه در سطح رسانه‌ها) از جهت گرایش کشورها به قانونی کردن همجنس‌گرایی مشاهده کرد؛ عملی که در گذشته در همه جوامع (حتی در یونان به عنوان بستر همجنس‌گرایی که از آن به عنوان عشق افلاطونی نیز یاد می‌کنند) شنیع اما امروز قانونی محسوب می‌شود. این قانونی‌سازی بیش از هرچیز بستگی به سرعت تبادل اطلاعات و غول‌های تبادل‌کننده اطلاعات دارد.

رمزارزها نیز به وسیله سرعت اطلاعات و ارتباطات در کشورهای مختلف تبلیغ شدند؛ و مردم بیش از اینکه به آنها به عنوان پول الکترونیکی نگاه کنند، به عنوان سرمایه نگاه کردند.

نمونه برجسته برای اثبات این ادعا توویت‌های ایلان ماسک^۱ (بنیانگذار شرکت اسپیس اکس^۲ و هیأت مدیره شرکت تسلا موتورز^۳) است که قیمت رمزارزها با هر توویت او بالا و پایین می‌رفت. این تأثیر از جهت پذیرش یا عدم پذیرش رمزارزها به عنوان پرداخت توسط شرکت‌های بوده است که ایلان ماسک در رأس آنها قرار داشته است.

ایران، مثل دیگر کشورها استثناء از موضوع تأثیرپذیری سرعت تبادل اطلاعات نیست. در ایران نیز افراد و حتی سازمان‌هایی وجود داشته و دارند که در پی سرمایه‌گذاری (خرید و فروش) رمزارزها به ویژه بیت‌کوین بوده اند. اما به خاطر اینکه رمزارزها با سرعت بسیار بالایی به جوامع تزریق شد، مقامات کشورها به ویژه مقامات قانونگذاری و اجرایی (به شمول ایران) در امر مواجه شدن با رمزارزها نتوانستند موضع مشخصی اتخاذ کنند؛ بنابراین، رفتارهای ضد و نقیض از طرف حکومت و قوه قانونگذاری ایران ظهور کرده است. در حالی که دولت ایران زمینه فعالیت استخراج رمزارزها را برای چینی‌ها در سرزمین ایران فراهم کرده است (استخراج بیت‌کوین در ایران؛ از "دور زدن تحریم" تا ورود نهادهای دولتی - *BBC News* فارسی، *n.d.*)؛ به صورت قانونی در امر چگونگی پذیرش یا عدم پذیرش رمزارزها سندی را به تصویب نرسانده است. در یک مورد بیان شده که «بانک مرکزی اعلام کرد به کارگیری بیت‌کوین و سایر ارزهای مجازی در تمام مراکز پولی و مالی کشور (ایران) ممنوع است.» (بیت‌کوین چیست و چه کسانی در ایران در حال استخراج آن هستند؟ / *اقتصاد* / *DW* / ۱۹، ۲۰، ۲۸، *n.d.*) اما بعضی از کشورهای دیگر، از جمله اسلوادور به صورت قانونی رمزارزها را پذیرفته و آن را به عنوان ارز قانونی به رسمیت شناخته است. (Bitcoin: El Salvador Makes Cryptocurrency Legal Tender - *BBC News*، *n.d.*) پذیرش یا عدم پذیرش رمزارزها در ایران بدون تردید با بحث‌های جنایی نیز پیوند دارد؛ از جمله آنها پیوستن یا نپیوستن ایران به سازمان اف‌ای‌تی‌اف^۴ است که به ویژه در حوزه مبارزه با پول‌شویی فعالیت می‌کند. پیوستن ایران به این سازمان یک سری از تعهدات را برای ایران به بار خواهد آورد که یکی از آنها مربوط به شناسایی (در صورت شناسایی باید مقررات گذاری کند) یا عدم شناسایی (تصویب قانون در جهت عدم پذیرش رمزارزها) رمزارزها خواهد بود. آنچه تا کنون

1. Elon Musk

2. SpaceX

3. Tesla Motors

4. FATF (Financial Action Task Force)

واضح است این است که دولت ایران ضمن رفتارهای متناقض موضع مشخصی در این زمینه ندارد؛ با این حال، مردم به استخراج رمزارزها در ایران رو آورده اند و ادامه می دهند.

۳- نقش عمومی رمزارزها در تسهیل ارتکاب جرایم سایبری

نقش عمومی رمزارزها واجد شرایطی است که به صورت عمومی زمینه را برای تسهیل ارتکاب جرایم سایبری فراهم می کند.

۳-۱- دسترسی عمومی

دسترسی عمومی باعث می شود تا هر شخص (مجرم یا غیرمجرم) با هر زمینه (مجرمانه یا غیرمجرمانه) به رمزارزها دسترسی داشته باشد. این دسترسی عمومی باعث می شود تا هدف مجرمها گسترده شود؛ هر قدر که مردم به طور فزاینده از رمزارزها استفاده کنند، به همان اندازه توجه مجرمان سایبری را جلب می کنند و می توانند از قربانی های بیشتری سرقت و اخاذی کنند. واضح است که دسترسی عمومی به رمزارزها از یک سو امکان استفاده از آن را برای هر شخص بدون در نظر داشت هر چیزی فراهم می کند و از طرف دیگر استفاده فزاینده از آن به افزایش تعداد هدفها و در نهایت بزه دیدگان سایبری می انجامد.

۳-۲- دسترسی آزاد

امروز، بانکها اطلاعات انبوهی از مردم را در اختیار دارند. زمانی که شخصی می خواهد حساب بانکی باز کند، مکلف است تا بر اساس قرارداد با بانک یک سری از اطلاعات هویتی را ارائه کند. این الزام برای تأمین امنیت است؛ و جنبه مبارزه با سوء استفاده ها از جمله پول شویی نیز دارد. اما رمزارزها اینگونه نیست. هر شخص با نصب نرم افزارهای رایگان که توسط رمزارزها به صورت رسمی و توسط سایر توسعه دهندگان نرم افزاری به صورت غیررسمی ارائه می گردد، می تواند بدون ارائه هیچ نوع سند هویتی یا اطلاعات در باره هویت خود، حساب باز کند و به تبادل رمزارزها بپردازد. این دسترسی آزاد در سه سطح فضای سایبر (وب تاریک ۱، وب میانه ۲ و وب

۱. - Dark-web

۲. - Deep-web

سطحی^۱) وجود دارد. آنچه اهمیت دارد، وجود این دسترسی در وب تاریک است. وب تاریک را باید آشیانه مجرمان سایبری خواند؛ چون، در این فضا بازارهای سیاه مختلفی از جمله راه ابریشم^۲ وجود دارد که به عرضه خدمات و اجناس مجرمانه مشغول اند (Stroukal & Nedvěďová, 2016, p. 220) - آنچه مورد توجه است، این است که روش پرداخت در بازارهای سیاه در وب تاریک، عموماً رمزارزها است. در میان رمزارزها، رمزارز بیت کوین در صدر تمامی رمزارزها قرار دارد. به نظر می‌رسد رمزارزها برای مجرمان سایبری صرفاً به حیث روش پرداخت مطرح نیست؛ بلکه بالای آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. برای اثبات این ظن می‌توان به تهدیدی که از سوی گروه رخنه‌گر آنانیموس^۳ برای ایلان ماسک اعلام شد، اشاره کرد. فردی به نمایندگی از این گروه رخنه‌گر ایلان ماسک را تهدید کرده است که در صورت اثرگذاری بر نرخ رمزارزها از طریق توویت کردن، به او ممله خواهند کرد (Hacking Group Anonymous Issues Warning to Elon Musk Claim-).
(ing Too Much Power Influence Bitcoin Prices | Daily Mail Online, n.d).

۳-۳- دسترسی از راه دور

اگرچه در عکس برای خرید، فروش، تبادل پول و ... نیاز به حضور فیزیکی بود. اما امروز بانکداری برخط و فروشگاه‌های برخط این سهولت را ایجاد کرده اند تا مردم بدون نیاز به حضور فیزیکی بتوانند به خرید، فروش و معامله پولی بپردازند. به این معنا که بانک‌ها دسترسی از راه دور را به مشتریان خود فراهم کرده اند. از سوی دیگر، رمزارزها نیز چنین سهولتی را به کاربران خود ارائه کرده اند. اما تفاوت چیست؟ واضح است که دسترسی از راه دور به حساب رمزارزی و بانکی به هیچ عنوان در یک سطح قرار ندارد؛ دسترسی از راه دور به حساب بانکی، اولاً، خطرات بسیاری از جمله قربانی شدن را به همراه دارد که ممکن است رمز و اسم حساب کاربری شخص دزدیده شود. ثانیاً بانک‌ها برای انتقال پول به حساب دیگران به منظور خرید، فروش و ... یک سری شرایطی دارند. بعضی از بانک‌ها حداقل و حداکثر مشخصی از مبلغ را تعیین کرده اند که با دسترسی از راه دور قابل انتقال است. یکی از علت‌های ایجاد این محدودیت مبارزه با تمویل مالی

1. Surface-web

2. Silk Road

3. Anonymous (A group of hackers/Hacktivists)

تروریسم بیان شده است که ویسترن یونیون^۱ نمونه‌ای از آن است.

در آن‌سو، رمزارزها هیچ محدودیتی برای دسترسی از راه دور و همین‌طور فعالیت‌های تابع آن وضع نکرده‌اند. هر شخص می‌تواند در کمتر از چند ثانیه تمام پول خود را به هر حسابی که خواسته باشد (حتی ناشناخته) بفرستد و حساب خود را صفر کند. در حالی که چنین امکان در بانک‌ها با موانع بسیاری از جمله پالیسی بانکداری مواجه است. این سهولت باعث می‌شود تا مجرمان سایبری از هر نقطه جهان بدون نیاز به ارائه هیچ گونه سند هویتی یا اثباتی، بتوانند پول سیاه خود را مدیریت کنند و به خرید، فروش و معامله بپردازند.

۳-۴- ناشناختگی و امنیت پولی

امروز، فضای سایبر آلوده به ناشناختگی است. مجرمان سایبری در صدرگروه‌های قرارداد که همیشه در پی ناشناخته بودن‌اند. ناشناختگی آنان را از دستگیری ایمن می‌سازد؛ و همین‌طور باعث می‌شود تا منابع ناپاکی را که از طریق ارتکاب جرایم سایبری به دست می‌آورند، به صورت ناشناس مصرف کنند یا تبدیل به پول سفید کنند. به این منظور، ارتباط برجسته‌ای میان اهداف آنها در فضای سایبر و ناشناختگی و امنیت پولی رمزارزها مورد توجه قرار می‌گیرد.

از یک طرف، رمزارزها کاملاً ناشناس است. از طرف دیگر، کاملاً شفاف و قابل ردیابی است. ناشناس است به این معنا که می‌توان آدرس رمزگذاری شده‌ای را نگه داشت بدون اینکه چیزی در مورد هویت در آن آدرس فاش کرد. یک نفر می‌تواند چندین آدرس داشته باشد و از لحاظ نظری چیزی برای پیوند دادن این آدرس‌ها با یکدیگر یا نشان دادن مالکیت آن شخص وجود ندارد. ارسال و دریافت رمزارز مانند نوشتن با نام مستعار است. اگر نام مستعار نویسنده‌ای با هویت وی مرتبط باشد، هر آنچه را که تحت این نام مستعار نوشته به هم مرتبط می‌شود.

تعدادی رمزارزها با سطح متفاوتی از حریم خصوصی و ناشناس ماندن در ابتدای کار ساخته شده است. رمزارز زی‌کش^۲ و مونرو^۳ از این جمله‌اند. زی‌کش دارای برخی از ویژگی‌های حفظ حریم خصوصی عالی برای محافظت از معاملات است. با این حال، این ویژگی‌ها باید توسط

1. Western Union

2. ZCash

3. Monero

کاربران فعال شوند و تحقیقات نشان داده است که تنها بخش بسیار کمی از معاملات دارای این ویژگی‌ها هستند. حریم خصوصی در مورد بلاکچین زمانی افزایش می‌یابد که بیشتر یا همه معاملات خصوصی باشند. مونپرو دارای ویژگی‌های حریم خصوصی برای همه معاملات و بلاکچین است که به معنای ناشناس بودن قابل توجهی است.

وقتی صحبت از مراحل خرید و فروش می‌شود، انجام این کار به صورت ناشناس بسیار دشوار است. از آنجا که اکثر مبادلات اکنون مشاغل ثبت شده و تنظیم شده هستند، آنها سوابق ارسال وجوه به کیف پول رمزارز (نوعی برنامه) را ثبت می‌کنند. با این حال، برخی از خدمات وجود دارد که خریداران و فروشندگان را برای معاملات حضوری پول نقد، مطابقت می‌دهند. اولین و مشهورترین این خدمات لوکال بیت‌کوین^۱ است - سایتی بی نظیر برای مبادله ارز رمزنگاری شده است. با این حال، ناشناخته‌ترین شکل مبادله - ملاقات با یک غریبه و تحویل وجه نقد در ازای رمزارز - به دلیل پیروی روزافزون سازمانها و کشورها از رمزارزها خطرناک است. چون، ممکن است افراد خوب با افراد بد مواجه و قربانی کلاهبرداری یا زورگیری شوند.

در کل می‌توان گفت که معاملات رمزارزها قاعداً ناشناس نیست؛ چون، این موضوع بستگی به امنیت آن دارد که بدون آن نمی‌تواند امنیت داشته باشد. اما اشخاصی که از حساب‌های رمزارزها استفاده می‌کنند به طور قطع ناشناس باقی می‌مانند - البته تا زمانی که خودشان را علنی نکنند. حتی در صورت علنی کردن هویت خود و آدرس رمزارزی که از آن استفاده می‌کند؛ می‌تواند در چند دقیقه یک یا چند حساب رمزارزی دیگر بسازد و تمام پول را به آنها منتقل کند. این فنی‌ست که در حال حاضر توسط مجرمان سایبری به کار گرفته می‌شود تا ردیابی را دشوار کنند.

۳-۵- امنیت پولی

امنیت پولی بیش از هر چیز وابسته به قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی است. وقتی دولتی سقوط می‌کند، ارز آن نیز سقوط می‌کند و اشخاصی ارز آن کشور را خریداری کرده باشند، متحمل ضرر هنگفتی می‌شوند. به این منظور، افراد همیشه به دنبال ارزهای اندک از پشتوانه قدرتمندی برخوردار باشد. در حال حاضر می‌توان به دلار و یورو به عنوان ارزی که از پشتوانه

سیاسی قدرتمندی برخوردار است؛ اشاره کرد. اما رمزارزها بیش از هر چیز متکی بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات هستند. از آنجا که فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، جد از اینکه پشتیبانی جهانی را به همراه دارد، در صورتی که وضعیتی پیش بیاید که فن‌آوری آسیب ببیند، رمزارزها نیز سقوط می‌کند. پشتوانه بنیادی فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، ماهواره‌های است که با یک باران شهابی نه چندان جدی یا به هر دلیل دیگری می‌توانند تخریب شوند و به تبع آنها ارزش رمزارزها سقوط کنند. پس از این جهت رمزارزها از امنیت خوبی برخوردار اند که خطر آن مساوی با تخریب پایگاه‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی است.

در کنار احتمال مزبور، مورد دیگری نیز وجود دارد که در مرز میانی احتمال و یقین قرار دارد؛ دقیقاً جایی که ریسک کردن روی صحنه می‌آید. ممکن است با سرمایه گذاری در رمزارزها در سال ۲۰۲۱ ثروت به دست آورد. اما همچنین می‌توان تمام پول خود را از دست داد. چگونه هر دو می‌توانند درست باشند؟ سرمایه گذاری در دارایی‌های رمزنگاری خطرناک است اما به طور بالقوه بسیار سودآور است. اگر خواست این باشد که مستقیماً در معرض تقاضای ارز دیجیتال قرار گرفته شود، سرمایه خوبی است، در حالی که گزینه‌ای امن تر اما بالقوه کم سود، خرید سهام شرکت‌های دارای رمزارزی است. صرافی‌های رمزارزی، بیش از بورس سهام، در معرض هک شدن و تبدیل شدن به اهداف دیگر فعالیت‌های جنایی قرار دارند. این نقص امنیتی منجر به ضررهای قابل توجهی برای سرمایه‌گذارانی شده است که ارزهای دیجیتالی آنها به سرقت رفته است. بنابراین، در کل می‌توان گفت که رمزارزها در عین حال که ایمن اند، پرخطر نیز اند.

۴- تابع نظام بازار آزاد و ابزار مطمئن برای معامله و پولشویی

رمزارزها از این جهت که به عنوان پول مطرح اند؛ در بازار جایگاه خود را یافته اند و کشورهای مختلف هر روز در پی قانونگذاری و مقررات گذاری رمزارزها اند. یکی از دلایل قانونگذاری رمزارزها بحث استفاده مجرمانه از آنها به منظور پولشویی است.

در تحقیقات مربوط به پولشویی، همیشه یک راهبرد اصلی «تعقیب پول» بوده است؛ با توجه به اینکه جزئیات تمام معاملات بیت‌کوین در کلیه دفترداران در حساب توزیع می‌شود، تجزیه و تحلیل جریان معاملات و مقادیر، برخلاف زمان فعالیت‌های مجرمانه باید امکان شناسایی نام‌های مستعار بیت‌کوین را در این زمینه و پیگیری تاریخچه معاملات آنها را فراهم کند - پس

چالش این است که نام مستعار را به یک شخص واقعی پیوند زده شود (Brown, 2016, p. 8). با رایج تر شدن و پذیرفته شدن رمزارزها، بدون شک فرصت استفاده و تبدیل آنها به ارزهای سنتی افزایش خواهد یافت.

از موارد مهم در مورد رمزارزها، تبعیت آنها از نظام بازار آزاد است. بازار آزاد یک نظام اقتصادی مبتنی بر عرضه و تقاضا است که کنترل دولت در آن کم است یا هیچ است. بازارهای رمزارزها غیرمتمرکز اند، به این معنی که توسط یک مرجع مرکزی مانند دولت یا بانک پشتیبانی نمی شوند. در عوض، آنها از طریق شبکه‌ای از کامپیوترها اداره و اجرا می شوند. با این حال، رمزارزها را می توان از طریق صرافی ها خریداری کرد، فروخت و در کیف پول ذخیره کرد.

بازارهای رمزارزها با توجه به عرضه و تقاضا عمل می کنند. با این حال، به دلیل غیرمتمرکز بودن، تمایل دارند از بسیاری از نگرانی های اقتصادی و سیاسی که ارزهای سنتی را تحت تأثیر قرار می دهند، آزاد باشند. یکی از راه های خرید رمزارزها استفاده از صرافی ارز رمزنگاری شده است. با استفاده از صرافی می توان: برای خرید رمزارز پول بانکنوتی استفاده کرد و رمزارز را در کیف پول دیجیتالی ذخیره کرد. بعداً می توان رمزارزهای مختلف را که در صرافی موجود است تجارت کرد. استفاده از صرافی می تواند یک چشم انداز خطرناک باشد. قبل از انتخاب مبادله رمزارزها باید اطمینان حاصل کرد؛ چون، هنوز رمزارزها از حمایت قانونی کشورها و بانکها برخوردار نیستند، و در صورت قربانی شدن احتمالاً خسارت زیادی را افراد متحمل خواهد شد. به عنوان مثال، در یک مورد، دو برادر اسرائیلی به ارزش صد میلیون دلار رمزارز را با فریب دادن اشخاص در امر سرمایه گذاری روی رمزارزها، به دست آوردند که در نهایت دستگیر شدند و در مورد دیگر، ۱۰۹ فرد به اتهام فریب کاری در امر سرمایه گذاری روی رمزارزها توانستند به ارزش سه میلیارد دلار رمزارز را به سرقت ببرند (Scheau et al., 2020, p. 184) both in developed and undeveloped countries. The implementation of blockchain technologies that bring cryptocurrencies into the economy and everyday life also induce risks. Authorities are continuously concerned about ensuring balance, which is, among other things, a prudent attitude. Achieving this goal sometimes requires the development of standards and regulations applicable at the national or global level. This paper attempts to dive deeper into the worldwide operations, related to cryptocurrencies, as part of a general phenomenon, and also expose some of the intersections with cybercrime.

Without impeding creativity, implementing suggested proposals must comply with the rules in effect and provide sufficient flexibility for adapting and integrating them. Different segments need to align or reposition, as alteration is only allowed in a positive way. Adopting cryptocurrency decisions should be unitary, based on standard policies.”, “author”: [{“dropping-particle”:””, “family”:”Şcheau”, “given”:”Mircea Constantin”, “non-dropping-particle”:””, “parse-names”:false, “suffix”:””}], {“dropping-particle”:””, “family”:”Crăciunescu”, “given”:”Simona Liliana”, “non-dropping-particle”:””, “parse-names”:false, “suffix”:””}], {“dropping-particle”:””, “family”:”Brici”, “given”:”Iulia”, “non-dropping-particle”:””, “parse-names”:false, “suffix”:””}], {“dropping-particle”:””, “family”:”Achim”, “given”:”Monica Violeta”, “non-dropping-particle”:””, “parse-names”:false, “suffix”:””}], “container-title”:”Journal of Risk and Financial Management”, “id”:”ITEM-1”, “issue”:”8”, “issued”: {“date-parts”: [[“2020”, “8”, “17”]]}, “page”:”184”, “publisher”:”MDPI AG”, “title”:”A Cryptocurrency Spectrum Short Analysis”, “type”:”article-journal”, “volume”:”13”}, “locator”:”184”, “uris”: [“http://www.mendeley.com/documents/?uuid=d91230e5-82ce-311c-b685-fee9f0d50847”]], “mendeley”: {“formattedCitation”:”(Şcheau et al., 2020, p. 184

۵- نقش اختصاصی رمزارزها در تسهیل ارتکاب جرایم سایبری

در کنار مواردی که به عنوان عمومی بیان شد و به طور کلی در تسهیل ارتکاب جرایم سایبری نقش داشت؛ در این مبحث، شرایط اختصاصی بیان می شود که به طور اختصاصی باعث می شود تا کنترل از رمزارزها سلب شود. این سلب کنترل بیش از هر چیز دیگر باعث می شود تا مجرمان سایبری به سمت رمزارزها بروند و به منظور دست یابی به آن مرتکب جرایم سایبری شوند.

۵-۱- عدم تبعیت از بانکها

اساس رمزارزها و عملکرد بانکها به طور کلی متفاوت و حتی متضاد است. در حالی که بانکها مبتنی بر نظام متمرکز فعالیت می کنند و برای کنترل پایگاه واحد دارند؛ رمزارزها مبتنی

بر نظام غیرمتمرکز فعالیت می‌کنند و پایگاه واحدی ندارند. اگرچه دنیای رمزارزها به طور مداوم در حال گسترش و محبوبیت است اما بانک‌های سنتی در استفاده از این دارایی‌های دیجیتال مردد هستند - معتقدند که خطرات ذاتی آنها بیش از مزایای بالقوه آنها است. با این حال، سازمان‌های فعال در این زمینه در پی آن‌اند تا درک بانک‌ها از ارزش‌های دیجیتال را تغییر دهند، زیرا معتقدند که این دارایی‌ها می‌توانند موسسات مالی را به سمت دوره جدیدی از نوآوری و کارایی سوق دهند. «براساس مطالعه‌ای که توسط انجمن متخصصان مجاز مبارزه با پولشویی^۱ و موسسه خدمات رویال متحده (UK) انجام شده است، تقریباً ۶۳٪ از پاسخ‌دهندگانی که در صنعت بانکداری کار می‌کنند، رمزارزها را به عنوان یک خطر و نه یک فرصت معرفی می‌کنند» (How Cryptocurrencies May Impact the Banking Industry, n.d).

موقف بانک‌ها در قبال رمزارزها جالب نیست. عمدتاً بانک‌های مرکزی با تشدید نبرد بر سر نظام پولی، انتقادات خود را نسبت به ارزش‌های رمزپایه شدت بخشیده و به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که انگار رمزارزهای مانند بیت‌کوین از ویژگی‌های بازخريد چندانى برخوردار نیستند و بر خلاف مصالح عمومی کار می‌کنند. این همان ارتباطی است که رمزارزها را با جرم پیوند می‌زند. اما آنچه واقعیت امر است؛ این است که نظام بانک‌ها از لحاظ کارکرد با عملکرد رمزارزها سازگاری چندانى ندارد و بانک در این زمینه فقط در نقش صراف عمل خواهند کرد. بانک‌ها هیچ کنترلی بر رمزارزها نخواهند داشت؛ و صرفاً شبیه ناظری که نه توان و نه حق دخالت دارد، عمل خواهند کرد. بانک‌ها با درک این موضوع، به مبارزه علیه رمزارزها رو آورده و سعی می‌کنند دولتها را قانع بسازند تا مانع از به رسمیت شناختن آنها شود. آنچه واضح است این است که پذیرش جهانی رمزارزها، بانک‌ها را محو خواهد کرد و این بازار بورس و صراف‌ها خواهند بود که در جایی بالاتر از بانک‌ها حضور خواهند داشت.

۵-۲- فقدان نقش دولتها

از آنجا که بانک‌ها با پشتوانه دولتها فعالیت می‌کنند؛ با عدم تبعیت از بانکها، رمزارزها از دولتها نیز تبعیت نمی‌کنند. اما این به معنی عدم تأثیرگذاری دولتها بر رمزارزها نیست. اخیراً دولت چین خلاف رمزارزها صدا بلند کرد که منتج به کاهش ارزش رمزارز بیت‌کوین شد. بیت

1. Association of Certified Anti-Money Laundering Specialists (ACAMS)

کوپین ادعا می کند که اولین شبکه پرداخت غیرهمسان است که توسط کاربران خود بدون هیچ مرجع مرکزی و یا واسطه تأمین می شود؛ عدم وجود قدرت مرکزی (پایگاه مرکزی) دلیل اصلی ترس دولتها از رمزارزها شده است (Why Governments Are Afraid of Bitcoin, n.d).

عدم تبعیت رمزارزها از دولتها نباید با تأثیرپذیری خلط شود. دولتها توانایی اثرگذاری بر رمزارزها را ندارند اما توانایی محدودیت و نابودی آنها را دارند؛ دولتها می توانند با سد شدن، از پذیرش همگانی رمزارزها جلوگیری کنند؛ اما این سؤال که آیا دولتها چنین خواهند کرد یا خیر؟ سؤالی است که پاسخ آن را زمان خواهد داد. آنچه مسلم است؛ این است که رمزارزها آینده اقتصاد اند و نادیده گرفته شدن آنها توسط دولتها به بهانه ارتباط آنها با جرایم سایبری، فقط چرخ پیشرفت را به عقب می گرداند.

۳-۵- عدم تبعیت از قوانین ملی و بین المللی

بنابراین، رمزارزها تابع هیچ قانونی جز قوانین رمزنگاری نیستند. رمزارزها محصول فن آوری اند و آنطور که فن آوری می خواهد عمل می کنند. کشورها و همینطور اسناد بین المللی ملزم اند تا مطابق با ماهیت و عملکرد رمزارزها قانونگذاری و مقررات گذاری کنند. این عدم تبعیت رمزارزها از قوانین ملی و بین المللی حاضر که اساساً برای نظام بانکی کاربرد دارد؛ چالش جدی فراروری کشورها در سطح ملی و بین المللی ایجاد می کند. این چالش در برگیرنده پژوهش و ارائه راهکارهای مناسب در جهت نظاممندسازی فعالیت رمزارزها است که به نظر می رسد زمان گیر تر از آن است که دولتها بتوانند بدون همکاری از عهده آن بیایند.

نتیجه گیری

بر اساس آنچه بیان شد، واضح شد که رمزارزها در حال حاضر به عنوان چالش و فرصت مطرح اند؛ اما در این تردیدی نیست که زیربنای نظام پولی آینده همین‌ها اند. مهمترین چالشی که رمزارزها پیش کشیده اند؛ تسهیل ارتکاب جرایم سایبری است. تاکنون جرایم سنتی مورد توجه جرم شناسی در بعد علت شناسی و پیشگیری بوده اند؛ و کمتر راهکارهای پیشگیرانه در مورد جرایم سایبری مبتنی بر شواهد است (Williams & Levi, 2017, p. 1) که علت آن جوان بودن جرم شناسی سایبری است (França, 2017). رمزارزها از جهات مختلف با جرایم سایبری پیوند خورده اند و بنابر ماهیت و ویژگی‌هایی که دارند، باعث تسهیل ارتکاب جرایم سایبری گردیده اند. این تسهیل آثار و پیامدهایی را به دنبال دارد که به عنوان مهمترین پیامد می‌توان به گرایش مجرمان سنتی و سایبری به استفاده از رمزارزها جهت کسب درآمد از طریق ارتکاب جرایم سایبری، اشاره کرد. این گرایش با توجه به اینکه هر روز زندگی ما؛ از سیستم برق، آب، گاز و حتی امنیت، اقتصاد و ارتباطات به فن‌آوری اطلاعات وابسته شده، ضمن در نظر داشت افزایش جرایم سایبری، خسارت‌های زیادی را متوجه جوامع مختلف در سطح بین‌المللی خواهد ساخت. آنچه در این مرحله مورد توجه است؛ فرار بانک‌ها از پذیرش رمزارزها، چنددسته‌گی دولتها در امر به رسمیت شناختن رمزارزها و عدم تبعیت رمزارزها از قوانین موجود ملی و بین‌المللی در امور مالی است. مطالعات انگشت شماری نشان داده است که قانونگذاری رمزارزها می‌تواند به کاهش استفاده غیرقانونی از آنها بیانجامد. بنابراین، باید به جوامع، دولتها و بانکها پیشنهاد داد تا به جای کنار زدن رمزارزها آن را بپذیرند. کنار زدن رمزارزها، در حالی که از محبوبیت و امنیت بالای برخوردار اند، باعث می‌شود تا هرچه بیشتر تسهیل کننده ارتکاب جرایم سایبری شوند. حالا باید پرسید که چطور می‌توان بانک‌ها و دولتها را با توجه به اینکه رمزارزها با قدرت‌طلبی آنها بیگانه و حتی در تضاد اند، قانع به این کرد که رمزارزها را به رسمیت بشناسند و وارد نظام پولی جهانی کنند؟

فهرست منابع و مآخذ

۱. Bailey, R. E., Davies, G., & Chown, J. (1995). A History of Money: From Ancient Times to the Present Day. *The Economic Journal*, 105(430). <https://doi.org/10.2307/2235045>
۲. Bitcoin: El Salvador makes cryptocurrency legal tender - BBC News. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://www.bbc.com/news/world-latin-america-57398274>
۳. Bitcoin: less than 1% of illicit transactions according to Elliptic | BitcoinDynamic.com. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://bitcoindynamic.com/news/bitcoin-less-than-1-of-illicit-transactions-according-to-elliptic>
۴. Block | Definition of Block by Merriam-Webster. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://www.merriam-webster.com/dictionary/block>
۵. Blockchain | Definition of Blockchain by Merriam-Webster. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://www.merriam-webster.com/dictionary/blockchain>
۶. Bray, J. (2016). Anonymity, Cybercrime, and the Connection to Cryptocurrency [Eastern Kentucky University]. In *Online Theses and Dissertations*. <https://encompass.eku.edu/etd/344>
۷. Brown, S. D. (2016). Cryptocurrency and criminality. *The Police Journal: Theory, Practice and Principles*, 89(4), 327–339. <https://doi.org/10.1177/0032258x16658927>
۸. Cryptocurrency | Definition of Cryptocurrency by Merriam-Webster. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://www.merriam-webster.com/dictionary/cryptocurrency>
۹. Cybercrime Legislation Worldwide | UNCTAD. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://unctad.org/page/cybercrime-legislation-worldwide>
۱۰. França, L. A. (2017). Cyber-criminologies. In *Alternative Criminologies*. <https://doi.org/10.4324/9781315158662>
۱۱. Ghernaouti, S. (2016). Cyber Power: Crime, Conflict and Security in Cyberspace. In *Cyber Power: Crime, Conflict and Security in Cyberspace*.
۱۲. Gordon, S., & Ford, R. (2006). On the definition and classification of cyber-crime. *Journal in Computer Virology*, 2(1). <https://doi.org/10.1007/s11416-006-0015-z>
۱۳. Gupta, S., Sinha, S., & Bhushan, B. (2020). Emergence of Blockchain Technology: Fundamentals, Working and its Various Implementations. SSRN

- Electronic Journal. <https://doi.org/10.2139/SSRN.3569577>
۱۴. Hacking group Anonymous issues warning to Elon Musk claiming too much power influence Bitcoin prices | Daily Mail Online. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://www.dailymail.co.uk/news/article-9655941/Hacking-group-Anonymous-issues-warning-Elon-Musk-claiming-power-influence-Bitcoin-prices.html>
 ۱۵. Higbee, A. (2018). The role of crypto-currency in cybercrime. *Computer Fraud & Security*, 2018(7), 13–15. [https://doi.org/10.1016/S1361-3723\(18\)30064-2](https://doi.org/10.1016/S1361-3723(18)30064-2)
 ۱۶. Holt, T. J., Bossler, A. M., & Seigfried-Spellar, K. C. (2017). Cybercrime and Digital Forensics: An Introduction. In *Cybercrime and Digital Forensics*.
 ۱۷. How Cryptocurrencies May Impact the Banking Industry. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://www.wolfandco.com/resources/insights/how-cryptocurrencies-may-impact-the-banking-industry/>
 ۱۸. Internet Crime Complaint Center(IC3) | Annual Reports. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://www.ic3.gov/Home/AnnualReports>
 ۱۹. Mabunda, S. (2018). Cryptocurrency: The New Face of Cyber Money Laundering. 2018 International Conference on Advances in Big Data, Computing and Data Communication Systems, IcABCD 2018, 1–10. <https://doi.org/10.1109/ICABCD.2018.8465467>
 ۲۰. Ransomware: Paying Cyber Extortion Demands in Cryptocurrency. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://www.marsh.com/us/insights/research/ransomware-paying-cyber-extortion-demands-in-cryptocurrency.html>
 ۲۱. Reddy, E., & Minnaar, A. (2018). Reddy-Minnaar *Acta Criminologica: Southern African Journal of Criminology* 31(3)/2018 Special Edition: Cybercrime .31(3), 71–92.
 ۲۲. Şcheau, M. C., Crăciunescu, S. L., Brici, I., & Achim, M. V. (2020). A Cryptocurrency Spectrum Short Analysis. *Journal of Risk and Financial Management*, 13(8), 184. <https://doi.org/10.3390/JRFM13080184>
 ۲۳. Shinder, D. L. (2002). Scene of the Cybercrime: Computer Forensics Handbook. In *Igarss 2014* (Issue 1).
 ۲۴. Stroukal, D., & Nedvědová, B. (2016). Bitcoin and Other Cryptocurrency As an Instrument of Crime in Cyberspace. January 2016. <https://doi.org/10.20472/bmc.2016.004.018>

۲۵. Why Governments Are Afraid of Bitcoin. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://www.investopedia.com/articles/forex/042015/why-governments-are-afraid-bitcoin.asp>
۲۶. Williams, M. L., & Levi, M. (2017). Cybercrime prevention. In Handbook of Crime Prevention and Community Safety. <https://doi.org/10.4324/9781315724393>
۲۷. استخراج بيت کوين در ايران؛ از ”دور زدن تحریم“ تا ورود نهادهای دولتی - BBC News فارسی. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://www.bbc.com/persian/sian/iran-features-55666032>
۲۸. بزرگترین شرکت گوشت جهان به هکرها یازده میلیون دلار باج داد - BBC News فارسی. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://www.bbc.com/persian/world-57425576>
۲۹. بیت کوين چیست و چه کسانی در ايران در حال استخراج آن هستند؟ | اقتصاد | DW | 08.07.2019. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://www.dw.com/fa-ir/bitcoin/a-49511635>
۳۰. حمله سایبری به حدود ۲۰۰ شرکت آمریکایی. (n.d.). Retrieved July 9, 2021, from <https://www.radiofarda.com/a/cyber-attack-us-companies-hit/31338907.html>

تحلیل راهبردهای جامعوی و تقنینی پیشگیری از جرایم سایبری در اسناد بین المللی

علی زلّقی*

نوع مقاله : پژوهشی	تاریخ دریافت : ۱۴۰۴/۲/۱۲	تاریخ پذیرش : ۱۴۰۴/۲/۲۳	شماره صفحه : ۸۳-۱۰۵
--------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

با توسعه و تحول اینترنت، جرائم اینترنتی نیز در سطح بین المللی افزایش یافته است. جرایم اینترنتی در فضای سایبری در بیشتر کشورهای جهان بعنوان یک معضل حاد و بسیار مهم تلقی می گردد و دولت هادر صدد پیدا نمودن راه حل های مختلفی در جهت جلوگیری از وقوع آن می باشند. در حال حاضر جرایم اینترنتی با اشکال مختلفی صورت می پذیرد که عبارتند از : کلاهبرداری اینترنتی ، جاسوسی اینترنتی، سوء استفاده از شبکه های تلفنی، سوءاستفاده از کارتهای اعتباری ، وارد کردن ویروس به کامپیوترهای دیگر، پولشویی. جرایم علیه محرمانگی داده ها و سامانه های رایانه ای به عنوان جرایمی که حریم خصوصی اشخاص را مورد تعرض قرار داده و سبب از بین رفتن محرمانگی داده ها و سامانه های رایانه ای می گردند، به موازات طرح در حقوق داخلی در قلمرو اسناد بین المللی نیز قابل بررسی می باشند. سازکارهای تقنینی کشورها در اسناد بین المللی اینگونه است که همکاری و تعهد همه کشورها در قالب معاهدات دو یا چند جانبه ای را لازمه مقابله با جرائم رایانه ای می دانند. در صورت بروز عمل مجرمانه در فضای سایبری، به لحاظ اینکه رویه قضایی جنایی در معاهده ای قطعیت یابد، تمام کشورهای مشارکت کننده باید بر اساس یک اصل واحد کنترل داخلی و خارجی موثر بر جرم داشته باشند. این نوشتار با رویکرد توصیفی و تحلیلی به بررسی سازکارهای تقنینی کشورها در قبال جرائم رایانه ای در

* دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی ، عضو باشگاه پژوهشگران جوان ، مدرس دانشگاه

اسناد بین المللی می پردازد.

کلید واژگان: جرایم رایانه‌ای، فضای سایبری، دسترسی غیرمجاز، تدابیر امنیتی.

مقدمه:

جرایم رایانه‌ای، جرایم رایانه‌ای (سایبر کرایم) یکی از پیش‌رونده‌ترین جرائمی است که با سرعت زیاد در حال گسترش و بلای جان بشر امروز شده است. جهان امروز جهان علم و فناوری است و بی‌شک پیشرفت را نمی‌توان از آن جدا کرد. این در حالی است که همگام با پیشرفت‌های علمی به‌ویژه در زمینه رایانه و اینترنت، عده‌ای برخلاف خدمتگزاران بشریت که به فکر استفاده‌های مثبت از فناوری‌ها هستند به فکر سوءاستفاده‌اند. جرایم رایانه‌ای جرائمی سازمان‌یافته می‌باشند که از طریق اشخاص حرفه‌ای و باسواد انجام می‌شوند و همیشه و مجازات‌ها قوانین رایانه‌ای امروزه برای مجازات مجرمین کافی اما کامل نمی‌باشد چون هر روز جرایم جدیدی به وجود می‌آید که برای مجازات آن‌ها نیاز به قوانین جدید داریم همان‌گونه که جرایم اینترنتی همیشه در حال روز شدن هستند بایستی تلاش کرد تا بتوان با نو شدن جرایم هرساله قوانینی را که در زمینه جرایم جدید قابل اعمال باشد ارائه کرد چون رایانه و اینترنت همیشه و همیشه شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرند (شیرزاد، ۱۳۸۸: ۳۸). با گسترش علم و فناوری اطلاعات و استفاده از رایانه در زندگی شخصی و اجتماعی و روابط اداری، بزهکاری و تخلف در استفاده از رایانه نیز تبدیل به امری اجتناب‌ناپذیر شده است. آنچه امروز تحت عنوان جرایم رایانه‌ای شناخته می‌شود، مجموعه‌ای از همین تخلفات و بزهکاری‌هاست که از طریق رایانه و یا مؤثر بر رایانه اتفاق می‌افتد. همچنین می‌توان گفت جرایم رایانه‌ای، جرایم سنتی هستند که با فناوری اطلاعات از طریق رایانه صورت می‌گیرد، لذا برای رسیدگی به آن و اعمال مجازات، ناگزیر از وضع اعمال و مقرراتی هستیم که متفاوت از شکل سنتی آن است. نوین ممتاز بودن جرایم رایانه‌ای و خصوصیات منحصر به فرد آن، همچون عدم لزوم حضور مرتکب در محل جرم در کنار شیوه ارتکاب این‌گونه جرایم و گاهی داشتن جنبه بین‌المللی آن، نحوه رسیدگی و تعقیب را از جهت مسائل آیین دادرسی با چالش‌هایی رو به کرده است. در کشور، آیین دادرسی کیفری در خصوص جرایم رایانه‌ای در خردادماه ۸۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که در بخش دوم آن از ماده‌ی ۲۸ تا ۵۱ آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای بیان شده است. کشف جرم، تعقیب مجرم، جمع‌آوری ادله، حفظ و

نگهداری آن‌ها، قابلیت استناد، استنادپذیری ادله از مهم‌ترین مباحث در آیین دادرسی این‌گونه جرائم محسوب می‌شود (عمیدی، ۱۳۸۷: ۶۷).

با توجه به اینکه فضای مجازی روز به روز گسترده‌تر می‌شود و در عین حال شیوه‌های ارتکاب جرم نیز با پیشرفت تکنولوژی، رنگ و بوی دیگری می‌گیرد شناخت ابعاد حقوقی جرائم رایانه‌ای و شیوه دادرسی آن با توجه به اینکه کشور ایران نیز مبتلا به این پدیده است امری ضروری است. تلاش در راستای شناخت نحوه دادرسی جرائم رایانه‌ای و مراحل آن و کشف و تحلیل نواقص موجود در قانون جرائم رایانه‌ای در راستای رسیدگی هرچه سریع‌تر و بهتر به این جرم و همچنین پیشگیری از آن اموری هستند که کشور بیش از پیش به آن نیاز دارد.

جرایم سایبری و انواع جرم‌های سایبری

جرائم سایبری یا رایانه‌ای عبارت است از هرگونه تخلف از قانون کیفری که دانش فناوری رایانه‌ای را در ارتکاب، تحقیق و پیگرد شامل می‌شود. جرائم رایانه‌ای به چند دسته تقسیم می‌شوند (پاکزاد، ۱۳۸۰: ۳۵). دسته اول: جرائمی هستند که در آن‌ها رایانه و تجهیزات جانبی آن موضوع جرم واقع می‌شوند مانند سرقت، تخریب و غیره. دسته دوم: جرائمی هستند که در آن‌ها کامپیوتر به عنوان ابزار یا وسیله توسط مجرم برای ارتکاب جرم بکار گرفته می‌شود. دسته سوم: جرائمی هستند که می‌توان آن‌ها را جرائم کامپیوتری محض نامید. این نوع از جرائم کاملاً با جرائم کلاسیک تفاوت دارند و در دنیای مجازی به وقوع می‌پیوندند؛ اما آثار آن‌ها در دنیای واقعی ظاهر می‌شود، مانند دسترسی غیرمجاز به سیستم‌های کامپیوتری، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی جرم رایانه‌ای را چنین تعریف می‌کند «سوءاستفاده از کامپیوتر شامل هر رفتار غیر قانونی غیراخلاقی یا غیرمجاز مربوط به پردازش اتوماتیک و انتقال داده‌هاست» (شیرزاد، ۱۳۸۸: ۵۵).

۱- **هک کردن:** عبارت است از نفوذ به یک سیستم کامپیوتری بدون داشتن مجوز، مالکیت یا صلاحیت لازم. هک کردن یعنی غلبه کردن بر سیستم‌های امنیتی یک سیستم کامپیوتری برای دسترسی غیر قانونی به اطلاعات ذخیره شده در این سیستم کامپیوتری. لو رفتن رمز عبور به قصد دسترسی به اطلاعات خصوصی افراد یک سازمان یکی از رایج‌ترین تخلفات رایانه‌ای است. یکی از خطرناک‌ترین خلاف کاری‌های رایانه‌ای عبارت است از هک کردن آدرس IP تا بدین وسیله خلافکار خود را به جای کس دیگر جا بزند و افکار شوم یا جنایات مورد نظر خود را اجرا کند (عالی پور، ۱۳۹۰: ۳۰).

۲- فیشینگ: عبارت است از تلاش برای به دست آوردن اطلاعاتی مانند رمز عبور، شناسه عبور و جزئیات کارت اعتباری با جا زدن خود به عنوان یک منبع قابل اعتماد. فیشینگ از طریق سرویس‌های ایمیل یا با وعده‌های دروغ انجام می‌گیرد یا با ایجاد برخی جذابیت‌ها کاربران اینترنتی را ترغیب می‌کنند اطلاعات خود را در سایت‌هایی که توسط کلاه‌برداران ساخته شده است وارد کنند. این خلاف کاران معمولاً وبسایت‌هایی طراحی می‌کنند که در کاربر احساس اعتماد و وارد شدن در یکسایت امن را می‌دهد و معمولاً هم موفق می‌شوند یعنی کاربر در دام آن‌ها افتاده و اطلاعات خود را وارد می‌کند (عمیدی، ۱۳۸۷: ۳۱). فیشینگ نوع بسیار خاصی از جرائم رایانه‌ای است که برای فریب دادن شما در زمینه افشای جزئیات مالی و شخصی شما، طراحی شده است. مجرمان رایانه‌ای، یک وبسایت جعلی ایجاد می‌کنند که بسیار شبیه به وبسایت بانک (یا هر وبسایت دیگری که تراکنش‌های مالی در آن انجام می‌شود مانند eBay) است. سپس تلاش می‌کنند تا شما را به منظور بازدید از این سایت و تایپ کردن اطلاعات محرمانه خود نظیر اطلاعات ورود به سایت، کلمه عبور و PIN فریب دهند. نوعاً مجرمان رایانه‌ای تعداد زیادی نامه‌های الکترونیکی ارسال می‌کنند که حاوی یک فرایپوند به سایت جعلی است. حمله فیشینگ نوعی ویژه از جرم سایبری است که در آن، مجرم یک کپی تقریباً ۱۰۰ درصد شبیه یک وبسایت بنگاه تجاری، ایجاد می‌کند. سپس تلاش می‌کند تا کاربران را برای افشای جزئیات شخصی خود نام کاربری، کلمه عبور، PIN و غیره از طریق یک فرم در سایتی جعلی فریب دهد که این اجازه را به مجرم می‌دهد با استفاده از این اطلاعات پول به دست آورد.

فیشرها یا مجرمان فیشینگ از تکنیک‌های متعددی برای فریب دادن کاربران به منظور دسترسی به سایت جعلی استفاده می‌کنند. مثلاً، ارسال ایمیل‌هایی که به نظر می‌آید از یک بانک باشد. این ایمیل‌ها اغلب از لوگوهای قانونی و یک سبک تجاری خوب استفاده می‌کنند و سربرگ نامه را به گونه‌ای طراحی می‌کنند که شبیه این به نظر برسد که به بانکی قانونی تعلق دارند. به طور کلی، این نامه‌ها به دریافت کنندگان اطلاع می‌دهند که بانک، زیرساخت IT خود را تغییر داده و از تمامی مشتریان می‌خواهد که اطلاعات کاربری خود را مجدداً تصدیق کنند هنگامی که دریافت کننده، روی لینک موجود در ایمیل کلیک می‌کند، به سایتی جعلی هدایت می‌شود که از او می‌خواهد اطلاعات شخصی خود را وارد کند (فضلی، ۱۳۸۹: ۳۹).

۳- گروه ویروس‌های کامپیوتری: دسته ویروس‌های کامپیوتری (شامل ویروس‌ها، کرم‌ها، نرم‌افزارهای جاسوسی و...) در حقیقت نرم‌افزارهایی هستند که خود را تکثیر و منتشر می‌کنند

و کامپیوترهای موجود در یک شبکه را بدون اطلاع کاربران آلوده کرده و به آن‌ها صدمه می‌زند. ویروس‌ها از طریق پروتکل‌های سیستم یک شبکه کامپیوتری، اینترنت یا هر وسیله نقل انتقال اطلاعات مانند حافظه فلش، CD و ... وارد کامپیوترهای دیگر می‌شوند. ویروس‌های کامپیوتری کدهایی هستند که با هدف ضربه زدن به یک سیستم رایانه‌ای یا از بین بردن اطلاعات نوشته شده‌اند. نوشتن ویروس کامپیوتری در همه جای دنیا یک جرم است به گونه‌ای که نویسنده ویروس در برابر تمام خسارت‌های وارده به همه کامپیوترهای آلوده شده مسئول است (پاکزاد، ۱۳۸۰: ۴۱).

۴- **سیبراستالکینگ**^۱: عبارت است از استفاده از فناوری ارتباطات به خصوص اینترنت برای آزار و اذیت افراد. تهمت، ارسال نرم‌افزارهای مخرب و تخریب اطلاعات و تجهیزات کامپیوتری در این گروه قرار می‌گیرند. این خلاف کاران اغلب کاربران را از طریق چت روم‌ها، تالارهای تبادل نظر و اجتماعات اینترنتی شکار می‌کنند سپس اطلاعات آن‌ها را به دست می‌آورند (مثلاً شماره تلفن و آدرس، محل کار و ...) و با استفاده از این اطلاعات قربانیان خود را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند. ایمیل‌های تهدیدآمیز، مزاحمت تلفنی و مانند این‌ها انجام می‌دهند و این مورد یکی از جرم‌های رایانه‌ای خطرناک است که در سراسر دنیا مجازات سنگینی برایش قرار می‌گیرد (عالی پور، ۱۳۹۰: ۲۹).

۵- **هویت جعلی**: هویت جعلی یا خود را به جای کس دیگر جا زدن یکی از جدیدترین کلاهبرداری‌هایی است که به کمک آن پول‌های زیادی ربوده شده و سودهای کلانی نصیب کلاهبرداران می‌شود. در این شیوه کلاهبردار خود را به جای مالک چیزی جا می‌زند. یا از هویت شخص دیگری برای به دست آوردن کالا یا خدمات مورد نیاز خود استفاده می‌کنند. مهاجرت غیر قانونی، تروریسم و ایمیل‌های سیاه در زمره این جرائم قرار می‌گیرد (زندى، ۱۳۸۹: ۴۰).

انواع مختلف جرائم رایانه‌ای همه در یک چیز مشترک‌اند و آن هم بهره‌برداری غیر قانونی از فناوری جدید رایانه‌ای و ارتباطات برای فعالیت‌های خلاف کارانه است. همان‌طور که فناوری جدید راهی برای مقابله ارائه می‌دهد از آن‌سو هم جنایتکاران از آخرین فناوری‌ها سود می‌برند. همیشه یک قدم از سیستم‌های امنیتی جلوتر هستند؛ و هیچ راهی امن‌تر از احتیاط نیست پس مراقب ایمیل‌های ناشناس، چت روم‌ها، حافظه‌های فلش، وبسایت‌های مشکوک و ... باشید و

سعی کنید اطلاعات بیشتری درباره امنیت در اینترنت پیدا کنید.

تفاوت جرائم رایانه‌ای با جرائم کلاسیک

واژه رایانه به گونه‌ای دقیق و جامع نمی‌تواند گستردگی این محیط را نشان دهد زیرا بسیاری از ابزار و وسایل امروزی با داده‌هایی کار می‌کنند که اساساً به آن‌ها رایانه اطلاق نمی‌شود. از این رو عبارت‌هایی مانند جرم‌های رایانه‌ای یا جرم‌های اینترنتی نیز نمی‌توانند به گونه‌ای دقیق جرم‌های ارتكابی مربوط به این حوزه را پوشش دهند. جرائم رایانه‌ای هر جرمی که قانون‌گذار به صراحت رایانه را به منزله موضوع یا وسیله جرم جزء رکن مادی آن اعلام کرده باشد یا عملاً رایانه به منزله موضوع یا وسیله ارتكاب جرم در آن نقش داشته باشد (پاکزاد، ۱۳۸۰: ۵۰). این تعریف علاوه بر جرائم دسته قبل، آن دسته از جرائم سنتی را نیز که با استفاده از رایانه و فناوری اطلاعات ارتكاب یابند را، بدون اینکه تغییری در عنصر مادی آن‌ها صورت گرفته باشد، یا قانون‌گذار رایانه را جزء این عنصر بر شمرده باشد، مشمول این عنوان می‌داند. جرائم کلاسیک منظور جرائمی است که به صورت کلاهبرداری صورت می‌گیرد (معتمدنژاد، ۱۳۸۳: ۲۰). آموزه‌های مکتب کلاسیک مختص جرم‌شناسی نبوده بلکه در اصل مرتبط با کل حقوق جزا بوده اما در مباحث جرم شناختی نیز نقطه نظرانی داشته است. با توجه به محتوای این نظریه، نگارنده ترجیح می‌دهد به جای اسامی رایج (مکتب کلاسیک یا نظریه کلاسیک) از عنوان نظریه «آزادی اراده» برای نامیدن آن استفاده کند. این نظریه که در مشرق زمین سابقه طولانی داشته، از اواسط قرن ۱۸ میلادی باز در اروپا ظهور و گسترش پیدا کرد.

۱- **زمان ارتكاب جرم:** بر خلاف جرائم سنتی که زمان در آن مشهود است، در جرائم رایانه‌ای زمان به چند ثانیه یا کسر ثانیه تبدیل می‌شود.

۲- **مکان ارتكاب جرم:** مکان نیز در جرائم رایانه‌ای به واسطه زیرساخت مخابرات و شبکه‌ای شدن رایانه‌ها و گسترش اینترنت، تغییر یافته است. به عنوان مثال اگر فرد قبلاً برای ارتكاب کلاهبرداری باید مراحل ارتكاب جرم را تکمیل می‌کرد و در تهران موفق به کلاهبرداری می‌شد و در نهایت می‌توانست به اصفهان یا شهر دیگری برود و عمل را تکرار کند؛ اما در کلاهبرداری در فضای سایبر، این تعدد مکانی بیش از حد زیاد می‌شود.

۳- **بزه دیده:** در حالت سنتی بزه دیده انسان است. به عنوان مثال در جرائم علیه اشخاص،

تمامیت جسمانی و معنوی فرد، هدف ارتکاب جرم است؛ اما در جرائم سایبری، در بسیاری موارد، بزه‌دیده، ماشین است که بیشترین مورد تحقق آن در جرائم الکترونیک و جرائم بانک‌داری الکترونیک است.

۴- **تعداد بزه‌دیدگان:** تعداد بزه‌دیده در جرائم کلاسیک، تعدادی خاص و محدود هستند در حالی که امروز در فضای سایبر، تعداد زیادی بزه‌دیده می‌شوند. به‌عنوان مثال هنگام نوشتن انتشار یک ویروس، میلیون‌ها سایت و در پی آن میلیون‌ها کاربر، بزه‌دیده می‌شوند و یا با راه اندازی یک وب‌سایت یا ارسال پیام‌های تبلیغاتی فریب کارانه به آدرس‌های الکترونیکی کاربران، میلیون‌ها مخاطب فریب می‌خورند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۲۵).

تقسیم‌بندی جرائم سایبری

۱- **جرائم کلاسیک با توصیف سایبری:** جرائمی در این دسته قرار می‌گیرند که جرائم سنتی تلقی می‌شوند؛ اما در حال حاضر به علت پیشرفت فناوری، با وسایل نوینی انجام می‌شوند. از جمله این جرائم می‌توان به کلاهبرداری سایبری، جعل سایبری، تخریب سایبری، جاسوسی سایبری و ... اشاره نمود (راجی، ۱۳۸۵: ۳۰).

۲- **جرائم علیه محرمانه بودن داده‌ها و سیستم‌ها:** هر نمادی از موضوع‌ها، مفاهیم یا دستورالعمل‌ها از جمله متن، صوت یا تصویر را که برای برقراری ارتباط میان سیستم‌های رایانه‌ای با پردازش توسط شخص یا سیستم رایانه‌ای به کار گرفته شده و به‌وسیله سیستم رایانه‌ای ایجاد می‌گردد، داده محتوا گویند. از جمله جرائمی که در این دسته جای می‌گیرند می‌توان به شنود غیرمجاز داده‌های مخابراتی در یک ارتباط خصوصی یا داده‌های سری که واجد ارزش برای امنیت داخلی و خارجی کشور می‌باشند، اشاره کرد (پرویزی، ۱۳۸۴: ۲۱).

۳- **جرائم علیه صحت و تمامیت داده‌ها و سیستم‌ها:** تغییر، ایجاد، محو یا متوقف کردن رایانه‌ای و مخابراتی به‌قصد تقلب، غیر قابل استفاده کردن، تخریب یا اختلال در داده‌ها یا امواج الکترومغناطیسی، ممانعت از دستیابی اشخاص مجاز به داده‌ها با تغییر رمز ورود و یا رمزنگاری از جمله جرائمی هستند که در این دسته قرار می‌گیرند.

۴- **جرائم مرتبط با محتوا:** این دسته جرائمی را تحت شمول خود قرار می‌دهد که در آن‌ها، رایانه به‌عنوان ابزار و وسیله توسط مجرم برای ارتکاب جرم به کار گرفته می‌شود و صرفاً فناوری

اطلاعات، زمینه ارتکاب آن‌ها را فراهم می‌سازد. برای مثال انتشار محتویات مستهجن از قبیل نمایش اندام جنسی زن و مرد یا نمایش آمیزش جنسی انسان، تبلیغ یا تحریک یا تشویق به انحرافات جنسی یا خودکشی از طریق سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی در این دسته قرار می‌گیرند.

ویژگی‌های جرایم رایانه‌ای

۱- تنوع مرتکبان و گستردگی حجم خسارات حاصله: امروزه فضای مجازی و اینترنت به‌عنوان یک فضای کسب‌وکار و تجارت تبدیل شده است؛ و بیشتر در معرض عموم قرار گرفته است؛ بنابراین جرائم زیادی در این فضا به وقوع می‌پیوندد. تا چندی پیش به لحاظ محدودیت دسترسی افراد جامعه جهانی به اینترنت، مرتکبان محدود و از طیف خاصی بودند؛ مثل کارمندان ناراضی شرکت‌های تجاری و امثال آن‌ها که به امکانات رایانه‌ای دسترسی داشتند؛ اما امروزه افراد از طیف‌های مختلف حرفه‌ای یا غیرحرفه‌ای، سازمان یافته یا غیر سازمان یافته و نوجوان یا پیر به ارتکاب این جرائم دست می‌یازند. به‌عنوان مثال در کشورمان در غالب مغازه‌های فروش نرم‌افزار، ابزار ارتکاب جرائم رایانه‌ای مانند برنامه‌های رایانه‌ای مخصوص نفوذگری با آموزش فارسی در بسته‌بندی‌های رنگی و از طرف شرکت‌های رسمی ارائه می‌شوند و یک نفر با کمترین اطلاعات رایانه‌ای می‌تواند یک پایگاه اینترنتی را هک کند (زندی، ۱۳۸۹: ۳۵).

از آنجا که محدودیت‌های دنیای مادی در مورد این جرائم وجود ندارد و داده‌هایی که ارزش اقتصادی فراوانی دارند در یک حجم کم نگهداری می‌شوند، لذا میزان خسارت آن‌ها نسبت به جرائم کلاسیک بسیار گسترده‌تر است. برای دستبرد زدن الکترونیکی به یک بانک نه سلاح لازم است و نه یک گروه سازمان یافته؛ بلکه یک نفر می‌تواند با نفوذ به سیستم یک بانک میلیاردها دلار پول الکترونیکی را به حساب خود یا دیگری انتقال دهد. این عدم محدودیت مادی در کنار گسترش نقش رایانه‌ها به‌عنوان جزء لاینفک فعالیت روزانه شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری، سبب می‌گردد که با وقوع برخی جرائم حتی شرکت‌های بزرگ به ورطه نابودی و ورشکستگی سقوط کنند (فضلی، ۱۳۸۹: ۶۴).

در جرائم محیط سایبر، اولاً تعداد بزه دیدگان معمولاً بسیار بالاست و شاید از مرز هزاران و میلیون‌ها نفر هم فراتر رود، ثانیاً معمولاً نمی‌توان آمار دقیقی از تعداد بزه دیدگان داشت، چه، جرائم سایبری در شبکه شیوع می‌یابند و حالت اشاعه جرم ارتكابی که در بسیاری موارد

به‌صورت خودکار صورت می‌گیرد، بسیاری از سیستم‌های رایانه‌ای و اطلاعات را درگیر خود می‌سازد و این امر قابل شمارش نیست. در واقع، این طبیعت فضای تکنولوژیک فضای سایبری است که موجب پیدایش جرائمی خودکار شده است که مرتکب فقط در قدم اول تحقق جرم نقش دارد و نه در استمرار آن؛ به عبارت دیگر در ارتکاب این جرائم مرتکب آغازگر است، اما شاید هیچ‌گاه ادامه‌دهنده نباشد و این امر جرائم مستمری را آفریده است که فاعل آن در استمرارش نقشی ندارد؛ بنابراین نرخ ارتکاب جرم هم بالاست و در یک لحظه از زمان به میزان بسیار زیادی ممکن است واقع شود. برای نمونه ممکن است بتوان هزاران سند و اطلاعات رایانه‌ای را در لحظه‌ای از زمان جعل کرد یا به‌صورت غیرمجاز کپی و تکثیر کرد. از این‌رو ارتکاب جرائم جمعی در محیط سایبر یک ویژگی نسبتاً معمول است (زندى، ۱۳۸۹: ۴۰).

۲- **سرعت بالای ارتکاب جرم و قابلیت تکرار فراوان:** ارتکاب جرم در محیط سایبر کاری بسیار راحت است؛ هر کس با داشتن یک رایانه که امکان اتصال به اینترنت را دارد و اندک آشنایی به سواد رایانه‌ای می‌تواند مجرمی بالقوه خطرناک باشد؛ صد البته میزان آشنایی بیشتر به علوم رایانه‌ای مرتکب جرم را حرفه‌ای‌تر می‌نماید و بر درجات شدت ارتکاب جرم می‌افزاید. علاوه بر موارد بالا، محدودیت در ارتکاب جرائم در محیط واقعی به مراتب بیشتر از محدودیت در محیط سایبر است (دزبانى، ۱۳۸۶: ۳۰).

۳- **شکل ارتکاب جرائم ناشی از فن‌آوری مدرن:** حقوق شکلی را باید اصلی‌ترین قربانی جرائم سایبری دانست، چراکه به‌واسطه این جرائم به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفته و به بن‌بست رسیده است (دزبانى، ۱۳۸۶: ۲۲). تحقیق، تعقیب و کشف جرائم رایانه‌ای در محیط سایبر بسیار دشوار است. روش‌های تکنولوژیک و فناوری‌های نوین این امکان را به مجرمین می‌دهند که آثار جرائم خود را استتار کنند، به‌طوری‌که راهکارهای جدیدی برای نهان‌سازی جرائم رایانه‌ای در این فضا ایجاد شده‌اند که این امکان را به مجرمین می‌دهند تا از طریق روش‌هایی چون رمزنگاری در ظاهری قانونی مرتکب جرم شوند. ارتکاب جرم در فضای سایبر راحت‌تر است و امکان دستگیری مجرمین نیز کمتر است. مشکلات شکلی مرحله تحقیقات مقدماتی در کشف جرائم رایانه‌ای به همین بسنده نمی‌شود؛ در بسیاری از موارد حتی پس از کشف جرم، مجرم کیلومترها دور از دسترس مقامات اجرای قانون و مقامات قضایی است و امکان تعقیب و تحقیق از او وجود ندارد. هنوز همکاری‌های بین‌المللی نیز بدان سطح نرسیده است که برای مبارزه با این جرائم راهکاری قوی و هماهنگ ایجاد شود. حتی سندی بین‌المللی نیز وجود ندارد که به این جرائم جنبه جهانی

بخشیده باشد به طوری که مجرم در هر نقطه‌ای از جهان که یافت شد بر اساس قوانین بین‌المللی مورد رسیدگی و مجازات قرار گیرد (فضلی، ۱۳۸۹: ۷۱).

۴- **زمان و مکان ارتکاب جرم:** یکی از مباحث مهم در حقوق جزای کیفیات مشدده و مخففه می‌باشد که در تعیین مجازات نقش بسزایی دارند. از جمله عوامل مؤثر در این کیفیات زمان و مکان ارتکاب جرم است که گاهی همانند سال قحطی، در جرم سرقت مستوجب حد، سبب تخفیف شده و گاهی همانند سرقت در شب، سبب تشدید مجازات می‌شوند بنابراین زمان و مکان ارتکاب جرم از مسائل اساسی حقوق جزای است. جرائم سنتی همواره در بعد مکان و زمان قرار دارند؛ یعنی بزه‌کار باید جرم خود را در زمان مشخص و مکان مشخص مرتکب شود. به همین دلیل، ارتکاب جرائم سنتی عموماً با کندی پیش می‌رود. در مقابل، ساختار جرائم سایبری به نحوی است که در آن‌ها بعد مکان و زمان چندان جایگاهی ندارد. فضای سایبری به نحو شگرفی موجب صرفه‌جویی در هزینه‌های زمانی ارتکاب جرائم سایبر شده است. برای نقض حریم خصوصی افراد در دنیای واقعی، یک مجرم کار بسیار سختی را پیش روی دارد اما در محیط مجازی، کار بسیار آسان است. در گذشته که فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفت زیادی نکرده بود جرم در زمان و مکان خاصی اتفاق می‌افتاد؛ اما امروز با وجود فضای سایبری مکان و زمان در ارتکاب جرم بسیار پیچیده شده است. از یک جهت دستیابی به زمان و مکان ارتکاب جرم آسان شده است از طرفی دیگر به دلیل افزایش مرتکبین جرم دستیابی و پیگیری آنان دشوار شده است (دزبانی، ۱۳۸۶: ۳۹).

۵- **سهولت از بین بردن آثار وقوع جرم و بالا بودن رقم سیاه:** در حال حاضر به دلیل پیشرفت‌هایی که در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات اتفاق افتاده است. میزان وقوع جرم در این نوع فضا هم افزایش یافته است؛ و به رقم سیاهی رسیده است. کسانی که در این حوزه‌ها مرتکب جرم می‌شوند؛ دارای تخصص بالاتری بوده و از دانش کافی برخوردارند؛ لذا هنگام ارتکاب اعمال مجرمانه کوشش و اقدام به حذف رد پاهای خود در محیط سایبری می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۶: ۳۹). هرچند با تکیه بر بعضی فناوری‌های جدید می‌توان اطلاعات را دوباره به دست آورد اما همین مهارت آن‌ها باعث وقفه در عملیات‌های بازرسی و پیگیری تیم‌های متخصص می‌گردد. نکته دیگری که در این جرائم از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد، حیثیت و وجهه‌ای می‌باشد که افراد یا شرکت‌های معتبر و بانک‌ها با آن روبرو هستند که در اکثر جرائم به دلیل حفظ جایگاه و جلوگیری از تشویش اذهان مشتریان خود، اقدام به گزارش این گونه جرائم نمی‌کنند که همین

دلیل منجر به بالا رفتن رقم سیاه جرائم و عدم وجود آمارهای جنایی دقیق و در نهایت عدم برخورد مناسب از لحاظ قضایی با این گونه از بزه‌کاران هستیم.

بزه‌دیده در فضای سایبری و جرایم رایانه‌ای

فناوری اطلاعات نه تنها زندگی انسان را متحول ساخته است بلکه توانسته است فضای جدیدی به نام فضای سایبری را ایجاد کند. فضای مجازی همچون فضای حقیقی، محلی را برای ارتکاب جرائم توسط بزه‌کاران فراهم آورده است و آن‌ها دیگر کنش‌گران حاضر در این فضا را مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند. با گسترش تکنولوژی و فناوری‌های جدید در جوامع، فضای سایبر، محیطی را به انسان‌ها عرضه داشته که به راحتی وارد آن شده و به استخراج اطلاعات، تصاویر، فیلم‌ها پرداخته و با سایرین ارتباط برقرار کنند، فضای سایبر همانند جهان واقعی و ملموس دارای زمینه‌های مثبت و منفی برای افراد هستند. امروزه علاوه بر توجه به جرائم کلاسیک باید به جرائم جدید و نوظهور و بخصوص قربانیان این جرائم نیز توجه شود. لزوم بررسی و داشتن نگاه جرم‌شناسانه به این فضا و شناخت کنشگران این محیط که همانا بزه‌کاران و بزه‌دیدگان فضای مجازی هستند امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. فرآیند کیفری به‌مثابه مثلی با اضلاع جرم (بزه)، مجرم (بزه‌کار) و مجنی علیه تحت عنوان بزه دیده است. در وقوع جرم عوامل متعددی دخیل هستند. علاوه بر عوامل مربوط به مجرم و شخصیت او و عوامل اجتماعی و محیطی گاه این «بزه دیده» است که با اعمال و رفتار و خصوصیات فردی خود، در شکل‌گیری جرم نقش اصلی را ایفا می‌نماید. به عبارت دیگر ویژگی‌های جسمانی، روانی و شخصیت اخلاقی بزه دیده، می‌تواند در آفرینش صحنه جنایی وی را سهیم نماید (پرویزی، ۱۳۸۴: ۷۳).

نحوه تعقیب و رسیدگی به جرائم رایانه‌ای در فضای سایبری

حجم گسترده اطلاعات مبادله شده در فضای سایبری، متخصصین علم حقوق را بر آن داشته تا نسبت به تدوین و تهیه حقوق فضای مجازی اقدام نمایند. در گذشته ای نه چندان دور رسیدگی به جرائم فضای مجازی با قانون سنتی صورت می‌گرفت اما با تدوین قانون جرائم رایانه‌ای که درانتهای قانون مجازات اسلامی جدید افزوده شده است. رسیدگی به حقوق فضای مجازی و جرایم سایبری وارد فاز جدید خود شد و به‌عنوان یکی از قوانین تخصصی مورد توجه

قرار گرفت. استفاده کننده از فضای مجازی به عنوان کاربر و عضو این جامعه که به سان فضای واقعی در زندگی مردم تاثیر زیادی دارد، از حقوقی برخوردار است که این حقوق در همه کشورها مورد حمایت قانون قرار گرفت. قانون جرائم رایانه‌ای، قانون مجازات اشخاصی که فعالیت غیرمجاز سمعی بصری می نمایند، قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، قانون مالکیت معنوی، قانون تجارت الکترونیکی، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، آیین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، قانون انتخابات ریاست جمهوری، قانون مجازات اسلامی، قانون مطبوعات و قانون جامع مبارزه با مواد مخدر، از جمله قوانین مرتبط با حقوق فضای مجازی و جرائم سایبری می باشد که در دادسرای جرائم رایانه‌ای تعقیب می شود. تقریباً تمامی جرائمی که در فضای حقیقی قابل تحقق و ارتکاب هستند به عنوان جرائم سایبری در فضای مجازی هم قابل تحقق هستند؛ اما مسوولیت جبران خسارت زیان دیده در فضای مجازی یکی از مهم ترین مباحث حقوق فضای مجازی است که شاید بتوان آن را در صلاحیت اولیه دادسرای جرائم رایانه‌ای قرارداد (حسن بیگی، ۱۳۸۹: ۳۲). جرائمی که در فضای رایانه‌ای تحقق می یابد از قبیل کلاهبرداری رایانه‌ای، تهدید و مزاحمت، انتشار تصاویر و فیلم های مستهجن و پورن در فضای مجازی، تشویق و ترغیب به فساد و فحشا، استفاده ابزاری از اندام یا تصاویر زنان جهت فروش کالا یا خدمات، راه اندازی مراکز همسریابی یا صیغه و ازدواج موقت بدون اخذ مجوز از وزارت ورزش و جوانان، توهین به مقدسات مذهبی و مقامات دولتی، ترویج بی دینی و تبلیغ ادیان ضاله، تحریک مردم به شورش، تهدید به بمب گذاری یا انجام عملیات تروریستی، دسترسی غیرمجاز به داده ها، تخریب داده ها یا به اصطلاح هک داده ها، تشکیل باندهای قماربازی تهیه و توزیع مشروبات الکلی و به طور کلی همه جرائم که در کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه شورای عالی فضای مجازی، بر اساس قانون های ذکر شده در بالا به عنوان جرائم سایبری و جرائم رایانه‌ای تعیین شده است، از جمله مصادیق جرائم سایبری هستند که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادسرای جرائم رایانه‌ای قرار دارد. بعضی از انواع جرائم سایبری و جرایم رایانه‌ای، طبق حقوق فضای مجازی و قانون آیین دادرسی بدون طرح شکایت از سوی شاکی خصوصی قابل رسیدگی نیستند؛ و نیاز به اعلام شکایت شاکی خصوصی دارد ولی بعضی از جرائم که جنبه عمومی داشته و به نحوی از انحا کشف شود قابل رسیدگی در دادسرای جرائم رایانه‌ای بنا به ارجاع دادستان می باشد و نیاز به اعلام شکایت شاکی خصوصی ندارد. هرگونه جرمی که در فضای مجازی به وقوع بپیوندد در صلاحیت دادسرای تخصصی جرائم رایانه‌ای قابل پیگیری است.

پیشگیری از جرایم رایانه‌ای

۱. **پیشگیری اجتماعی؛** پیشگیری اجتماعی از جرایم رایانه‌ای مجموعه اقدامات و تدابیری است که بر خود فرد تاثیر می‌گذارد و پیش از ارتکاب جرم صورت می‌گیرد. در پیشگیری اجتماعی سعی بر این است که با افزایش آگاهی افراد و تربیت صحیح آنها، بهویژه قشر جوان و نوجوان جامعه و همچنین از بین بردن زمینه‌های اجتماعی وقوع جرم، نظیر فقر و بیکاری، انگیزه‌های مجرمانه از مجرمان سلب گردد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۶۲). پیشگیری اجتماعی شامل اقدام‌هایی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، هدفشان تاثیرگذاری بر شخصیت افراد است تا از سازمان دادن فعالیت خود حول انگیزه‌های بزهکارانه بپرهیزند. بنابراین کارکرد اصلی پیشگیری اجتماعی، خنثی سازی انگیزه‌های سوء است که در صورت محقق شدن آن با وجود ابزار و فرصت ارتکاب جرم، شخص از آن دوری می‌جوید. (معظمی، ۱۳۸۹: ۷۸)

۲. **پیشگیری وضعی؛** پیشگیری وضعی از جرایم رایانه‌ای به دنبال عدم توفیق کامل پیشگیری اجتماعی در کاهش و مهار جرم، توسل به پیشگیری وضعی جهت کنترل بزهکاری مورد توجه قرار می‌گیرد. پیشگیری وضعی شامل مجموعه اقدام‌ها و تدابیری است که به سمت تسلط بر محیط و شرایط پیرامونی جرم و مهار آن متمایل است. هدف تدابیر پیشگیرانه وضعی، سلب فرصت و ابزار ارتکاب جرم از دسترس مجرمان بالقوه است. این نوع پیشگیری برخلاف پیشگیری اجتماعی به جای تکیه بر فرد، بر محیط توجه دارد (دیویدچی، آیکاو، ۱۳۹۰: ۶۲).

واکنش تقنینی کشورها در خصوص جرائم رایانه‌ای

پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و به تبع آن توسعه فضای مجازی باوجود دستاوردها و کارکردهای فوق‌العاده در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به آسیب‌ها و مشکلاتی نیز دامن زده است. سوءاستفاده از این فضا برای جرم و بزهکاری، از آن جمله است. در مواجهه با این نوع از جرائم سایبری که گاه جنبه فراملی و بین‌المللی نیز به خود می‌گیرد، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از دهه ۷۰ به بعد با تدوین و قوانین و قواعد حقوقی جدید به مبارزه برخاسته‌اند. تا دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی کشورهای مختلف در چارچوب قوانین سنتی با جرائم سایبر برخورد می‌کردند؛ اما پیشرفت فناوری اطلاعات، تنوع و کثرت سوءاستفاده‌هایی که از این فناوری به عمل آمد، حقوق جزای سنتی کشورها را به چالش کشید. یکی از علل به چالش کشیده شدن حقوق جزای سنتی این بود که قوانین کیفری کشورها

تا قبل از شیوع جرائم سایبری غالباً به حمایت از اهداف و موضوعات ملموس می‌پرداختند. با رشد فناوری رایانه، اطلاعات و داده‌های رایانه‌ای به‌عنوان یک موضوع غیرملموس، غیر قابل‌رؤیت و باارزش، موضوع جرم سایبری قرار گرفت. حقوق جزای ماهوی که حمایت از ارزش‌ها را بر عهده دارد در برابر تجاوز و تعدی به این ارزش‌ها با نگرشی جدید واکنش نشان داد. این نگرش طی مراحل موجب اصلاح سیستم‌های قضایی شد. پروفیسور زیبر آلمانی (پدر حقوق کیفری اطلاعات) به پنج مرحله از این مراحل به ترتیب زیر اشاره کرده است: اولین مرحله، اصلاح سیستم‌های قضایی غرب بود که در حمایت از محرمانگی (حقوق خصوصی و فردی) در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ظاهر شد. این تقنین، واکنشی در برابر چالش‌های جدید مربوط به حقوق خصوصی و فردی بود که به‌واسطه‌ی امکانات جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و انتقال داده‌ها از طریق تکنولوژی جدید با مسائل جدید مواجه شده بود. لذا قوانین جدید حمایت از داده‌ها، در حمایت از حقوق خصوصی و فردی شهروندان از جنبه‌ی اداری، مدنی و کیفری در کشورهای مختلف تصویب شد. قوانین کانادا و استرالیا در سال ۱۹۷۲، سوئد ۱۹۷۳، آمریکا ۱۹۷۴، آلمان ۱۹۷۷، فرانسه، نروژ، اتریش و دانمارک ۱۹۸۸، ایسلند ۱۹۸۱، بریتانیا ۱۹۸۴، ایرلند، ژاپن و هلند ۱۹۸۸ تصویب شده‌اند و بعضاً این قوانین جدید مورد اصلاح قرار گرفته‌اند (شیرزاد، ۱۳۸۸: ۴۴).

مرحله‌ی دوم از موج قوانین اصلاحی ناظر بر جرائم اقتصادی مرتبط با رایانه در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ و دهه‌ی ۱۹۸۰ است. آمریکا در سال ۱۹۷۶ (در سطح ایالات)، ایتالیا ۱۹۷۸، استرالیا ۱۹۷۹، بریتانیا ۱۹۸۱، آمریکا ۱۹۸۴ (در سطح فدرال)، دانمارک و کانادا ۱۹۸۵، آلمان ۱۹۸۶، سوئد و شیلی ۱۹۸۷، اتریش، ژاپن و نروژ ۱۹۸۷، فرانسه و یونان ۱۹۸۸، فنلاند و بریتانیا ۱۹۹۰ قوانینی در خصوص جرائم رایانه‌ای اقتصادی وضع کرده‌اند که بعضی از این قوانین چند بار اصلاح شده‌اند.

مرحله‌ی سوم قوانین اصلاحی در دهه‌ی ۱۹۸۰ ناظر بر جرائم مالکیت معنوی مرتبط با رایانه است. بعد از اینکه برنامه‌های رایانه‌ای در دهه‌ی ۱۹۷۰ تحت حمایت حق اختراع قرار گرفت، قوانین اصلاحی برنامه‌های رایانه‌ای را مشمول کپی‌رایت (مالکیت معنوی) قرار دادند. کشور آمریکا در سال ۱۹۸۰، مجارستان ۱۹۸۳، استرالیا، هند و مکزیک ۱۹۸۴، شیلی، آلمان، فرانسه، ژاپن و انگلستان در ۱۹۸۵، برزیل، کانادا و اسپانیا در ۱۹۸۸، دانمارک، کلمبیا و سوئد ۱۹۹۰ و نروژ در ۱۹۹۱ قوانین مربوط به مالکیت معنوی (کپی‌رایت) خود را اصلاح کرده‌اند و پیشرفت‌های کلی در زمینه‌ی حمایت جزایی از مالکیت معنوی نیز حاصل شده است.

مرحله‌ی چهارم اصلاحات بین‌المللی قوانین، در مورد قوانین آئین‌دادرسی است. بسیاری از کشورها مانند آمریکا، کانادا، آلمان و دیگر کشورهای اروپایی قوانینی را در خصوص تفتیش و توقیف داده‌های رایانه‌ای وضع کرده‌اند. در این خصوص می‌توان به تدوین قوانین انگلیس در سال ۱۹۸۴، دانمارک ۱۹۸۵، آمریکا ۱۹۸۶ و هلند ۱۹۹۴ اشاره نمود.

مرحله‌ی پنجم اصلاح قوانین، در مورد جرائم مربوط به محتواس. به‌عنوان مثال بسیاری از کشورها قوانینی وضع کردند که تهیه، توزیع، عرضه و نگهداری پورنوگرافی (هرزه‌نگاری) کودکان از طریق سیستم‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای را جرم تلقی کرده است (پرویزی، ۱۳۸۴: ۶۰).

در سال ۲۰۰۰ موسسه‌ی بین‌المللی مک کانل مطالعه‌ای در مورد وضعیت قوانین وضع شده در ارتباط با جرائم سایبری در چهار گوشه‌ی جهان به عمل آورده است. این موسسه از کشورها خواسته است که چنانچه قوانین و یا پیش‌نویس قوانینی در این خصوص دارند ارسال کنند، در غیر این صورت اعلام نمایند که هیچ اقدام مثبتی انجام نداده‌اند. سی و سه کشور (از بین بیش از ۵۰ کشور) مورد بررسی تا آن تاریخ نسبت به‌روز آمد کردن قوانین خود به‌منظور برخورد با انواع جرائم رایانه‌ای هیچ اقدامی انجام نداده بودند ولی اکثراً در حال تهیه‌ی پیش‌نویس قوانین بودند. این کشورها عبارت‌اند از: ایران، آلبانی، بلغارستان، بوندی، کوبا، دومینیک، مصر، اتیوپی، فیجی، گامبیا، مجارستان، اردن، نیکاراگوئه، قزاقستان، لیتوانی، لبنان، لسوتر، مالت، مولداوی، مراکش، زلاندنو، نیجریه، رومانی، آفریقای جنوبی، ویتنام، یوگسلاوی، زامبیا، زیمبابوه. ده کشور از کشورهای مورد بررسی برای برخورد با حداکثر پنج نوع از جرائم سایبری، قانون وضع کرده‌اند که عبارت‌اند از: برزیل، کانادا، شیلی، چین، چک، دانمارک، مالزی، لهستان، اسپانیا و فرانسه. نه کشور نیز برای برخورد با بیش از شش نوع از انواع جرم سایبری، قانون وضع کرده‌اند که عبارت‌اند از: آمریکا، انگلیس، ترکیه، پرو، ژاپن، موریس، استونی، استرالیا و هند. کشور فیلیپین برای اکثر جرائم سایبری قانون وضع کرده است.

از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۷۰ شمسی و بالأخص از ابتدای دهه‌ی ۱۳۸۰ که استفاده از رایانه‌های شخصی توسط سازمان‌های اداری، مؤسسات خصوصی و افراد حقیقی در ایران گسترش یافته و دسترسی به خدمات متعدد اینترنت امکان‌پذیر شده، ارتکاب جرائم سایبری در کشورمان نیز از رشد نسبتاً سریعی برخوردار بوده است. اشاعه‌ی فحشا و منکرات، انتشار عکس‌ها، تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی، ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه از طریق طرح مسائل قومی و نژادی، انتشار مطالب نژاد پرستانه، انتشار اسناد و مسائل محرمانه، اهانت به مقدسات مذهبی و دینی،

اهانت و افترا نسبت به مقامات دولتی، اشخاص حقیقی و حقوقی، سرقت ادبی و غیره از جمله جرائمی هستند که بعد از فراهم شدن امکان استفاده از خدمات اینترنت از طریق وبسایت‌ها و وبلاگ‌ها، پست الکترونیک، گروه‌های خبری، چت (گپ زدن) و سایر سرویس‌های اینترنت به وقوع پیوسته‌اند. قانون‌گذار در سال ۱۳۷۹ در برابر برخی از جرائم سایبری واکنش نشان داده و با الحاق تبصره‌ی ۳ به ماده‌ی ۱ قانون مطبوعات مقرر داشته کلیه‌ی نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است.

اولین واکنش قانونی ایران در برابر بعضی از جرائم سایبری، قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی می‌باشد که در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۷ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است. دومین واکنش قانونی کشور ما در مقابل این نوع جرائم، از طریق وضع «قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای» به عمل آمد. این قانون در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. ماده‌ی ۱۳ قانون مذکور نقض حقوق پدیدآورندگان آن دسته از نرم‌افزارهای رایانه‌ای را که مورد حمایت این قانون قرار گرفته‌اند، جرم تلقی و برای آن مجازاتی معادل ۹۱ روز تا شش ماه حبس و جزای نقدی تعیین کرده است. سومین عکس‌العمل قانون‌گذار ایران در مقابل جرائم سایبری در سال ۱۳۸۲ از طریق تصویب قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ مجلس شورای اسلامی به عمل آمد. به موجب ماده‌ی ۱۳۱ این قانون، جعل اطلاعات و داده‌های رایانه‌ای، تسلیم و افشاء غیرمجاز اطلاعات و داده‌ها به افرادی که صلاحیت دسترسی به آن را ندارند، سرقت و یا تخریب حامل‌های داده و سوءاستفاده‌ی مالی از طریق رایانه (کلاهبرداری و اختلاس) توسط نظامیان، جرم تلقی و مرتکب حسب مورد به مجازات جرم ارتكابی محکوم می‌شود (جلالی فراهانی، ۱۳۸۹: ۴۴).

چهارمین واکنش قانونی مرتبط با جرائم سایبری از طریق تصویب قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ مجلس شورای اسلامی به عمل آمده است. به موجب مواد ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹ این قانون، کلاهبرداری، جعل، دستیابی و افشاء غیرمجاز اسرار تجاری، نقض حقوق مربوط به مالکیت معنوی (کپی‌رایت) و غیره که از طریق رایانه و در بستر تجارت الکترونیکی انجام شود، جرم تلقی و برای آن مجازات تعیین گردیده است. هر یک از چهار قانون فوق‌الذکر در بستر خاص خود قابلیت اعمال دارند. مثلاً قانون مطبوعات صرفاً نسبت به جرائم سایبری ارتكابی در قالب نشریات الکترونیکی، قانون مجازات نیروهای مسلح صرفاً در مورد بعضی از جرائم سایبری نظامیان و قانون تجارت الکترونیکی فقط در مورد برخی از جرائم سایبری ارتكابی در بستر تجارت

الکترونیکی قابل اجرا هستند.

برای مقابله با سایر سوءاستفاده‌های سایبری مانند سوءاستفاده از محیط سایبر به‌منظور نفوذ به حریم خصوصی افراد، تخریب، سرقت، توقف و تغییر داده‌هایی که فاقد شرایط مقرر در قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای هستند، سوءاستفاده‌های مالی رایانه‌ای خارج از بستر تجارت الکترونیک و سایر سوءاستفاده‌های رایانه‌ای، نیاز به یک قانون جرائم رایانه‌ای پیشرفته و جامع‌الاطراف است.

شورای عالی توسعه‌ی قضایی قوه‌ی قضائیه، پیش‌نویس قانون جرائم رایانه‌ای و آئین دادرسی آن را در سال ۱۳۸۲ تهیه و طی جلسات متعددی با حضور حقوقدانان و متخصصان امور رایانه مورد بررسی قرار داد تا پس از تصویب رئیس قوه قضائیه به‌عنوان لایحه‌ی جرائم رایانه‌ای از طریق هیئت دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد. با این حال، سرعت تصویب و لازم‌الاجرا شدن قوانین حمایتی رایانه‌ای به‌هیچ‌وجه با توسعه‌ی کمی و کیفی این فناوری در کشورمان تناسب نداشته است و گام‌های نخستین قانون‌گذاری نیز شامل حوزه‌های محدودی نظیر حمایت از مالکیت فکری رایانه‌ای می‌شده که البته آن‌ها نیز تمامی جنبه‌های حمایتی را در برنمی‌گیرند. در همین راستا و با هدف تدوین یک قانون کیفری نسبتاً جامع برای مقابله با سوءاستفاده‌های سایبری، شورای عالی توسعه‌ی قضایی قوه‌ی قضائیه در ابتدای سال ۱۳۸۱ با همکاری شورای عالی اطلاع‌رسانی وقت، طرح تدوین لایحه‌ی مبارزه با جرائم رایانه‌ای را آغاز کرد. پس از آن، پیش‌نویس مذکور تقدیم رئیس وقت قوه‌ی قضائیه شد که در شورای عالی مسئولان قضایی مورد بررسی قرار گرفت و پس از تأیید آن از سوی ایشان، تقدیم دولت شد که دولت نیز آن را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. در سال ۱۳۸۴، کمیته‌ی تخصصی تشکیل شده در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی، متشکل از تعدادی از نمایندگان کمیسیون، لایحه را بررسی و تصویب کردند، لیکن نوبت به طرح لایحه در کمیسیون نرسید و عملاً بررسی آن به دوره‌ی هشتم مجلس شورای اسلامی موکول شد. در شهریورماه ۱۳۸۷ کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس به‌طورجدی لایحه را بررسی و تصویب کرد و جهت تصویب نهایی به صحن علنی مجلس ارجاع داد که تا پایان آن سال ادامه یافت و پس از یک‌بار ارجاع به شورای نگهبان و رفع ایرادهای مبتنی بر شرع و قانون اساسی وارده از سوی آن شورا، نهایتاً در تیرماه سال ۱۳۸۸ جهت دولت از سوی مجلس شورای اسلامی ابلاغ شد. این قانون مصوب، مشتمل بر ۳ بخش اصلی می‌باشد که به ترتیب به جرائم و مجازات‌ها، آئین دادرسی و سایر مقررات، اختصاص یافته

است (فضلی، ۱۳۸۹: ۲۸).

فعالیت‌های سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص جرائم رایانه‌ای

به لحاظ خصیصه‌ی فراملی جرائم سایبری، اقدامات بین‌المللی فراوانی برای دستیابی به سیاست جنایی بین‌المللی ناظر بر این جرائم انجام شده است. فعالیت‌های بین‌المللی برای مبارزه با جرائم سایبری از دهه‌ی ۱۹۸۰ شروع شد. سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی، انجمن بین‌المللی حقوق جزا، سازمان ملل متحد، اینترپل، شورای اروپا و مجمع کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی مبارزه با جرائم سایبر (۲۰۰۱) بوداپست، اقدامات ارزنده‌ای را در این خصوص انجام داده‌اند (فضلی، ۱۳۸۹: ۲۲).

۱- **اصلاحات قانون در جرائم سایبری:** دستاورد این پیمان این است که تغییراتی عملی یا بهتر بگوییم انقلابی در قانون‌گذاری جرائم اینترنتی ایجاد کرده است. شورای اروپا در حدود سال ۲۰۰۶، پروژه‌ای جهانی در مورد جرائم اینترنتی راه اندازی کرد که به‌منظور تقویت ثبات داخلی بر اساس پیمان بوداپست طراحی شده بود. انقلاب قانونی و نهادی در مورد جرائم اینترنتی به حدود ۱۲۰ کشور مختلف توصیه شد. تحت تأثیر این فرایند، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پیمان بوداپست را به‌عنوان پایه‌ای برای توسعه قانون و نهادی برای تحقیق و تعقیب جرائم اینترنتی ذکر کرده است و الحاق به آن را به تمام کشورهای جهان پیشنهاد کرد. سازمان ملل متحد نقش پیشگام در استانداردسازی پیمان بوداپست و مدیریت بهبود آن را بر عهده داشته است (زندی، ۱۳۸۹: ۲۸).

۲- **تشکیل سیستم همکاری مؤثر برای کشورهای منفرد:** اگرچه پیمان بوداپست توافقی انجام شده توسط شورای اروپا است، اما امروزه، ۵۵ کشور جهان به آن ملحق شده‌اند. با توجه به اینکه ۱۴ کشور اروپایی هنوز به این پیمان نپیوسته‌اند این معاهده به‌جای یک معاهده منطقه‌ای در اروپا، دارای پتانسیلی است که به یک پیمان جهانی توسعه‌یافته تبدیل شود. مزیت دیگر آن این است که کشورها می‌توانند با الحاق به این معاهده از جرائم اینترنتی پیشگیری کنند. علاوه بر این، دستاورد آن، در ترویج فن‌آوری‌های کلی در مورد جرائم اینترنتی بین‌المللی به‌طور گسترده‌ای به کشورهای جهان کمک خواهد کرد

۳- **کمک زمینه‌های عمومی در افزایش توانایی واکنش به جرائم سایبری:** انقلاب حقوقی و

نهادی و همچنین همکاری مؤثر کشورها با یکدیگر باعث تجمیع و انباشته شدن تکنیک‌های قانونی و نهادی در مقابله با جرائم اینترنتی شده است بنابراین، این‌طور به نظر می‌رسد که باید یک تأثیر مثبتی برای آن قائل شد از جهت این چشم‌انداز که می‌توانند به کشورهای غیر عضو کمک کنند بدین معنی که جلسه‌هایی را بر اساس پیمان بوداپست باهم تشکیل دهند. داشتن نشست‌هایی مانند نشستی که به بوداپست انجامید شبیه یک کاتالیزور تسریع‌کننده برای توسعه فناوری در مدیریت جرائم اینترنتی عمل می‌کند. همچنین، می‌توان در ماده ۱۵ پیمان بوداپست این اصل را مشاهده کرد و از آن به‌عنوان کتابچه راهنما جهت جلوگیری از جرائم اینترنتی و استفاده مناسب از کامپیوتر استفاده کرد؛ بنابراین، مشارکت در این پیمان نه‌تنها از حریم خصوصی بلکه از حقوق شخصی نیز حمایت می‌کند (زندی، ۱۳۸۹: ۲۵).

۴- دیگر دستاوردها: پیمان بوداپست به‌عنوان یک اساسنامه برای افزایش اثربخشی معاهدات موجود در هر کشور عمل می‌کند (به‌ویژه، پیمان همکاری حقوقی متقابل، استرداد برای اجرای مجازات در پیمان و غیره). کمک قضایی برای تحقیق، دستگیری و محاکمه جرائم اینترنتی بر اساس پیمان بوداپست، اثر دیگر معاهدات مشابه را نیز افزایش می‌دهد.

کنترل بین‌المللی جرائم سایبری

۱- مشکلات درباره صلاحیت کیفری بین‌المللی جرائم سایبری: حل مشکل از طریق قوانین بین‌المللی جاری دشوار است که یک داوری بین‌المللی بر اساس مشارکت ملی در واقعیت یک الزام عمومی داشته باشد بنابراین بهتر است حل مسائل مربوط به جرائم اینترنتی بین‌المللی از طریق قوانین بین‌المللی متعارف صورت بگیرد تا معاهدات. وقتی از وضع یک قانون بین‌المللی متعارف صحبت می‌کنیم، این امر نیازمند یک همانندی جهانی نیست بلکه به‌محض اینکه این قانون به وجود می‌آید عوامل الزام‌آور کلی را شامل می‌شود؛ بنابراین معقول است اصول یکسانی بر قوانین جرائم اینترنتی بین‌المللی از طریق الزامات قوانین معمول بین‌المللی اعمال شود (زندی، ۱۳۸۹: ۵۰).

۲- الزامات قانون جاری در حقوق بین‌المللی رایج: قوانین جاری بین‌المللی به‌طور عمده بر اساس شیوه‌های ملی مستقر می‌شود اما همه آن‌ها به یک قانون جاری تبدیل نمی‌شوند. در پروسه تبدیل شدن به یک قانون رایج، باید "شیوه‌های عمومی" شامل تداوم، همسانی و کلیت در نظر گرفته شوند. همچنین، کشور مورد نظر باید دارای تاییدیه حقوقی در آن بخش باشد.

دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) برای الزاماتی را برای استقرار حقوق بین‌الملل جاری را اعلام کرده است. در این حکم، دیوان بین‌المللی دادگستری به این نتیجه رسیده است که برای برخی از مفاد معاهده به‌عنوان یک حقوق بین‌الملل رایج باید شرایط زیر برقرار شود: ۱- آن ماده از قانون باید دارای ویژگی ایجاد هنجار باشد ۲- مشارکت کشورها خصوصاً کشورهایی که منافع آن‌ها به‌طور ویژه‌ای به این عمل وابسته است ۳- عملکردهای کشور موردنظر گسترده و سازگار باشد ۴- این شیوه‌ها به‌عنوان وظایف قانونی تلقی شوند. آنچه که در اینجا نیاز به توجه دارد اهمیت "کشورهایی است که منافع آن‌ها مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌گیرد." برای اینکه اقدامات کلی به‌نوبه خود به حقوق بین‌الملل رایج تبدیل شوند، باید برای یک دوره معینی از زمان، حفظ و نگهداری شوند. با این حال، هیچ دوره زمانی ثابتی برای تشکیل آداب‌ورسوم و شیوه‌های آن وجود ندارد. به این ترتیب قوانین جاری و عمومی که در کشورها ایجاد شده‌اند، در دوره‌ای کوتاه امکان تبدیل شدن به قوانین رایج، "گسترده و در واقع سازگار" را دارا هستند (فضلی، ۱۳۸۹: ۶۴).

۳- ارائه دستورالعمل از طریق سازمان ملل متحد و وضع قوانین بین‌المللی متعارف: برای

ایجاد حقوق بین‌الملل رایج درباره صلاحیت رسیدگی کیفری به جرائم اینترنتی بین‌المللی، باید شیوه‌های ثابتی وجود داشته باشد. به‌طور کلی، منظور از شیوه، عملکرد یکنواخت و مداوم در کشورهاست. یکی از مؤثرترین راه‌ها برای شکل‌گیری این شیوه این است که یک راهنمای جهانی در بازتاب نظرات کشورهایی که دارای منافع خاص در حوزه جرائم اینترنتی بین‌المللی هستند ایجاد و منتشر کرد، اما هنوز هیچ نظام قانونی الزام‌آور معتبری وجود ندارد. به نظر می‌رسد چنین شیوه‌نامه‌ای توسط یک سازمان بین‌المللی جهانی که آن را سازمان ملل می‌نامیم تدوین شود. برای جزئیات این دستورالعمل، برای کشورهایی که تحت اثر قرار می‌گیرند معقول است که رویه‌های قضایی منطبق با اصل قلمرو و اصل شخص غیرفعال داشته باشند. دستورالعمل فوق امکان توسعه‌یافتن به حقوق بین‌الملل رایج را به دلایل زیر دارا می‌باشد: ۱- اصل یکسان‌سازی قضایی برای جرائم اینترنتی بین‌المللی سایر این است که به‌طور اساسی دارای ویژگی هنجارآورینی است ۲- کشورهای آسیب‌دیده از جرم بین‌المللی سایر به آن دسته از کشورهایی محسوب می‌شود که دارای منافع خاص هستند و مشارکت این قبیل کشورها توصیه می‌شود؛ و اگر قرار است این رویه‌ها شکل بگیرند باید: ۱- به‌طور گسترده‌ای، به آن عمل شود ۲- تحت اطمینان حقوقی کشورهای مشارکت‌کننده انجام شوند. در نتیجه این دستورالعمل به‌عنوان حقوق بین‌الملل جاری قابل ثبت خواهد بود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه‌ی شماره ۴۵/۱۲۱ خود اسناد

و قطعنامه‌های مصوبه‌ی هشتمین کنگره را پذیرفت و از دولت‌ها خواست تا در تبیین قوانین و دستورالعمل‌های تعیین‌کننده‌ی خط‌مشی خود و براساس شرایط اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، فرهنگی و سیاسی در کشور از قطعنامه‌های مزبور تبعیت کنند (فضلی، ۱۳۸۹: ۵۸).

نتیجه‌گیری:

با پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات علی‌رغم تحول و دگرگونی که در زندگی بشر ایجاد می‌کند باعث بروز آسیب‌ها و صدماتی را به همراه دارد. اعمال و رفتارهایی که در محیط رایانه‌ای و مجازی واقع می‌شود حاصل پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات و جایگزین محیط سنتی و فیزیکی است. در این محیط هم مانند محیط سنتی تمامی رفتارهای انسانی سالم نیستند بلکه چه بسا تخطی از هنجارهای اخلاقی و یا تعریف شده از آن وجود دارد. و لذا موجبات قربانی شدن و عبارتی بزه دیده شدن اشخاص در محیط رایانه‌ای را فراهم می‌کند. محیط رایانه‌ای هم مانند محیط سنتی می‌تواند با توجه به ماهیت آن بزه دیدگان خاص خودش را داشته باشد که لازم است همانند محیط سنتی مورد حمایت قوانین ویژه‌ای قرار گیرد. جرم رایانه‌ای عبارت از جرایمی است که در فضای مجازی (اینترنتی) رخ می‌دهد. و در تعریف گسترده هر فعل یا ترک فعلی که در و یا از طریق یا به کمک رایانه یا از طریق اتصال به اینترنت، چه به طور مستقیم یا غیرمستقیم رخ می‌دهد و توسط قانون ممنوع گردیده و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. در بیشتر کشورها جرایم رایانه‌ای بعنوان یک موضوع جدی مطرح است و کشورها با تصویب قوانینی متناسب با نوع جرایم در پیشگیری از آن تدابیر لازم را اندیشیده‌اند. بررسی قوانین کیفری ایران پیرامون جرایم رایانه‌ای متأسفانه در ایران موضوع تخلفات و جرایم کامپیوتری دیرتر از کشورهای دیگر نمودار گردیده و شاید علت آن ناشناخته بودن فن‌آوری اطلاعات در ایران بوده است.

منابع و مأخذ:

۱. پاکزاد، بتول، جرایم رایانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰.
۲. پرویزی، رضا؛ پی جویی جرایم رایانه‌ای، تهران، انتشارات جهان جام جم، چاپ اول، ۴۶، ۱۳۸۴.
۳. جلالی فراهانی، امیر حسین، درآمدی بر آیین دادرسی کیفری جرایم سایبری، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
۴. حسینی، بیژن، جرائم اینترنتی علیه اطفال و زمینه‌های جرم‌شناسی آن، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، ۱۳۸۶.
۵. حسن بیگی، ابراهیم، آسیب‌شناسی شبکه جهانی اطلاع‌رسانی اینترنت و ارائه راهبردهای مناسب جهت مقابله با تهدیدها از دیدگاه امنیت ملی با تاکید بر جنبه‌های حقوقی و فنی، پایان نامه دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۹.
۶. دزبانی، محمد حسن، جرائم کامپیوتری، جلد اول، دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک، ۱۳۸۶.
۷. دیویدچی، آیکو، «راهکارهای پیشگیری و مقابله با جرایم رایانه‌ای»، ترجمه: اکبر استرکی و دیگران، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰.
۸. راجی، سید محمد هادی؛ نگاهی به قانون تجارت الکترونیک، فصلنامه نشریه حقوقی گواه، بهار و تابستان شماره ۶ و ۷، ۹۶، ۱۳۸۵.
۹. زندی، محمدرضا، تحقیقات مقدماتی در جرائم سایبری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۰. شیرزاد، کامران، جرایم رایانه‌ای از دیدگاه حقوق جزای ایران و بین‌الملل، نشر بهینه فراگیر، چاپ اول، تهران ۱۳۸۸.
۱۱. فضل، مهدی، مسئولیت کیفری در فضای سایبر، انتشارات خرسندی، چاپ اول، تهران ۱۳۸۹.
۱۲. عالی پور، حسن، حقوق کیفری فناوری اطلاعات (جرایم رایانه‌ای)، انتشارات خرسندی، چاپ اول، تهران ۱۳۹۰.

۱۳. عمیدی، مهدی، مطالعه تطبیقی جرایم رایانه‌ای از دیدگاه فقه و حقوق کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۷.
۱۴. معظمی، شهلا، «جرم سازمان یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن» چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۹.
۱۵. معتمد نژاد، کاظم، وسایل ارتباط جمعی جلد نخست، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳.
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (پیشگیری)، دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تنظیم مهدی سید زاده، نیمسال دوم تحصیلی ۱۳۸۲.

تحلیل جرم شناختی قانون گریزی بین جوانان ۱۹ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان

الهام کشوری* محمد رضا شادمان فر*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۱۹	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۲۳	شماره صفحه: ۱۳۴-۱۰۶
-------------------	-------------------------	------------------------	---------------------

قانون گریزی یکی از معضلات و مسائل اجتماعی پراهمیت در تمامی جوامع مدنی است که برای حل معضلی به این مهمی در حال چاره جویی و چاره اندیشی هستند. به این دلیل که حیات و بقای هر جامعه‌ای وابسته به وجود نظم است و نظم هم جز با قانون پذیری به دست نخواهد آمد؛ پس نخستین قدم برای داتن جامعه سالم و قانون گرا، وضع قوانین بروز و سازگار با نیازهای اعضای جامعه است. هدف از تحقیق حاضر بررسی علل و عوامل اجتماعی قانون گریزی در میان جوانان شهر اصفهان بوده و ارتباط آن را با داشتن دوستان و خانواده قانون گریز، احساس عدالت توزیعی، اعتماد اجتماعی و کنترل اجتماعی را واکاوی می‌کند. روشی که در این تحقیق از آن استفاده شده، روش پیمایشی بوده است. جامعه آماری پژوهش، تمامی شهروندان جوان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان است. از فرمول کوکران استفاده شده است که ۳۹۰ نفر از نمونه گیری تصادفی چند مرحله‌ای تحت عنوان نمونه انتخاب شد. ابزار جمع آوری داده‌های متغیر قانون گریزی پرسشنامه تدوین شده توسط پژوهشگر است که در راستای تعیین اعتبار آن نیز از اعتبار صوری و برای تعیین پایایی آن از روش همسانی درونی از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. یافته‌های توصیفی پژوهش نیز نشان داد که میزان قانون گریزی در میان جوانان را می‌توان گفت به طرز قابل توجهی بالا است. باید گفت که به نظر می‌رسد اولین قدم یعنی وضع قوانین کارا و مناسب

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

با شرایط جامعه به درستی انجام نشده است. باید در نظر داشت که در این پژوهش سعی شده تا سازوکارهای پیشگیری از قانون گریزی مورد توجه قرار بگیرد که ارتکاب جرم از تجمیع سه عامل بوده: ۱- مجرم با انگیزه، ۲- سیبل مساعد و ۳- محیط و اوضاع و احوال مناسب بوده است، پس بهتر آن است که ۳ عامل گفته شده را یعنی اقدامات لازم باید متوجه فردی که مرتکب بالقوه است به قصد نزول انگیزه یا نظر بر سیبل یا بزه دیده در راستای کم کردن مجال های جنایی با محیط اطراف با هدف ناسازگار کردن مقدمات انجام جرم باشد.

واژه های کلیدی: قانون گریزی، اعتماد اجتماعی، کنترل اجتماعی، آنومی اجتماعی، عدالت توزیعی.

مقدمه

رسیدن به آرامش در زندگی اجتماعی مستلزم رعایت قانون و احترام به حقوق دیگر افراد جامعه است و هرگونه تخطی، باعث هرجومرج و بینظمی در زندگی روزمره افراد میشود (کاشانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۴). در جامعه قانون با این هدف تصویب شده تا حفظ نظم را اجباری کند و آن را به الگوی رفتاری جامعه تبدیل سازد (نونت و همکاران، ۲۰۱۷). قانون وظیفه کنترل و نظارت بر کنش شهروندان در تعامل اجتماعی را بر عهده دارد و دارای دو پایه مهم سنت و هنجار است. قانونها متناسب با نظام اجتماعی و خرده فرهنگهای اجتماعی فرق میکنند. گریز از قانون و تخاطی از هنجارهای قانونی در اکثر فرهنگ ها وجود دارد و تنها تفاوت آنها در کم و کیف عبور از قانون است (عشایری و نامیان، ۱۳۹۸: ۳۵۹). قانونگریزی مترادف با نظمگریزی است که عوارض آن قانع نبودن شخص به خود، تعرض به حقوق دیگران، انجام ندادن تکالیف، گریز از مسئولیت و رسیدن به مقصود به هر طریق ممکن است. از بعد حقوقی، میتوان قانونگریزی را این گونه تعریف کرد: قانونگریزی، نادیده- گرفتن قواعد رفتاری و هنجارهاست که دارای ضمانتهای اجرایی رسمی هستند؛ شیوع تکرار این رفتار، میزان قانونگریزی افراد را تعیین میکند (میرفردی و فرجی، ۱۳۹۴: ۹۵). اکنون قانون گریزی تبدیل به پدیده ای اجتماعی جهانی شده است که هر اجتماعی بسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی خودش متناسب با آن نوع گوناگونی از آن را تجربه می کند. ولی این مسئله با تدقیق به گونه اجتماع ممکن است علل متعددی داشته باشد. پژوهش هایی که در ۳ دهه گذشته به شکل نظرسنجی (نظرسنجی صدا و سیما ۱۳۷۷،

طرح ارزش‌ها و نگرش‌ها ۱۳۸۱ و ...) صورت گرفته است. فعالیت‌های توأم با قانون‌گریزی مثل بی‌اعتنایی به قوانین راهنمایی و رانندگی، پرداخت نکردن یا فرار از پرداخت مالیات‌ها، کارسازی با رشوه در اداره‌های کشور را اذغان کرده بودند. موضوع قانون در کشور ایران به اشاعه و ترویج اندیشه طغیان نسبت به قوانین یا نگاهی ابرازی داشتن به قانون بین مردم منتهی نشده، البته نظر بر این است که احساساتی غریب و حتی در بعضی اوقات متضاد به قانون در بین مردم مشاهده شده است. بی‌سوادی و حتی سواد کم داشتن، آگاه نبودن و به عبارتی جاهل بودن به قوانین جاری، تکثر و فراوانی خرده‌فرهنگ‌ها، توزیع و بهره بردن نامساوی از امکانات موجود، فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی در ابعاد ملی و محلی، توسعه بی‌وقفه ارتباطات فرا سرزمینی به ایجاد و حتی شدت یافتن تفاوت‌ها، تضادهای اعتقادی، ارزشی و حتی هنجاری در میان اشخاص و دسته‌های اجتماعی باعث می‌شود به شکلی بین نواغ و مردم عادی بر روی اصول‌ها و هدف‌های فرهنگی، بینشی مشترک و اتفاق نظر وجود نداشته باشد (عبداللهی، ۱۳۷۸: ۱۹۹). از آنجا که وقتی افراد با قوانین بیگانه باشند و دوری و جدایی که بین ساختارهای شخصی و جامعه‌ای، تضاد جامعه‌شناسی و روانشناسی، دو رخ بودن قانون بدین معنا که در برابر جامعه روی خشن داشته باشد (همان). و همینطور عدم وجود قانون معین در دوره‌های متعدد، دوگونه بودن ارزش‌های مسلط یعنی منظری سنتی و منظری مذهبی داشتن، عدم ثبات قوانین و تعادل نداشتن جامعه به صورت کلی (علوی‌تبار، ۱۳۷۶: ۹۰).

مطرح کردن موضوع قانون‌گریزی در اجتماع ایران بدین جهت دارای اهمیت است که ایران در چهار دهه اخیر با تحولات ساختاری و فرهنگی زیادی مثل انقلاب، جنگ هشت ساله، رشد سریع جمعیت، توسعه رسانه‌های ارتباط جمعی و حتی گفتگوی فرهنگی با سایر جوامع، بیشتر شدن سطح کمی آموزش‌های عالی، تغییرات اقتصادی و اجتماعی و ... روبرو است. که هریک از این موارد گفته شده به تنهایی باعث تحولات عمده‌ای در محیط جامعه و حتی زندگی روزانه اشخاص به وجود آورده است که در همین حال جهات مفیدی که بعضی از این تحولات را با خود داشته وضعیت تازه‌ای را جلوی روی کنشگران گذاشته که سازگار نبودن با آن‌ها طبیعتاً فعالیت‌های مستبدانه و توأم با قانون‌گریزی را در خود داشته است. در این سال‌ها و دهه‌های ممتد گذشته در ایران، تبعیت نکردن از قوانین، خودش گونه‌ای از «قانون نانوشته» را پدید آورده و نکته جالب توجه این است که قانون و قانون پذیرسخنی است که همگی متفق‌القول با آن موافق هستند و هر شخص یا هر مقامی، سایرین را در راستای رعایت و تبعیت از این مهم

تشویق می‌کنند (ملک‌پور، ۱۳۸۱: ۱۵۷). در شهر اصفهان با وجود ساختار فرهنگی و تاریخی و قدمتی دیرینه که این شهر دارد اما به نظر می‌رسد که باز هم با وجود قوانین چالش‌های زیادی را با خود به همراه دارد که باعث می‌شود عدم اطاعت و پیروی شهروندان از قوانین تصویب شده و به گونه‌ای از موضع گیری که در مقابل هنجارهای قانونی جاری در اجتماع هست. بر همین مبنا پژوهش‌هایی مشکوفه در این شهر اعمالی خاص گرایانه مثل: فامیل‌سالاری، خانواده‌گرایی، دوست‌سالاری، شبکه‌بازی، باندبازی دیده شده. باید توجه کرد که ارزش‌های خاص‌گرا جایشان را به ارزش‌های عام‌گرا در جامعه داده است و در خیلی از موارد بستر را برای نقض قوانین مهیا می‌کنند زیرا این‌گونه ارزش‌ها باعث قدرتمند شدن اتصالات میان گروهی، نفع‌گرایی و خویشاوندگرایی در اجتماع به دنبال داشته است و وضعیت را برای قانون گریزی مناسب می‌کند. برمبنای مشاهدات و امارات بارز و دیده شده، با تدقیق مشکوفه و همین‌طور مراجعه به مراکز مرتبط و استفاده و استناد به آمار و ارقام موجود در سطوح شهری، این موضوع باعث از بین رفتن فرصت‌ها می‌شود که خاصه جبران‌پذیر هم نیستند چه از نظر کار و تحصیل و حتی در نسل‌های آینده با مخاطرات و صدمات اجتماعی روبرو می‌شوند توجه را به خودش جلب می‌کند. باید توجه داشت که شهر اصفهان با چنین سابقه تاریخی طولانی، جاذبه‌های طبیعی، فرهنگی و هنری که دارد و همچنین سابقه پایتخت بودن و ... دارد و قانون‌گریزی شهروندان همراه با این که آسیبی جدی محسوب می‌شود، مانعی جدی برای توسعه بیشتر و حتی ممکن است عدم توجه به این مهم باعث از بین رفتن تمامی فرصت‌ها و حتی آثار تاریخی و فرهنگی و جاذبه طبیعی شود. در این راستا، تحقیق حاضر به بررسی قانون گریزی و عوامل اجتماعی آن در بین جوانان ۱۹ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان می‌پردازد. با توجه به هدف و اهمیت تحقیق، فرضیه‌های تحقیق به شرح ذیل مطرح می‌شود:

- ۱- همبستگی معنادار بین کنترل اجتماعی و رفتار قانون گریزانه افراد وجود دارد.
- ۲- همبستگی میان دوستان، خانواده قانون گریز داشتن و قانون گریز بودن افراد وجود دارد.
- ۳- ارتباطی معنادار بین احساس عدالت توزیعی افراد و رفتار قانون گریزانه آنان وجود دارد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تعریف قانون گریزی

در کتاب سرگذشت قانون دکتر علی پاشا صالح در تعریف اصطلاح قانون چنین آمده است که: «قانون در مفهوم عام شامل همه مقررات حاکم بر هستی است و در مفهوم اخص به قواعد و چارچوب‌های زندگی اجتماعی گفته می‌شود که توسط مقامات صلاحیتداری که مرجع قانون گذاری هر کشور و حکومت و دولتی هستند، وضع و اعلام می‌شود. این قوانین به اعتبار مقررات عرفی و عادات و آداب و رسوم افراد جامعه که عمدتاً از گذشته‌های دور و پیشینیان و نیاکان به ارث رسیده، به طور مشخص این عادات و آداب و رسوم موروثی حوالی حق و ناحق و خوب و بدی و یا راه تشخیص هر یک از آن‌ها، همراه با ضمانت اجرایی که از طرف مرجع قانونگذاری اعلام می‌شود، مهمترین و شاید بتوان گفت والاترین هدف آن جلوگیری از دخالت‌های گستاخانه و دیکتاتورمابانه افراد و طبقات با نفوذ و موثر قدرتمند و دولت‌ها و حفظ نظام اجتماعی است (صالح، ۱۳۹۵: ۹-۱۰)».

در ترمینولوژی حقوق دکتر لنگرودی در تعریف قانون گفته شده که: «اصل این کلمه کانون است که عبارت است از مقررات موضوعه‌ای که توسط مقامات کلیسا وضع می‌شود. و در اصطلاحات زیر به کار می‌رود:

در مفهوم اعم: به مجموعه قواعد حقوقی گفته می‌شود که توسط قانونگذار مقرر می‌شود. در مفهوم اخص: دستور کلی و یا گاهی اوقات دستور جزئی که توسط مرجع صالح وضع شده و توسط مجلس قانونگذاری به تصویب می‌رسد و بعد به امضا (تایید) مراجع صالح برسد.

قانون مصادیق زیادی دارد و نمی‌توان گفت مختص به مورد یا موارد معینی است. گاه به قواعد حقوقی که ضمانت اجرا داشته باشد گفته می‌شود هر چند که آن قواعد حقوقی ناظر به موارد خاصی باشد مثل قانون راجع به کشیدن خط آهن سرتاسر ایران. گاه قانون در معنای گفته شده در برابر عرف و عادت به کاربرده می‌شود. قواعد حقوقی عام یا خاصی که به وسیله قوه مجریه وضع می‌شود، نیست. به همین معنی که گفته می‌شود: تصویب نامه و نظام نامه‌ها را شامل می‌شود اما این موارد شامل بخشنامه نمی‌شود. در فقه تعریف قانون (قوانین شرعی) یکسری خصیصه و ویژگی دارند که شامل: کلی باشد و این کلی بودن تفاوتی در الزامی بودن

(مثل اوامر و نواهی)، یا اختیاری بودن مثل مستحبات و مکروهات ندارد. قوانین به وسیله وحی رسیده باشد و فرقی ندارد این وحی به شکل قرآن نازل شده باشد یا به شکل احادیث نقل شده باشد. دوام داشته باشد و این جنبه به تعاریف مختلفی که از قانون در علوم و حوزه‌های مختلف بیان شده است و در هر حوزه تقسیم بندی و مفهوم خاص خود را دارد. لذا در این پژوهش مفهوم قانون، همان است که دکتر لنگرودی در ترمینولوژی حقوق آورده‌اند، مدنظر است. بدین معنا که منظور از قانون مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر جامعه که ضمانت اجرایی هم برای اجرا یا عدم اجرای آن تعیین شده است.

هرگاه افراد هنجارهایی را که جزیی از قواعد و چارچوب رسمی جامعه است، زیر پا گذارند و نادیده بگیرند جامعه در چنین وضعیتی دچار قانون گریزی می‌شود. قانون گریز به کسی گفته می‌شود که با رفتار خود عالمانه و عامدانه قوانین رسمی جامعه را زیر پا گذارد و نادیده بگیرد. به رفتاری قانون گریزی گفته می‌شود که قوانین و قواعد رسمی جامعه مخالفت و نقض شود (فیروزجائی، ۱۳۸۹: ۸۹).

نظر به اینکه همه اشخاص و اعضای جامعه ممکن است در مدت زندگی خودشان یک یا چند قاعده را زیر پا گذاشته و نقض کنند. یا به بیان بهتر از چند یا چندین قاعده رسمی تخطی کنند و در مقابل هم کسانی هستند که همیشه و همه حال قوانین را نادیده انگاشته و زیر پا گذاشته‌اند. پس بهتر از اینگونه عنوان کنیم که قانون گریزی شامل طیف وسیع و گسترده‌ای از رفتارها است که شامل قانون گریزی گهگاهی و ملایم (عمدتا خشن نیستند مثل عدم پرداخت مالیات یا عبور از چراغ قرمز یا عدم پرداخت جریمه و مثالهای این چنینی) تا نوع شدید آن که به صورت مشخص و عمدتاً دائمی، شدید و خشن هستند مثل قتل و انواع جنایات علیه اشخاص یا سرقتها مسلحانه را تحت پوشش خویش قرار می‌دهد. پس میتوان قانون گریزی را از دیدگاه‌های مختلف تقسیم کرد. با توجه به تعریف فوق می‌توان قانون گریزی را به دو نوع سخت و نرم تقسیم کرد (علی بابائی و فیروزجائی، ۱۳۸۸: ۱۲۰). بطور خلاصه می‌توان گفت که در قانون گریزی نرم همه افراد مرکب این نوع جرائم می‌شوند یا طیف وسیعی از افراد جامعه درگیر قانون گریزی نرم هستند اما در قانون گریزی سخت افرادی که مرکب چنین جرائمی می‌شوند تعدادشان کمتری است ولیکن که تاثیری که جامعه و افراد جامعه می‌گذارد بیشتر و جدی‌تر است.

شاخص‌های قانون‌پذیری

جهت پی‌بردن به درجه و سطح قانون‌پذیری افراد جامعه و تطبیق و سازگاری اعضا با قواعد و قوانین و مقررات حاکم بر جامعه، شاخص‌های مختلفی وجود دارد که در اینجا شاخص‌های فرهنگی، شخصیتی و روانی، اجتماعی و حقوقی بررسی می‌شود:

الف) نظرش مثبت به جامعه: اجتماعی شدن اهداف مختلفی را دنبال می‌کند که یکی از آن اهداف ایجاد امید، آرزو و هدف یا به عبارت بهتر ایجاد «بینش» در شخص است. هر فردی که بخواهد عمل و رفتاری را انجام دهد، شروع آن رفتار در ذهن فرد است. پس با توجه این موضوع، برای تعهد و اجرای قانون هم باید بینش مثبتی در فرد ایجاد شود که با توجه به آن بینش مثبت به قانون افکار و عقاید و شخصیت فرد هم تحت تأثیر آن باعث ایجاد یک نمود عینی در رفتار افراد و اعضای جامعه بشود.

ب) کاهش ارتکاب جرائم: اگر بخواهیم یکی از شاخص‌های عمده قانون‌پذیری را در نظر بگیریم آن میزان ارتکاب جرائم است. بدین معنا که قانون‌پذیری یک دفاع اجتماعی در مقابل پدیده بزهکاری را ایجاد می‌کند.

ج) افزایش مشارکت اجتماعی: باید گفت که رابطه بین قانون‌پذیری و مشارکت اجتماعی، رابطه‌ای مستقیم است. هر اندازه که درجه قانون‌پذیری آنها بیشتر باشد، افراد آن جامعه هم معمولاً در بیشتر امور اجتماعی و امور عام‌المنفعه شرکت دارند. باید به این مسئله که ارزش‌های فرهنگی هر جامعه، پیش‌نیازی بنیادین برای رسیدن و دستیابی به مشارکت اجتماعی به شمار می‌آید.

د) دارا بودن انسجام اجتماعی: جوامعی که افراد آنها محترم شمردن و رعایت قوانین را برای خودشان یک فریضه می‌دانند، در چنین جوامعی درجات بالایی از انسجام اجتماعی دیده می‌شود. در این جوامع همکاری با ساختار توانمند جامعه و رقابت فردگرایی با ساختار ضعیف جامعه همگام است (فتح‌اللهی و دیگران ۱۳۹۰: ۳۰).

ر) تثبیت نظام حقوقی: در واقع نظام حقوقی به معنای مجموعه‌ای از قواعد و مقررات و آئین‌نامه‌ها و ضوابطی است که اجرای آنها باعث حفظ و بقا نظام اجتماعی می‌شود. بین درجه قانون‌پذیری افراد و حاکمیت نظام حقوقی و ثبات کارکردهای نظام حقوقی رابطه معنا دار و تسهیل‌گری وجود دارد.

نظر به اهمیت به اهمیت قانون گذاری و مسائل و پیامدهای آن، به دو نظریه کنترل اجتماعی و بازدارندگی اجتماعی اشاره شده است.

نظریه‌های کنترل اجتماعی^۱

در نظریه‌های کنترل اجتماعی فرض بر این است که همه انسان‌ها مستعد قانون‌گریزی هستند و اگر این استعدادشان کنترل نشود، مرتکب بزهکاری می‌شوند. نئوریسین‌های کنترل اجتماعی سؤال «چرا مردم از قوانین و مقررات جامعه پیروی می‌کنند؟» آنها بررسی می‌کنند که دلیل اطاعت مردم از قوانین این است که رفتارها و افکار آنان به وسیله نیروهای درونی و بیرونی کنترل می‌شود. بعضی از افراد قابلیت خودکنترلی دارند. بدین معنا که احساسی اخلاقی با قدرت زیاد آنان را از آسیب رساندن به دیگر افراد و یا عصیان و سرکشی از هنجارهای اجتماعی منع می‌کند و به سمت تعهد به هم‌نوایی بسط می‌دهد (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰: ۵۸).

این نظریه پردازان چنین اعتقاد دارند که ممکن است افراد فکر کنند که انجام اعمال مجرمانه باعث بشود که والدینشان آسیب ببینند و یا شانس برای رفتن به دانشگاه نداشته باشند و یا شغلشان را از دست بدهند و به بیان بهتر فردی که مرتکب رفتارهای بزهکارانه می‌شود به واسطه دلبستگی و تعهدی که به مردم یا نهادها دارند، کنترل می‌شوند و چنانچه این تعهد و دلبستگی درونی آنان که موجب الزامشان می‌شود از بین برود آنان از بند این تعلق رها شده و آزادانه قوانین و مقررات را زیر پا گذاشته و می‌شکنند. آنان که تعهدی ندارد به واسطه تهدید و قوه قهریه قوانین که همان مجازات‌های پیش‌بینی شده هستند، دلسرد می‌شوند.

نظریه بازدارندگی^۲

دانشمندی به نام والتر رکلس^۳ در سال ۱۹۶۱ که هم‌نوایی و ناهم‌نوا بودن را تحت عنوان ۲ واکنش متناوب نظام کنترل که رفتار انسان را نظم می‌دهند، بررسی می‌کند. وی کنترل اجتماعی را مانعی محافظ که ۲ گانه است می‌داند. این مانع حفاظتی دو گانه جامعه را علیه کج رفتاری حاد

1. Social control theory

2. Containment theory

3. W. Reckless

حفظ می‌کند. اولین مانع حافظتی جامعه‌پذیری است، اینکه هریک از اعضای جامعه جامعه‌پذیری کامل داشته‌بند که این خود دارای سه ویژگی است اول: خودکنترلی یا خویشن‌داری، دوم: خودپنداری یا تصویری که فرد ازخودش در ذهن خود دارد. سومین و آخرین ویژگی: نهادینه کردن هنجارهای اجتماعی است. او این مانع را عامل بازدارندگی درونی خوانده که در واقع به شخص در برابر وسوسه‌های انحرافی قدرت می‌دهد و باعث می‌شود که فرد از هنجارها تبعیت کند. البته ادعای رکلس بر این است که توان بازدارندگی هر فردی با فرد دیگر متفاوت است. او مانع دفاعی دیگر را که بازدارندگی بیرونی نامیده است. با این توضیح که، گروه یا جامعه‌ای که فرد متعلق به آن است و این مانع کج رفتاری حاد، خارج از فرد قرارداد. از نظر رکلس بازدارندگی بیرونی مجموعه‌ای از تمایلات قانونی و در عین حال ممنوعیت‌هایی است که خیل عظیمی از مردم را در پیوندهای رفتاری با جامعه قرار می‌دهد. اما توانایی قواعد و قوانین رسمی که بازدارندگی بیرونی کنترل رفتاری می‌شوند هم از شخصی به شخص دیگر فرق دارد. زمانی این موانع دفاعی دوگانه به اندازه کافی باهم کارکردی برای کنترل فرد و محافظت جامعه از کج رفتاری و یا رفتار ضد اجتماعی داشته باشند، به این بازدارندگی گفته می‌شود (ستوده ۱۳۸۶: ۱۴۰).

در سال‌های قبل پژوهشگران با تحقیقاتی که انجام داده‌اند، که تعدادی از مولفه‌های قانون‌گریزی را مطرح و تبیین کرده‌اند، در ذیل به آنها اشاره خواهد شد:

زارعی (۱۳۸۸): ایشان راجع به نقش عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر قانون‌گریزی را میان شهروندان شهر ایلام بررسی کردند. جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش ساکنین ۱۸ ساله و بالاتر شهرستان ایلام بوده است و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده. نتایجی که در این تحقیق آمده این بوده که از تجميع عوامل بیان شده متغیرهای جایگاه اجتماعی اقتصادی و همچنین احساس آنومی به شکل مستقیم و با متغیر وابسته قانون‌گریزی ارتباطی معنادار داشته. متغیرهایی مثل دینداری، اعتماد سیاسی داشتن، نوع نگرش به قانون و همچنین احساس کنترل و نظارت به شکل عکس بر میزان قانون‌گریزی موثر بوده است. همین‌طور از بین متغیرهای زمینه‌ای مثل سن، جنسیت، وضعیت تأهل با پدیده قانون‌گریزی ارتباطی معنا دار داشته و دیگر یافته این پژوهش، ارزیابی میزان قانون‌گریزی شهروندان ساکن در ایلام و نمایاندن موثر بودن عواملی چند بر روی آن بوده است. خیرخواهان (۱۳۹۲): در پژوهشی به مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر قانون‌گریزی شهروندان سمنان را مورد مطالعه قرار داده است. یافته‌های پژوهش مذکور پیمایشی بوده و نشان داده است که میان

احساس آنومی، وضعیت تأهل، رضایت از زندگی، نوع و اندازه استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی با قانون گریزی ارتباطی پرمعنی وجود داشته، اما میان سن، جنسیت، میزان گرایش به جمع، احساس عدم عدالت توزیعی و اعتماد پاسخ دهندگان با قانون گریزی فاقد رابطه معنا دار است. سلامتیان (۱۳۹۵): پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی روانی مرتبط با قانون گریزی (مورد مطالعه) رانندگان ۲۰ تا ۶۴ ساله شهر شیراز بوده. در این تحقیق جامعه آماری آن همه شهروندان ۲۰ تا ۶۴ ساله شهر شیراز بوده و روش استفاده شده در آن، روش پیمایشی است. یافته‌های توصیفی این پژوهش نشان داده است که میزان قانون گریزی رانندگی در میان رانندگان فراوانی بالایی دارد. علاوه بر این، یافته‌های تحلیلی پژوهش نشان از آن دارد که، ارتباط پرمعنی میان کنترل اجتماعی، ناکامی، فردگرایی و مدارای اجتماعی، با قانون گریزی رانندگان است و این متغیرها توان آن را دارد که ۲۶ درصد واریانس قانون گریزی رانندگی را تشریح کرده است. همینطور یافته‌های تحلیلی این پژوهش نشان داده است که میان سن، جنسیت، اندازه رانندگی در طی ۲۴ ساعت شبانه روز، میزان تحصیلات و قانون گریزی ارتباطی معنا دار وجود دارد ولیکن قانون گریزی رانندگی بسته به وضعیت تأهل، مدت زمانی که گواهینامه را اخذ کرده‌اند، نوع خودرو، قومیت فرقی معنادار وجود ندارد. با همه توضیحات، درنهایت نتیجه‌گیری که شده است این بوده که با ترفیع کنترل اجتماعی، کم کردن ناکامی و فردگرایی و همچنین بالابردن مدارای اجتماعی، قانون گریزی رانندگی را می‌توان تحت عنوان یکی از مسئله‌های اجتماعی کشور کم کرد. پور رجبی و مجدی (۱۳۹۸)، عوامل موثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه نشین شهر مشهد را مورد بررسی قرار دادند تایج بیانگر میزان قابل ملاحظه قانون‌گریزی با درجه میانگین ۲/۹ است. همچنین رابطه همبستگی عوامل مذهبی (به‌جز پابندی به مناسک مذهبی)، احساس برابری (به استثنای رعایت حقوق قومیت‌ها، برتری قانون بر رابطه و شایسته‌سالاری)، احساس کارآمدی و احساس بیگانگی (غیر از احساس بی‌معنایی) با میزان قانون‌گریزی از لحاظ آماری معنادار است. صفری نیا و همکاران (۱۴۰۰)، به مطالعه کیفی عوامل زمینه‌ساز قانون‌گریزی در ادارات شهر اهواز پرداختند نتایج نشان داد که در فرایند تحلیل بر مبنای مضامین پایه، ده مضمون سازمان‌دهنده تعاملات درون قومی، حمایت‌گری قومی، نظارت شکلی، ضعف در برخورد با افراد متخلف، تغییر ارزش‌های مرتبط با قانون‌مندی، فشار قانون‌گریزی، بی‌علاقگی شغلی و بی‌تفاوتی به منافع سازمانی به دست آمد؛ که درنهایت چهار مضمون فراگیر «شبکه روابط قومی، ضعف نظارت سازمانی، کاهش قبح قانون‌گریزی و ضعف تعهد سازمانی» به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز

در ایجاد قانون‌گزینی مشخص شدند. سرافراز و همکاران (۱۴۰۲): پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مصرف موسیقی و ارتباط آن با قانون‌گزینی در میان شهروندان شهر بندرعباس انجام داده‌اند. روش ایت تحقیق بر مبنای روش پیمایشی بوده است و جامعه آماری مورد استفاده در این پژوهش جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله شهر بندرعباس است. بر مبنای نتایج معادلات ساختاری در این تحقیق، شاخص‌های زندگی نشان دهنده سازگاری مدل یا داده‌ها بوده است. افزون بر آن یافته‌های دریافتی موسیقی از نظر آماری رابطه‌ای معکوس وجود داشته است. همین‌طور بر مبنای نتایج این تحقیق باید گفت که گروه همسالان بر سبک‌های استفاده موسیقی تأثیری نداشته ولی میان تدین و سبک موسیقی نخبه‌گرا رابطه‌ای عکس وجود دارد. همین‌طور بیانگر ارتباطی بین سرمایه فرهنگی با سبک موسیقی عامه‌پسند و نخبه‌گرا هست. با توجه به نتایج این پژوهش میزان و سبک استفاده از موسیقی تأثیری بر میزان قانون‌گزینی را نشان نداده است. حمیدی و جلودار (۱۴۰۲)، به مطالعه جامعه شناختی رابطه حمایت اجتماعی خانواده و قانون‌گزینی در بین شهروندان ۱۸ الی ۳۰ سال شهر ساری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین حمایت اجتماعی خانواده، تجارب حاصل از خانواده، ادراکات حاصل از خانواده، احساسات حاصل از خانواده با قانون‌گزینی در بین شهروندان ۱۸ تا ۳۰ سال شهر ساری همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از رگرسیون نشان داد که تجارب حاصل از خانواده با بیشترین مقدار بتا به‌عنوان بهترین پیش‌بینی‌کننده قانون‌گزینی در بین شهروندان ۱۸ تا ۳۰ سال شهر ساری است. همچنین یافته‌ها نشان داد، بین میزان برخورداری از حمایت اجتماعی خانواده و قانون‌گزینی در بین شهروندان ۱۸ تا ۳۰ سال شهر ساری تفاوت معناداری وجود دارد. فریدون نژاد و یوسفی (۱۴۰۳)، آسیب‌شناسی بروز پدیده قانون‌گزینی در دانش‌آموزان نوجوان را مورد بررسی قرار دادند نتایج نشان داد که علل فردی، اجتماعی، فرهنگی، رسانه‌ای، آموزشی و تحصیلی، قانونی و خانوادگی در نوجوانان موجب قانون‌گزینی می‌شود؛ همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که پیامدهای این پدیده، فردی، روانی، قانونی، اجتماعی، خانوادگی، آسیب‌زا و فرهنگی خواهند بود و در زمینه راهکارهای یافته شده می‌توان به تغییر رفتار، تربیت و انضباط خانوادگی، اجتماعی سازی، فرهنگ سازی و افزایش نظارت دولتی اشاره کرد.

نظر به بررسی مطالعات انجام شده، ناوری تحقیق از این نظر است که شهر اصفهان هرروزه دچار دگرگونی‌ها و تطور بیشتری می‌شود که این تطورات ممکن است در ساخت اجتماعی جامعه تأثیر شگرفی داشته باشند و راندمان نامطلوب و متضرر می‌تواند باعث افزایش

قانون گریزی بشود. بر همین مبنا باید با تشخیص متغیرهای واسط در چنین فرآیندی، به تحلیل عواملی پرداخته شود که روی قانون گریزی جوانان موثر بوده است. از آنجا که ساختار اجتماعی اصفهان وبه شکلی است که همچنان هنجارهای سنتی و مذهبی، روابط خویشاوندی بر افراد حاکم است با توجه به خصیصه‌های این شهر مثل مهاجرپذیر بودن، شرایط جغرافیایی و فرهنگی و سابقه تاریخی محل تلاقی خیل عظیمی از گردشگران در طول سال است، بسترهای فرهنگی و اجتماعی زیادی را برای جوانان بوجود آورده است. با این حال قانون گریزی تبدیل به یک بیماری مسری شده که امروزه بخش عمده‌ای از مردم شهر اصفهان خاصه جوانان، به این بیماری مبتلا گشته‌اند و از علامت‌های آن راضی نبودن فرد به حقوق خود، تعدی به حقوق سایرین، انجام ندادن وظایف خود تحت عنوان یک شهروند، فرار از مسئولیت و دستیابی به اهداف خود به هر وسیله ممکن و در دسترس، است. که چنین وضعیتی تفحص و جستجو در رابطه با عوامل این موضوع را صدچندان کرده است.

روش‌شناسی تحقیق

شیوه این تحقیق، مطالعه میدانی از گونه پیمایشی مقطعی است. در این روش برای جمع‌آوری داده‌ها در خصوص یک یا چندین صفت در یک برهه مثلاً یک روز یا یک هفته و یا یک ماه، به وسیله نمونه‌گیری از جامعه اجرا می‌شود. در این شیوه در واقع جامعه توصیف می‌شود، این توصیف بر مبنای یک یا چند مولفه است: در شیوه پیمایشی پژوهشگر اطلاعاتی را که لازم دارد کسب می‌کند. این اطلاعات مورد نیاز با بهره گرفتن از وسیله معینی که در این تحقیق از پرسشنامه استفاده شده است، گردآوری می‌شود. این پرسشنامه به شکل برابر در اختیار افراد جامعه آماری قرار خواهد گرفت. برای جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق از پرسشنامه ساختار یافته استفاده شود؛ به این شکل که سوالات پرسشنامه به شکل یکسان از همه افراد نمونه پرسیده خواهد شد. پرسشنامه این تحقیق در واقع توسط پژوهشگر تدوین شده است که بعد از تعاریف مفهومی، مولفه‌ها با سبک‌های متناسب اندازه‌گیری شده است. برای تدوین پرسشنامه تلاش شده است که سوالات حساس حتی المقدور در پایان پرسشنامه بیان شود تا تاثیر مخرب و منفی بر سوالات دیگر نداشته باشد. این پرسش نامه در قالب ابعاد ذیل طراحی شده است:

الف- قانون گریزی

در تحقیق حاضر برای ارزیابی متغیر وابسته قانون گریزی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده. این پرسشنامه ۱۴ گویه را در خود دارد. پرسشنامه به شکل رتبه‌ای از گونه لیکرت (کاملاً موافقم = ۱، موافقم = ۲، تا حدودی = ۳، مخالفم = ۴، کاملاً مخالفم = ۵) است و دامنه نمرات آن نیز از ۱۶ که کمترین نمره است تا ۸۰ که بیشترین نمره است، متغیر بوده.

ب- اعتماد اجتماعی

این پرسشنامه دارای ۶ گویه است. پرسشنامه به شکل رتبه‌ای از گونه لیکرت (کاملاً موافقم = ۱، موافقم = ۲، تا حدودی = ۳، مخالفم = ۴، کاملاً مخالفم = ۵) است و دامنه نمرات آن نیز از ۱۶ که کمترین نمره است تا ۸۰ که بیشترین نمره است، متغیر بوده.

ج- آنومی اجتماعی

این پرسشنامه با ۸ گویه تنظیم شده است. پرسشنامه به شکل رتبه‌ای از گونه لیکرت (کاملاً موافقم = ۱، موافقم = ۲، تا حدودی = ۳، مخالفم = ۴، کاملاً مخالفم = ۵) است و دامنه نمرات آن نیز از ۱۶ که کمترین نمره است تا ۸۰ که بیشترین نمره است، متغیر بوده.

د- کنترل اجتماعی

ابراز تحقیق در راستای کنترل اجتماعی، پرسشنامه استاندارد بوده است. این پرسشنامه شامل ۱۵ گویه است که ۲ بعد کنترل اجتماعی رسمی غیر رسمی را در خود دارد. پرسشنامه به شکل رتبه‌ای از گونه لیکرت (خیلی زیاد = ۱، زیاد = ۲، تا متوسط = ۳، کم = ۴، خیلی کم = ۵) است و دامنه نمرات آن نیز از ۱۶ که کمترین نمره است تا ۸۰ که بیشترین نمره است، متغیر بوده.

ه- عدالت توزیعی

ابزار گردآوری ارزیابی عدالت توزیعی، پرسشنامه تدوین شده توسط محقق بوده. این پرسشنامه دارای ۷ گویه بوده. پرسشنامه به شکل رتبه‌ای از گونه لیکرت (کاملاً موافقم = ۱، موافقم = ۲، تا حدودی = ۳، مخالفم = ۴، کاملاً مخالفم = ۵) است و دامنه نمرات آن نیز از ۱۶ که کمترین نمره است تا ۸۰ که بیشترین نمره است، متغیر بوده.

در این پژوهش اعتبار صوری مورد استفاده قرار گرفته است. بدین معنا که پرسشنامه به اساتید راهنما و مشاور تحویل داده شده تا بعد از بررسی دقیق آن ایراداتی که در آن وجود داشته، برطرف شود. اساتید راهنما و مشاور بعد از چندین بار بررسی، ایراداتی که پرسشنامه وجود داشته است، رفع نمودند. مواردی مثل بی‌ارتباط بودن مواردی از گویه‌ها، ایرادات نگارشی و جمله‌بندی بعضی از سوالات ایراد داشته، این ایرادات را عنوان نمودند و در آخر با نظر اساتید پرسشنامه نهایی تدوین و تنظیم شد. جهت سنجش پایایی نیز همبستگی درونی، روش آلفای کرونباخ به کار گرفته شده که اندازه و مقدار آن برابر با ۰/۷۶ بوده. همینطور ضریب پایایی نیز برابر با ۰/۶۳ بوده است.

در این پژوهش، منظور از جامعه پژوهشی، کلیه جوانان اعم از زنان و مردان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان که در سال ۱۳۹۵ در این شهر سکونت داشته‌اند که تعداد آن‌ها برابر با ۲۰۱۷۴۰۱۷۲ بوده است (سالنامه آماری، ۱۳۹۵). برای تعیین حجم نمونه از روش کوکران استفاده شده است. در این روش اگر p و q برابر یا ۰/۵ و مقدار خطا ۰/۰۵ و درصد فاصله اطمینان یا z برابر ۱/۶۹ باشد، حجم نمونه برابر با ۳۸۳ است. که برای دقت بیشتر تعداد ۳۹۰ نفر از شهروندان اصفهانی انتخاب شدند. طبقه‌ای به کار برده شده، این اختلاف بدین معنا است که در شهر اصفهان گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی با وابستگی‌ها و سلايق مختلف وجود دارد. بدین شکل که شهر اصفهان به سه منطقه مرفه نشین، متوسط نشین و حاشیه‌ای تقسیم شد. در وهله دوم هر یک از مناطق بر مبنای نقشه جغرافیایی شهر که به وسیله سازمان مسکن و شهرسازی و شهرداری تدوین شده، به صورت تصادفی چند بلوک، چند خیابان و در نهایت چند کوچه انتخاب شد و در نهایت با رفتن به درب منازل با افرادی که جوانان ۱۹ تا ۲۹ ساله بودند، مصاحبه شدند.

برای واکاوی داده‌ها اول باید از آمارهای توصیفی مثل: فراوانی، میانگین، میانه، مد، انحراف معیار مورد استفاده قرار می‌گیرد تا یک شمای کلی و اجمالی از مولفه‌ها به دست آورد. بعد برای اندازه‌گیری روابط بین مولفه‌های مستقل یا وابسته و همچنین ارتباط مولفه‌های مستقل با یکدیگر از همبستگی پیرسون و برای تأثیر خالص مولفه‌های مستقل در متغیر وابسته هم از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

شهر اصفهان در حاشیه کویرهای حوزه داخلی ایران، بخش مهمی از اعتبار و عظمت اقتصادی، تاریخی، علمی و هنری است. اصفهان از نظر موقعیت مکانی در ۴۳۵ کیلومتری تهران و در جنوب این شهر قرار گرفته است. از نظر طول جغرافیایی نیز در ۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه و ۴۰ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه و ۳۰ ثانیه شمالی است. از نظر محدوده شهری نیز به ۱۵ منطقه شهری تقسیم شده که از غرب شهر (خیابان کهنذر) متصل به خمینی شهر، از جنوب متصل به فلاورجان، از شمال به سمت شاهین شهر و از شرق نیز به دشت سجزی منتهی شده است (شهرداری اصفهان، ۱۴۰۱).

ارتفاع سطح شهر از سطح عمومی دریاها حدودا ۱۵۷۰ متر است و قسمت شمالی و شرقی به کویر محدود شده و در قسمت غربی و جنوبی نیز به سلسه کوه‌های زاگرس منتهی شده. کوهستان کرکس در ۵۰ کیلومتری شمال اصفهان و زردکوه بختیاری در جنوب غربی آن قرار دارد. وجود آب‌هایی مثل زاینده رود که از سرچشمه آن زاگری که دلیل پیدایش این شهر بوده است. شهر اصفهان بر روی دشتی به نسبت هموار با شیبی در حدود ۲ درصد و به طرف شمال رقی بناگردیده است. در سده‌های گذشته به سبب وجود آب فراوانتر و آلودگی کمتر در سمت جنوب غربی و توسعه بیشتری یافته است.

یافته ها

در ابتدا لازم است توصیفی از مشخصات عمومی پاسخ دهندگان آورده شود. در واقع خیل عظیمی از پاسخ‌دهندگان مرد (۶۳/۹)، و تقریباً (۴۵/۲) نیمی از پاسخ‌دهندگان نیز دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. میانگین سنی پاسخگویان (۲۳/۲۹) با انحراف معیار (۵/۶۵) بوده است که کمترین سن پاسخ‌گویان ۱۸ سال بوده و بیشترین سن ۲۹ سال بوده است.

در مرحله بعد پاسخگویی افراد در ابعاد قانون‌گذاری، اعتماد اجتماعی، آنومی اجتماعی، کنترل اجتماعی و عدالت توزیعی در طیف از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم به شرح ذیل آورده شده است.

یافته‌های متغیر وابسته قانون‌گریزی جوانان در جدول شماره (۱) آورده شده است. داده‌های این جدول در واقع بیشترین درصدها را برای عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی به خود

اختصاص داده است. البته بالا بودن میزان تمایل به دور زدن قوانین را نمی‌توان نادیده گرفت. اکثر پاسخ‌دهندگان یعنی (۴۴/۱) بیان کردند که اگر توانایی عدم اطاعت از قانون را داشته باشند انجام می‌دهند و فقط (۰/۵) در از آنها اذعان داشتند که قوانین را رعایت می‌کنند.

جدول ۱- فراوانی و درصد فراوانی قانون‌گریزی

ردیف	قانون‌گریزی	کاملاً موافقم		موافقم		تاحدودی		مخالفم		کاملاً مخالفم	
		۰/۰	F	۰/۰	F	۰/۰	F	۰/۰	F	۰/۰	F
۱	اگر بدانم که جرمه نمی‌شوم، ممکن است زمان رانندگی قواعد و قوانین را رعایت نکنم.	۳۱/۱	۱۲۱	۹۷	۲۵	۱۱	۲۸/۹	۴۲	۱۰/۹	۱۵	۴/۱
۲	اگر بشود در شرایط سبقت ممنوع، سبقت بگیرم، این کار را انجام می‌دهم.	۱۵/۵	۶۰	۱۱۷	۳۰/۲	۱۳۸	۳۵/۷	۵۱	۱۳/۲	۲۱	۵/۵
۳	در شرایطی که جای پارک خودرو نیست، در مکانی که پارک ممنوع است خودرو را پارک می‌کنم.	۴۴/۱	۱۷۱	۱۴۹	۳۸/۴	۵۱	۱۳/۲	۱۳	۳/۴	۴	۰/۹
۴	به نظر من اگر کار ضروری داشته باشیم، رد شدن از چراغ قرمز ایروادی ندارد.	۲۰	۷۷	۱۲۰	۳۰/۹	۱۳۴	۳۴/۵	۱۶	۴/۳	۴	۱/۲
۵	گاهی با آلوده کردن محله باعث عدم رعایت نظافت محله شده‌ام.	۲۶/۱	۱۰۱	۱۲۸	۳۳	۱۱۴	۲۹/۵	۲۷	۷	۱۷	۴/۳
۶	گاهی با عدم رعایت نوبت در صف‌های متعدد کارم را زودتر انجام داده‌ام.	۴۹/۵	۱۹۲	۱۴۱	۳۶/۴	۴۷	۱۲/۳	۵	۱/۴	۲	۰/۵
۷	اگر توانایی مختل کردن کنتورهای انرژی را داشته باشم، آنها را مختل خواهم کرد.	۳۴/۱	۱۳۲	۱۳۸	۳۵/۷	۹۱	۲۳/۶	۲۱	۵/۵	۴	۱/۱
۸	گاهی با پیدا کردن پارتی و آشنا در ادارات، امور اداری خودم را بوسیله آنها انجام می‌دهم تا قانونی.	۲۹/۵	۱۱۴	۱۳۸	۳۵/۵	۱۰۳	۲۶/۶	۲۴	۶/۴	۷	۲
۹	در صورت امکان از پرداخت مالیات فرار می‌کنم.	۳۳/۴	۱۲۹	۱۳۸	۳۵/۵	۹۳	۲۳/۹	۲۴	۶/۴	۳	۰/۹

۳/۲	۱۲	۸	۳۱	۳۸/۶	۱۱۱	۳۸	۱۴۷	۲۳/۳	۹۰	ساخت و ساز غيرقانوني، ڪاري صحيح است.	۱۰
۳/۶	۱۴	۸/۹	۳۴	۳۵/۷	۱۳۸	۳۲	۱۲۵	۱۹/۸	۷۷	افردى بيشتر موفق هستند كه قوانين را رعايت مي كنند.	۱۱
۵/۲	۲۰	۱۴/۳	۵۵	۳۵/۳	۱۳۷	۳۰/۹	۱۲۰	۱۵	۵۸	هميشه قوانين را رعايت مي كنم، حتى اگر كسي ناظر بر اجراي قوانين نباشد.	۱۲
۵/۵	۲۱	۱۳/۲	۵۱	۳۵/۷	۱۳۸	۳۰/۲	۱۱۷	۱۵/۵	۶۰	من هميشه از قوانين اطاعت مي كنم.	۱۳
۰/۹	۴	۶/۴	۲۴	۲۲/۹	۹۳	۳۵/۵	۱۳۸	۳۳/۴	۱۲۹	رعايت قوانين الزامي است، حتى اگر قوانين با عقايد و افكار ما در تضاد باشد.	۱۴

يافته هاي مولفه اعتماد اجتماعي در جدول شماره (۲) آمده است. بر مبنای داده های جدول زیر، خيل عظيمی از پاسخ دهندگان (۶۵٪) اعتماد اجتماعي پايینی داشتند و فقط (۰/۹) از پاسخ دهندگان اذعان داشتند كه هميشه به ديگران اعتماد ميكنند.

جدول شماره (۲) فراواني و درصد فراواني مولفه اعتماد اجتماعي

ردیف	اعتماد اجتماعي		كاملا موافقم		موافقم		تاحدودی		مخالفم		كاملا مخالفم	
			۰/۰	F	۰/۰	F	۰/۰	F	۰/۰	F	۰/۰	F
۱	به اعتقاد من اكثريت افراد قابل اعتماد است.		۷۰	۱۸/۲	۹۰	۲۲/۲	۱۳۳	۳۴/۳	۶۸	۱۷/۵	۲۶	۶/۸
۲	انسان تا زماني قابل اعتماد هستند كه از آنها بدی ندیده باشد.		۷۷	۲۰	۱۱۴	۲۹/۵	۱۴۰	۳۶/۱	۴۱	۱۰/۷	۱۴	۳/۶
۳	اعضای خانواده شما تا اندازه برايتان قابل اطمینان هستند؟		۲۵۲	۶۵	۸۷	۲۲/۵	۳۲	۸/۴	۱۱	۳	۴	۱/۱
۴	اقوام و خویشان شما تا چه اندازه برايتان قابل اطمینان هستند؟		۱۵۷	۴۰/۵	۱۲۰	۳۰/۹	۷۵	۱۹/۵	۲۶	۶/۸	۸	۲/۳

۵	هرگاه فردی از آشنایان شما از شما درخواست داشته باشد به او پولی حتی کم، قرض بدهید، احتمال اینکه شما مایل به قرض دادن این پول باشید چقدر است؟	۱۶۵	۴۲/۵	۱۰۸	۲۸	۷۰	۱۸/۲	۳۰	۷/۷	۱۴	۳/۶
۶	اگر خانواده شما دچار مسائل و مشکلاتی شود، احتمال اینکه برای کمک گرفتن از همسایه‌ها مشکلات خانوادگی خودتان را با آنان در میان بگذارید چقدر است؟	۹	۲/۳	۱۱۶	۳۰	۶۱	۱۵/۷	۲۵	۶/۶	۱۷۳	۴۴/۵

با توجه به آنچه که در جدول شماره (۳) آورده شده است. بر مبنای داده‌هایی که در این جدول آورده شده است بیشتر پاسخ‌دهندگان اذعان داشتند که احساس انومی اجتماعی و یا به عبارت دیگر این دیدگاه را داشتند که ساختار و فرم جامعه‌ی فعلی از هم پاشیده و ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی از بین رفته است.

جدول شماره (۳) فراوانی و درصد فراوانی معیار احساس انومی اجتماعی

ردیف	انومی اجتماعی	کاملاً موافقم		موافقم		تأخوددی		مخالقم		کاملاً مخالفم	
		F	٪	F	٪	F	٪	F	٪	F	٪
۱	شرایط جامعه به شکلی شده است که امکان تشخیص دشمن از دوست غیر ممکن شده است.	۱۹۹	۵۱/۱	۶۱	۱۵/۹	۵۲	۱۳/۴	۳۰	۷/۷	۴۵	۱۱/۸
۲	امروزه امکان تشخیص انسان خوب از بد خیلی سخت شده.	۲۴۳	۶۲/۷	۸۶	۲۲	۳۵	۹/۱	۱۷	۴/۵	۶	۱/۶
۳	با شرایطی که به وجود آمده، امکان تشخیص حلال از حرام غیرممکن شده است.	۲۵۲	۶۵	۸۷	۲۲/۵	۳۲	۸/۴	۱۱	۳	۴	۱/۱
۴	در شرایط کنکونی امکان تشخیص راه صحیح از غلط ناممکن است.	۱۵۷	۴۰/۵	۱۲۰	۳۰/۹	۷۵	۱۹/۵	۲۶	۶/۸	۸	۲/۳

۵	در حال حاضر قوانین ایران فاقد ثبات لازمه‌ای است تا افراد بر مبنای آن رفتار کنند.	۱۶۵	۴۲/۵	۱۰۸	۲۸	۷۰	۱۸/۲	۳۰	۷/۷	۱۴	۳/۶
۶	در اجتماع ما نظم ثابت با قابلیت پیش بینی شدن، است.	۹	۲/۳	۱۱۶	۳۰	۶۱	۱۵/۷	۲۵	۶/۶	۱۷۳	۴۴/۵
۷	در حال حاضر در اجتماع هیچ قاعده مشخص و معینی برای دستیابی به پول وجود ندارد	۲۰۶	۵۳	۱۰۷	۲۷/۵	۵۶	۱۴/۵	۹	۲/۵	۹	۲/۵
۸	در اجتماع ما پیش بینی رفتار افراد سهل و آسان است.	۷۷	۲۰	۱۱۴	۲۹/۵	۱۴۰	۳۶/۱	۴۱	۱۰/۷	۱۴	۳/۶

با دقت در جدول زیر به شماره (۴) و بررسی یافته‌های متغیر کنترل اجتماعی آورده شده است. بر مبنای داده‌های این جدول، خیل عظیمی از پاسخ‌دهندگان مادر خودشان را تأثیرگذارترین فرد معرفی کرده بودند و دادگاه‌ها، اصناف کمترین تأثیر گذاری را به آنها اختصاص داده بودند و معرفی شده بودند.

جدول (۴) فراوانی و درصد فراوانی معیار کنترل اجتماعی

ردیف	کنترل اجتماعی	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم	
		٪	F	٪	F	٪	F	٪	F	٪	F
۱	دستگاه قضا	۱/۴	۵	۷۴	۱۹/۱	۱۶۴	۴۲/۲	۴۴	۱۱/۴	۵۲	۱۳/۴
۲	پلیس	۴/۱	۱۶	۸۶	۲۲/۲	۱۶۴	۴۲/۲	۸۶	۲۲/۲	۵۱	۱۳/۲
۳	صدا و سیما	۴/۱	۱۶	۵۰	۱۳	۱۷۲	۴۴/۳	۹۳	۲۳/۹	۵۴	۱۴/۱
۴	ستاد مبارزه با مواد مخدر	۱۲	۴۶	۴۳	۱۱/۲	۱۳۲	۳۴/۱	۴۷	۱۲/۲	۷۵	۱۹/۳
۵	شهرداری	۲/۵	۹	۴۳	۱۱	۱۵۲	۳۹/۱	۷۴	۱۹/۱	۵۹	۱۵/۲
۶	ادارات ثبت اسناد و املاک	۴/۴	۱۷	۹۳	۲۴/۱	۱۶۴	۴۲/۲	۵۸	۱۵	۵۲	۱۳/۴
۷	اداره دارایی و مالیات	۱۳/۹	۵۴	۴۳	۱۱/۲	۱۳۲	۳۴/۱	۴۷	۱۲/۲	۷۵	۱۹/۳

۸	اصناف	۸	۲/۲	۵۰	۱۳	۱۷۲	۴۴/۳	۹۳	۲۳/۹	۵۴	۱۴/۱
۹	خواهر	۹۳	۲۴/۱	۱۲۱	۳۱/۱	۴۴	۱۱/۴	۸	۲/۲	۵	۱/۴
۱۰	برادر	۹۸	۲۵/۲	۱۰۰	۲۵/۹	۸۶	۲۲/۳	۵	۱/۴	۳۶	۹/۳
۱۱	پدر	۱۷۱	۴۴/۱	۹۴	۲۴/۴	۴۶	۱۲	۱۹	۵	۲۳	۵/۹
۱۲	مادر	۱۶۴	۴۲/۲	۹۹	۲۵/۵	۵۲	۱۳/۴	۲۰	۵/۲	۵	۱/۴
۱۳	دوستان	۵۶	۱۴/۴	۹۳	۲۴/۱	۱۲۵	۳۲/۳	۵۲	۱۳/۴	۵	۱/۴
۱۴	همسایگان	۱۵	۴/۱	۵۱	۱۳	۱۱۴	۲۹/۵	۸۹	۲۳	۸۶	۲۲/۲
۱۵	همکاران	۳۵	۹/۱	۷۵	۱۹/۵	۱۳۲	۳۴/۱	۴۴	۱۱/۴	۵۲	۱۳/۴

یافته‌های متغیر احساس عدالت توزیعی در جدول زیر، یعنی جدول شماره (۵) آمده است. بر مبنای داده‌های آورده شده در جدول زیر بیشتر پاسخ‌دهندگان (۵۸/۶) احساس عدالت توزیعی زیادی داشتند و تنها (۰/۹) درصد از پاسخگویان ابراز داشتند که احساس محرومیت نسبی کم یا بسیار کمی دارند.

جدول شماره (۵) فراوانی و درصد فراوانی معیار احساس عدالت توزیعی

ردیف	عدالت توزیعی	کاملاً موافقم		موافقم		تأخوری		مخالفم		کاملاً مخالفم	
		F	۰/۰	F	۰/۰	F	۰/۰	F	۰/۰	F	۰/۰
۱	امروزه همه مردم امکان دسترسی به حداقل درآمد وجود دارد.	۳	۰/۹	۴	۱/۱	۴۵	۱۱/۸	۱۲۴	۳۲	۲۱۰	۵۴/۱
۲	امروزه همه مردم امکان دسترسی به حداقل امکانات تحصیلی و بهداشتی وجود دارد.	۳۱	۸/۲	۱۰	۲/۷	۳۷	۹/۵	۸۱	۲۰/۹	۲۲۸	۵۸/۶
۳	امروزه امکان دسترسی به حداقل اطلاعات برای همه مردم وجود دارد.	۷	۱/۸	۹	۲/۵	۴۵	۱۱/۸	۱۱۰	۲۸/۴	۲۱۵	۵۵/۵
۴	امروزه امکان دسترسی به حداقل امکانات قضایی و حقوقی برای همه مردم وجود دارد.	۱۵	۳/۹	۱۸	۴/۸	۶۱	۱۵/۹	۱۴۰	۳۶/۱	۱۵۲	۳۹/۳
۵	همه افراد به شکلی برابر از همه امکانات دارا هستند.	۸	۲/۳	۱۵	۳/۹	۶۸	۱۷/۵	۱۲۴	۳۲	۱۷۲	۴۴/۳

۴۰	۱۵۵	۳۵/۲	۱۳۶	۳۰	۱۱۶	۲/۵	۹	۲/۳	۸	امروزه رسیدگی به همه کارهای قضایی سرعت زیادی دارد.	۶
۳۶/۶	۱۴۲	۳۱/۴	۱۲۲	۲۲/۴	۹۱	۳/۹	۱۵	۲/۷	۱۰	امروزه قضات با اطلاعات دقیق تری آرا را صادر می کنند.	۷

پس از بررسی پاسخ گویی پاسخ دهندگان به سوالهای پرسشنامه، فرضیه های تحقیق مورد بررسی قرار می گیرند.

فرضیه اول. همبستگی معنادار بین کنترل اجتماعی و رفتار قانون گریزانه افراد وجود دارد.

برای بررسی ارتباط دو متغیر کنترل اجتماعی و قانون گریزی با دقت به سطح های ارزیابی آنان که سطح فاصله ای بوده و نیز به دنبال آن توزیع متغیرها از توزیع عادی، ماتریس همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون دو متغیره یا همان رگرسیون ساده بکار گرفته شد. در نهایت نتایج به دست آمده که در جداول شماره های (۱-۴) آورده شده است. با دقت در داده های جدول زیر، کنترل اجتماعی با قانون گریزی ارتباطی منفی و معناداری ($R = ۰/۳۴$ ، $P > ۰/۰۱$) داشته است.

همانگونه که در جدول شماره (۶) ملاحظه می کنید با توجه به مقدار و سطح معناداری که میان کنترل اجتماعی و قانون گریزی وجود دارد حکایت از آن دارد که ارتباطی معنادار و معکوس در سطح ۹۹٪ اعتماد وجود داشته، به بیان بهتر هرچقدر که در جامعه کنترل اجتماعی بالاتر برود به همان اندازه قانون گریزی به سطح پایین تری در میان جوانان در جامعه می رسد.

جدول شماره (۶) تحلیل رگرسیون مقیاس کنترل اجتماعی و قانون گریزی در میان جوانان

متغیر	R	R ²	F	Sig	B	Beta	T	Sig
مقدار ثابت	۳۴/۰-	۱۲/۰	۲/۲۴	۰/۰۰	۳/۲۹	-	۶۳/۹	۰/۰۰۰
کنترل اجتماعی				۰/۰۰۰	۰۵/۰	۳۴/۰	-۱/۵	۰/۰۰۰

فرضیه دوم. همبستگی میان دوستان، خانواده قانون گریز داشتن و قانون گریز بودن افراد وجود دارد...

جهت بررسی ارتباط بین دو متغیر دوستان و خانواده قانون گریز داشتن و قانون گریزی با دقت به سطوح ارزیابی آن دو که سطح فاصله ای است و همچنین از توزیع نرمال و تحلیل رگرسیون دو متغیره یا همان تحلیل رگرسیون ساده بکار گرفته شده است. که نتایج آن در جدول

زیر آورده شده است. باید توجه کرد که داده‌های موجود در جدول زیر (جدول ۷)، بین دوستان و خانواده قانون گریز داشتن و قانون گریزی ارتباطی مثبت متوسط و معنا داری وجود داشته است.

جدول شماره (۷) تحلیل رگرسیون مقیاس دوستان و خانواده قانون گریز داشتن و قانون گریزی

متغیر	R	R ²	F	Sig	B	Beta	T	Sig
مقدار ثابت					۴/۳۱	-	۷/۶۶	۰/۰۰۰
دوستان و خانواده قانون گریز داشتن	۴۴/۰	۲۱/۰	۲/۱۰۸	۰/۰۰۰	۱۴/۰-	۴۴/۰-	۴/۱۰-	۰/۰۰۰

فرضیه سوم. ارتباطی معنادار بین احساس عدالت توزیعی افراد و رفتار قانون گریزانه آنان وجود دارد.

برای بررسی ارتباط دو متغیر عدالت توزیعی و رفتار قانون گریزانه با دقت در سطوح ارزیابی این دو که در سطح فاصله‌ای می‌باشد و همچنین توزیع عادی از تحلیل رگرسیون ساده یا همان تحلیل دو متغیره بهره برده شده است که نتایج این تحلیل در جدول زیر آورده شده است. با دقت در داده‌های جدول زیر (جدول ۸) بین عدالت اجتماعی و قانون گریزی ارتباطی منفی و معنادار وجود دارد.

جدول شماره (۸) تحلیل رگرسیون احساس عدالت توزیعی افراد و رفتار قانون گریزانه

متغیر	R	R ²	F	Sig	B	Beta	T	Sig
مقدار ثابت					۲/۲۹	-	۱/۵۶	۰/۰۰۰
عدالت توزیعی	۲۱/۰-	۰۸/۰	۷/۳۵	۰/۰۰۰	۰۹/۰-	۲۸/۰-	۹/۵-	۰/۰۰۰

نتیجه گیری

قانون گریزی که معطلی اجتماعی مضر به حال سلامت جامعه است، منشأ آن عدم انطباق افراد بوده، عدم انطباقی که حاکم بر ارتباطات فرد و جامعه است. چنین ناسازگاری‌هایی که خودشان معلول عوامل مختلفی اعم از خرد و کلان بود و این خود دلیلی بر ضعیف شدن همبستگی‌ها و انسجام‌های جامعه‌ای شده، وحدت اجتماعی را به مخاطره انداخته و در نهایت شرایط آنومیکی را برای جامعه رقم زده و حاکم می‌کند (محسنی، ۱۳۹۰). در دنیای کنونی

قانون‌گریزی تبدیل به پدیده‌ای جهانی شده که سرتاسر جهان با این معطل روبرو و دست و پنجه نرم می‌کند. هرچند که جوامع مدنی بشری بر مبنای شرایط اقتصادی و اجتماعی خودشان با گونه‌های مختلفی از قانون‌گریزی روبرو شده‌اند، ولی موضوع قانون‌گریزی با تمرکز به شکل و نوع اجتماع محتمل است دلایل متفاوتی را با خود همراه داشته باشد. خاصه از قرن نوزدهم تا هم‌اکنون مسئله‌ها و مشکلاتی که شهرها تحت عنوان مکانی برای اسکان اکثریت مردم دنیا به طور چشمگیری، روندی افزایشی داشته است. این پژوهش که به بررسی علل و عوامل میزان قانون‌گریزی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله ساکن در اصفهان پرداخته.

۱) آزمون فرضیه‌ها نشان دهنده این بود که میان احساس عدالت توزیعی و قانون‌گریزی جوانان ارتباطی معنادار و معکوس وجود داشته. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های فیروزجائی (۱۳۸۹)، برزگری و چهارگنبدی (۱۳۹۲)، شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۱)، رفیع‌پور (۱۳۷۸)، اسدزاده (۱۳۹۱)، پترسون (۱۹۹۹) که تمامی پژوهش‌های گفته شده نشان دهنده این بود که میان احساس عدالت توزیعی با رفتارهای قانون‌گریزانه و کج‌رو افراد ارتباط داشته و منطبق است.

برای تفسیر و تشریح نتیجه فوق تئورسین‌های تضادگرا بر این عقیده بودند که فرم و ساختار جامعه‌ی و سیاسی خودشان شکل دهنده رفتار افراد هستند. نظریه‌های تضاد اجتماعی همه کوشش و تلاش خودشان را صرف این دارند که جرم را در میان بافت‌های اقتصادی و اجتماعی تشریح کنند و رابطه‌ای که میان مثلث طبقات اجتماعی، جرم و کنترل اجتماعی تبیین می‌کنند. نظریه‌های تضاد تحت این عنوان که جرم را پیامدی در راستای مبارزه اجتماعی می‌بینند و چنین ادعا دارند که توزیع ناموزون قدرت در اجتماعات گسترده دلیلی بر این موضوع هست که بعضی از گروه‌ها می‌توان قدرتمند هستند، بدین معنا که سهم خوبی از قدرت را در دست دارند، توانایی این را دارند تا قواعد و مقررات رسمی حاکم بر جامعه را در راستای انتفاع خودشان و حتی به صورتی که موجب تضرر رقیب بشود، تدوین و تصویب خواهند کرد. بر همین مبنا زمانی که اعضای جامعه احساس می‌کنند که عدالت در اجتماع راجع به آنها رعایت نشده و همینطور فرصت‌های اجتماعی نامتوازن توزیع شده باشد، قوانین حاکم بر جامعه را زیر پا می‌گذارند چرا که اعتقاد راسخ بر ناعادلانه بودن آن قوانین دارند و با این کار آن را زیر سؤال خواهند برد، پس اینگونه است که از قوانین حاکم بر جامعه پیروی نکرده و زیرپا خواهند گذاشت. در چنین وضعیتی که اعضای جامعه احساس می‌کنند که امکانات و امتیازاتی که در جامعه وجود دارد به صورت ناعادلانه‌ای توزیع شده باشد و حتی فرصت‌های اجتماعی در دست گروه خاص و

اندکی است، باعث ایجاد احساس نارضایتی درباره نظام اجتماعی در میان افراد جامعه شده که پیامد چنین وضعیتی چیزی جز قانون گریزی نخواهد بود، چراکه با این کار به نوعی جبران برای این خلاء ناعدالتی می‌انگارند.

۲- میان کنترل اجتماعی و رفتار قانون گریزانه نیز ارتباطی عکس و معنادار وجود داشت. نتیجه این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های رضایی (۱۳۸۴)، برزگری و چهارگندبدی (۱۳۹۲)، شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۱)، عزیزی (۱۳۸۶)، عباس‌زاده و همکارانش (۱۳۹۱)، واحدی و همکاران (۱۳۸۸)، حقیقتیان و فرنام (۱۳۸۸)، اسدزاده (۱۳۹۱)، رضائیان تودشکی (۱۳۹۱)، کریم‌آبادی (۱۳۸۸)، برگارد و کوچران (۲۰۰۸) همگی آنان نشان از این داشتند که در کنترل اجتماعی چه به صورت کنترل رسمی و چه به صورت غیررسمی، رفتار قانون گریزانه و دیگر رفتارهای توأم با انحراف در افراد تأثیر گذاشته، هم‌خوان بوده.

در راستای تأیید نظریه فوق تئوریسن‌های کنترل اجتماعی معتقدند که همه انسان‌ها مستعد نافرمانی از قوانین هستند و اگر این تمایلات و استعدادها کنترل نشده و رها شوند افراد مرتکب جرم می‌شوند. آنان چنین عقیده دارند که افراد بنا به دلایل مختلفی از قوانین پیروی می‌کنند که این دلایل ممکن است بیرونی یا درونی باشد. همچنین اعتقاد آنها بر این است که: اشخاص معتقدند ارتکاب اعمال بزهکارانه باعث خسارت زدن به والدین آنها خواهد شد و یا حتی فرصت آنها را برای راهیابی به دانشگاه از بین خواهد برد، یا ممکن است ترس از دست دادن شغلشان را داشته باشند، به بیان بهتر باید گفت که اشخاصی که مرتکب اعمال بزهکارانه می‌شوند به واسطه دلبستگی و تعهدشان به دیگران، نهادها و فرآیندهای معمول کنترل خواهند شد، هرگاه این تعهد و دلبستگی از میان برود آنها آزادانه قوانین را زیر پا خواهند گذاشت. پس آن دسته از افرادی که دیگر به واسطه دلبستگی تعهدی ندارند به وسیله مجازات‌های قانونی این کنترل صورت خواهد گرفت. هیرشی از بارزترین صاحب‌نظران این رویکرد هست که عقیده دارد: کج‌روی زمانی واقع می‌شود که فرد پیوندی که با محیط اطراف و جامعه داشته را دیگر نداشته یا این پیوند ضعیف شده باشد. در نظریه هیرشی پیوند شخص با جامعه که از مهمترین متیرها در همنوایی یا عدم همنوایی شخص است. همچنین کج‌روی زمانی حادث خواهد شد که تمامی قید و بندهایی که شخص در رابطه با اجتماع داشته ضعیف و یا از میان رفته باشد. به وسیله کنترل اجتماعی برای اشخاصی که ارزش‌ها و هنجارها برای آنان نهادینه نشده و یا به شکلی ناقص نهادینه شده باشد، برای چنین افرادی از روش اجبار و التزام استفاده خواهد شد. به عقیده نظریه

بی‌سازمانی اجتماعی، عوامل اجتماعی نیز کار کنترل کردن اشخاص را برعهده دارد و هرگاه آن عوامل اجتماعی از ثبات لازم برخوردار نباشند و یا به بی‌ثباتی برسند، اشخاص قادر به کنترل بر روی خود نخواهند بود و یا کنترل کمتری بر روی رفتار خود پیدا می‌کنند.

۴- میان دوستان و خانواده قانون‌گریز داشتن و رفتار قانون‌گریزانه افراد رابطه‌ای معنادار و مستقیم وجود داشته. نتیجه این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های محمدی (۱۳۹۲)، که نشان از وجود رابطه بین دوستان و همسالان قانون‌گریز و تمایل به قانون‌گریزی بود، کریم‌آبادی (۱۳۸۸)، حقیقتیان و فرنام (۱۳۸۸) که حکایت از وجود ارتباط معنا دار بین معاشرت با افراد بزهکار و قانون‌گریزی دارد، یافته‌های فریر (۲۰۰۹) که تأثیر معاشرت با افراد کچرو بر ارتکاب جرم را تأیید کرده است، سازگاری دارد.

دیوید ساترلند در راستای تأیید نتیجه فوق در تئوری همنشینی افتراقی اعتقاد دارد که رفتار بزهکارانه هم مثل دیگر رفتارهای اجتماعی، در اثر معاشرت با سایرین یاد گرفته می‌شود. به بیان دیگر، به همان شکلی که مردم در معاشرت‌ها و همنشینی با دیگرانی که هنجارها را محترم می‌شمارند، راغب به رعایت هنجارها می‌شوند در همنشینی و معاشرت با اشخاص بزهکار و کچرو به طرف رفتارهای بزهکارانه گرایش پیدا خواهند کرد. اعتقاد تارد هم بر این است که تقلید کاری اجتماعی بنیادی هست که بر ارتباطات میان افراد حاکمیت دارد. تقلید فرآیندی روانی بوده که اعمال روانی افراد را مثل عادات آنان تشریح می‌کند. پس هرگاه شخصی با دیگرانی مانند دوستان در رابطه باشد که رفتار قانون‌گریزانه داشته باشند این امکان و احتمال که خودشان نیز مرتکب رفتار قانون‌گریزانه بشوند نیز زیاد است.

پیشنهادهای کاربردی

بر مبنای یافته‌های پژوهش،

۱. با وضع قوانین مناسب به وضع جامعه و کارشناسی شده، میتوان از اندازه قانون‌گریزی جوانان کاست.

۲. با توجه به اینکه افزودن بر مقدار کنترل چه کنترل رسمی و چه کنترل غیر رسمی دیگر کارایی لازم را نداشته و چه بسا باعث تمرد و سرپیچی بیشتر از قوانین شود، پیشنهاد می‌شود که نیازهای اساسی جوانان برطرف شود به عنوان مثال شرایط

اشتغال بهبود یابد، شرایط ازدواج و امثالهم چراکه امروزه بیشترین جرائم به دلیل فقر ارتکاب می‌یابد.

۳. باید گفت که نهادهای رسمی که نقش پررنگ تقنینی دارند سعی در وضع قوانین مناسب به حال جامعه را داشته باشند؛ چراکه یکی از انواع قانون گریزی که امروزه شایع شده است قانون گریزی اعتراضی بوده، پس هر چقدر هم که نهادهای نظارتی و کنترلی بر میزان کنترل خود بر جوانان بیفزایند از میزان قانون گریزی جوانان نه تنها کاسته نمی‌شود بلکه روندی افزایشی داشته و جامعه را بیشتر دچار شرایط آنومیک خواهد کرد.

۴. قوانین مصوب هر دو یا سه سال توسط متخصصین حقوق و جامعه‌شناسی، اقتصاد بازمینی و در صورت لزوم اصلاح شود.

۵. از تمرکز و اولویت قراردادن، مرجع قانون‌گذاری بر روی مسائلی که اهمیت و کاربرد کافی در جامعه نداشته پرهیز شود.

۶. کارگزاران حکومتی و سایر ارگان‌هایی که شریان حیاتی محسوب می‌شوند خط مقدم اجرای قوانین باشند.

۷. با توجه به اینکه میزان قانون‌گریزی در خانواده و دوستان بر میزان رفتار قانون‌گریزانه تأثیر مستقیم و معناداری داشته پس این مهم نشان دهنده تأثیر نهادهایی که نقشی اساسی در جامعه‌پذیری افراد داشته و سبب ترویج اطاعت از قوانین می‌شوند، پس الزامی است که در ابتدا امر والدین از قوانین پیروی کنند تا فرزندان نیز با الگو برداری از والدین گرایش به سمت قانون‌مداری داشته باشند. محتمل است که والدین قانون‌گریز و سرکش از اجرای قوانین نیز فرزندانی را تربیت خواهند کرد که آنان نیز قانون‌گریز و نامرمان از اجرای قوانین باشند.

۸. با ترفیع سطح توسعه فرهنگی و درونی‌سازی قانون‌مداری و دوری و اجتناب از قانون‌گریزی به وسیله نهادهای متنوع اجتماعی

۹. حاکمان و کارگزاران باید خودشان پیش‌قدم در اجرای قوانین باشند.

۱۰. باید آموزش و اطلاع‌رسانی صحیح و جامعی در این زمینه وجود داشته باشد چراکه

یکی از آفات موجود عدم آگاهی از قوانین توسط عامه مردم بود، پس بهتر است که این خلاء با آموزشی که همراه با توجیهی منطقی است، همراه بوده باشد. پس فرهنگ‌سازی راهی درست برای تحقق این مهم می‌باشند.

۱۱. مدارس و سایر نهادهای آموزشی باید به شیوه درست و توجیهی، چرایی قانون‌گرایی را آموزش دهند.

منابع

۱۲. پوررجبی، میلاد؛ مجدی، علی اکبر (۱۳۹۸)، عوامل موثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه نشین شهر مشهد. مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، شماره ۵۲، ۳۵-۶۰.
۱۳. حمیدی، انسی؛ عباسی، الهام؛ ملانیا جلودار، شهرام. (۱۴۰۲). مطالعه جامعه شناختی رابطه حمایت اجتماعی خانواده و قانون‌گریزی در بین شهروندان ۱۸ الی ۳۰ سال شهر ساری. علوم اجتماعی، شماره ۴۵، ۲۴۷-۲۷۵.
۱۴. زارعیف بهزاد (۱۳۸۸). بررسی نقش عوامل اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی موثر بر قانون‌گریزی (مورد مطالعه: جامعه شهری ایلام). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز، استاد راهنما: دکتر علی حسین حسینزاد، استاد مشاور: کریم رضا دوست.
۱۵. ستوده، هدایت الله (۱۳۹۰)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور.
۱۶. سرافراز، پرنیان، نیکخواه، هدایت اله، رستگار، یاسر. (۱۴۰۲). تحلیلی جامعه شناختی بر رابطه مصرف موسیقی و قانون‌گریزی (مورد مطالعه: جوانان ۱۸-۳۵ ساله شهرستان بندرعباس). مطالعات میان رشته ای در رسانه و فرهنگ، ۱۳ (۱)، ۲۰۷-۲۳۶.
۱۷. سلامتیان، درنا (۱۳۹۵)، بررسی عوامل اجتماعی روانی مرتبط با قانون‌گریزی در رانندگی (مورد مطالعه، رانندگان ۶۴-۲۰ شهر شیراز)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یاسوج، استاد راهنما: دکتر سیروس احمدی.
۱۸. صالح، علی پاشا (۱۳۹۵). سرگذشت قانون مباحثی از تاریخ حقوق، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. صدیق سروسرستانی، رحمتالله (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. صفاری نیا، مجید؛ زالی زاده، مسعود؛ زالی زاده، محسن؛ امین، محسن. (۱۴۰۰). مطالعه کیفی عوامل زمینه‌ساز قانون‌گریزی در ادارات شهر اهواز. انتظام اجتماعی، شماره ۴۰، ۸۷-۱۱۲.
۲۱. عبداللهی، محمد (۱۳۸۴)، مسایل اجتماعی ایران: مجموعه مقالات، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: نشر آگه.

۲۲. عشایری، طاهّا؛ نامیان، فاطمه (۱۳۹۸)، تبیین جامعه شناختی قانون گریزی در بین شهروندان ایرانی (فرا تحلیل پژوهش های موجود). مجلس و راهبرد، ۲۶ (۱۰۰)، ۳۵۹-۳۸۵.

۲۳. علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۰)، بررسی روحیه جمعی و قانون پذیری در جامعه، تهران: اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ.

۲۴. علی بابایی، یحیی؛ فیروز جانیان، علی اصغر (۱۳۸۸). تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر قانون گریزی. فصلنامه دانش انتظامی، ۱۱ (۴)، ۷-۵۸.

۲۵. فریدون نژاد، مژگان؛ یوسفی، مطهره. (۱۴۰۳). آسیب شناسی بروز پدیده قانون گریزی در دانش آموزان نوجوان. مطالعات علوم اجتماعی، ۱۰ (۴)، ۱-۲۰.

۲۶. فیروز جانیان، علی اصغر (۱۳۸۹). قانون گریزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویهای)، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۱ (۴۲).

۲۷. کاشانی، شمس؛ عباس زاده، محمد؛ میرزایی، حسین (۱۳۹۲). بررسی جامعه شناختی رابطه انواع سالارمآپاه ها با میزان رعایات قوانین راهنمایی و رانندگی در بین رانندگان حاشیه نشاین و غیرحاشیه نشاین شاهر میانه». مطالعات جامعه شناسی، ۲ (۸)، ۹۳-۱۰۸.

۲۸. میرفردی، اصغر؛ فرجی، فروغ (۱۳۹۵). بررسی میزان گرایش به قانون گریزی و رابطه آن با میزان مشارکت اجتماعی و میزان کنترل اجتماعی در شهر یاسوج. جامعه شناسی کاربردی، ۲۷ (۲)، ۹۳-۱۱۰.

۲۹. Nonet, P., Selznick, P., & Kagan, R. A. (2017). Law and society in transition: Toward responsive law. Routledge. https://books.google.com/books/about/Law_and_Society_in_Transition.html?id=yTS PAAAAAMAAJ